

# بازیابی مزیت بخش تعاون

## «کاهش فقر از طریق خودیاری»

نوشته:

جانستون بیرچال

مترجمان:

دکتر محمد عباسی - دکتر غلامحسین حسینی نیا

بسمه تعالی

پیش‌گفتار

مسأله چالش‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله فقر و راه‌های مقابله با آن، امروزه به عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، ذهن برنامه‌ریزان، اندیشمندان و مدیران جوامع را به خود مشغول نموده است. در این رابطه بیش از همه، آموزه‌های دینی و اسلامی، ملت‌ها را در مذمت فقر و لزوم رهایی از آن، یادآور نموده است. اما برای مقابله با این پدیده نگران‌کننده تاریخی، روش‌های متعددی ذکر می‌شود که مهمترین آن‌ها، استفاده از روش‌های درون‌زایی است که قادرند توانمندی انسان‌ها را از طریق مشارکت خودشان در این فرایند افزون کنند. نوشتار حاضر، به یکی از بی‌بدیل‌ترین این روش‌ها، یعنی استفاده از ایده «تعاون برای زندگی» می‌پردازد و تلاش دارد نقش و توانمندی تعاونی‌ها را در کاهش فقر، مورد بحث و بررسی قرار دهد و در این بین، ضمن تحلیل درک و شناخت افراد از مفاهیم فقر و تعاونی‌ها، درباره سیاست‌های بین‌المللی در زمینه کاهش فقر و نیز چگونگی کمک تعاونی‌ها در تحقق اهداف آن‌ها، به تفصیل بحث

می‌کند. پیشینه تاریخی تعاونی‌ها در عرصه فقرزدایی به همراه یازده مطالعه موردی درباره زمینه‌های مختلف فعالیت‌های تعاونی، بخشی از دیگر موارد مطرح شده در این نوشتار را تشکیل می‌دهند. یکی از نتیجه‌گیری‌های اصولی مطالعه حاضر آن است که سازماندهی فقرا و محرومان توسط خودشان که از آن تحت عنوان "خود-سازماندهی" یاد می‌شود، یکی از پیش‌شرط‌ها در موفقیت طرح‌های فقرزدایی یا ضد فقر است که تعاونی‌ها می‌توانند نقش بسیار ارزنده‌ای در این راستا ایفا نمایند. برای این که تعاونی‌ها قادر به ایفای این نقش باشند، وجود چند شرط ضروری است. یکی از این شرط‌ها، ایجاد فضای مناسبی است که به تعاونی‌ها امکان دهد دقیقاً در راستای اصولی که برایشان تعریف شده است، حرکت کنند. جدی گرفتن اقدامات ترویجی از سوی بازیگران مختلف عرصه اجتماعی و تاکید جدی بر توسعه منابع انسانی، از دیگر شروط لازم برای تحقق این هدف است. توصیه اخیر سازمان جهانی کار در خصوص ترویج تعاونی‌ها که تحت عنوان توصیه شماره 193 در سال 2002 انتشار یافته است، اهمیت به سزایی در این خصوص دارد. این توصیه در واقع، رهنمودی جامع است که نشان می‌دهد تعاونی‌ها چگونه می‌توانند نقش بارزی در راستای تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا نمایند.

گروه زیادی از جوامع بین‌المللی و محققین علوم اجتماعی و اقتصادی، طرح دغدغه فقر را همراه توصیه‌هایی ارائه کرده‌اند. آنان عموماً راه کار تعاون را به خصوص با مختصات حقیقی آن که وسیله یاری افراد به همدیگر و ایجاد توان در خود و هم‌نوعان است، مورد تأکید قرار داده‌اند که در حقیقت، ذکر همان نسخه بزرگان دین و حکمای تاریخ، در ترویج و یاری نیکی‌ها است. تحولات اخیر در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی با تأکید بر اهمیت فزاینده اتخاذ رویکردهای فقرزدا، منجر به تصویب بیانیه هزاره از سوی سازمان ملل در سپتامبر 2000 گردید که ناظر بر تحقق اهداف هشت‌گانه توسعه هزاره تا سال 2015 است. نخستین هدف از این مجموعه اهداف آن است که شمار افراد دارای کمتر از یک دلار درآمد در روز، به نصف تعداد کنونی برسد. بنگاه‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل، از جمله سازمان جهانی کار دست در دست هم داده‌اند تا در تلاشی جهانی، اهداف مذکور را به شکلی مؤثر و در زمان مقرر، جامه عمل بپوشانند. سازمان جهانی کار در راستای مأموریت خود، مفهوم کار شرافتمندانه (شایسته) را بسط داده است تا ضمن کمک به پیشبرد روند فقرزدایی، اصلی‌ترین هدف خود را که همان ترویج فرصت‌های لازم برای زنان و مردان جهت دستیابی به کار شرافتمندانه و مولد، بارعایت اصل آزادی، برابری، امنیت و کرامت انسانی است، محقق سازد. کار شرافتمندانه مبین به رسمیت شناختن حقوق اساسی کار، دسترسی به اشتغال مولد، حمایت اجتماعی کافی و مناسب، حق اظهار نظر و مشارکت در محل کار از

طریق گفتمان اجتماعی است. با تحقق این اهداف می‌توان به میزان چشمگیری فقر را کاهش داد و کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشید. در این نوشتار، راه‌کارهای عملی متعددی ارائه شده است که به سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهند چگونه می‌توانند با توسل همه‌جانبه به تجربیات تعاونی، به مبارزه با فقر برخیزند.

نوشتار حاضر توسط جناب آقای دکتر جانستون بیرچال، مربی و مدرس ارشد حوزه سیاست اجتماعی در اداره علوم اجتماعی کاربردی دانشگاه استرلینگ اسکاتلند به رشته تحریر درآمده است. ایشان به عنوان مفسر و صاحب نظر برجسته امور تعاون، پرسش‌های مهمی را در این نوشتار مطرح می‌کند که از آن جمله می‌توان علل کمبود منابع و مراجع در خصوص نقش تعاون و تعاونی، در ادبیات و متون مربوط به فقرزدایی را نام برد.

در این بین، مشخصاً این پرسش را مطرح می‌کند که آیا برخی کارشناسان و خبرگان توسعه صرفاً چشمان خود را بر واقعیات تعاون بسته‌اند یا به این علت که در گذشته، در بسیاری کشورها، تعاونی‌ها آلت دست دولت‌ها بوده‌اند، تردید و احتیاط پیشه کرده‌اند. نتیجه‌گیری وی از این پرسش آن است که در واقع، بسیاری از بنگاه‌های دست‌اندرکار توسعه، تشکل‌های تعاون گونه را ترویج و تبلیغ می‌کنند، اما بدون این که بدانند دارند تعاونی‌ها را ترویج می‌دهند، عبارت و اصطلاحات متفاوتی را برای بیان "تعاونی" به کار می‌گیرند. این پدیده "نادیده‌انگاری تعاونی" نه تنها مانعی جدی بر سر راه استفاده از تجربیات غنی تعاون به شمار می‌آید، بلکه مانع شناخت این واقعیت می‌شود که چه رابطه و سنخیت نزدیکی بین توسعه مردمی، مشارکت جویانه و اجتماع محور و قدرت تشکلی مردم مدار به نام تعاونی، وجود دارد.

براین اساس، نوشتار حاضر، سه هدف اساسی را دنبال می‌کند: سوق دادن فعالیت‌های سازمانی جهانی کار به سمت فقرزدایی از طریق تعاونی‌ها؛ اطلاع‌رسانی به دیگر بنگاه‌های بین‌المللی و دست‌اندرکاران توسعه در خصوص ظرفیت و توان واقعی تعاونی‌های اصیل؛ بستر سازی برای خود تعاونی‌ها جهت توسعه و اتخاذ رویکردی جامع‌تر و پویاتر برای کاهش فقر. با این حال، موضوع توسل به روش تعاون برای خودیاری افراد و همراهی با یکدیگر در وجه والاتر از سوداندوزی و پرداختن به یکی از ضروری‌ترین هدف‌های اجتماعی مانند محو فقر و توجه به فقرا، مدنظر استدلال‌های این نوشتار است. بدیهی است دلایل علمی و نظرات کارشناسی نویسنده، اثرات اقتصادی مبارزه با فقر را به گویایی مطرح کرده است چنانچه محققین کشورهای اسلامی، به ویژه اهل دانش مدیریت و اقتصاد اسلامی که با چشمه زلال دیدگاه‌های بزرگان دین آشنا هستند، سایر ابعاد اجتماعی و انسانی و

مزیت‌های بزرگ شیوه تعاون در رشد و توسعه اقتصادی را تشریح نمایند، مدیران و برنامه‌ریزان جهان امروز بیشتر و بهتر می‌توانند از کارکردهای درون‌زا و برون‌زای تعاون برای اداره ملت‌ها و کشورهای خود بهره‌مند شوند. امید است مطالب این دانشمند پویای علوم اجتماعی و راه‌کارهای مطرح شده در خلال آن بتواند زمینه‌های بیشتری را در پویایی فکر اهل اندیشه برای بررسی ظرفیت‌ها و اثرات مفید شیوه تعاون در توسعه ملت‌ها و محو فقر، به ویژه ایجاد عدالت اجتماعی و گسترش آن ایجاد نماید.

محمد عباسی

غلامحسین حسینی نیا

## فهرست مطالب و مندرجات

پیش‌گفتار	-----
مقدمه	-----
تعاونی‌ها و کاهش فقر	-----
سیاست‌گذاری برای کاهش فقر از طریق تعاونی‌ها	-----
مورد پژوهی‌ها در خصوص توسعه تعاون	-----
نتیجه‌گیری: توانمندی و ظرفیت تعاونی‌ها در کاهش فقر	-----
کتاب‌شناسی	-----

## مقدمه

در این نوشتار، رابطه بین تشکل تعاونی و کاهش فقر، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. دلایل قابل قبولی به ما نشان می‌دهند چرا تعاونی‌ها می‌توانند نقش مهمی در تلاش‌های جهان شمول سازمان ملل برای به نصف رساندن سطح کنونی فقر تا سال 2015 ایفا کنند. در واقع، این خود مردم فقیر بودند که ابتدائاً تعاونی را به عنوان نوعی تشکل اقتصادی ابداع کردند تا به واسطه آن، خود را از چنگال فقر رها سازند. تاریخ تعاونی مملو از شواهدی است که نشان می‌دهند تعاونی‌ها تا چه حد قادرند علاوه بر افزایش درآمد و کاهش مخاطره پذیری اعضا، به آنان این توانمندی را به دهند که در جامعه مدنی، مشارکت فعال و حضور کامل داشته باشند. اصولی که تعاونی‌ها بر پایه آن استوارند و آن‌ها را از دیگر تشکل‌های اقتصادی و تجاری متمایز می‌سازد، ناظر بر نظارت یا کنترل دموکراتیک اعضا، بازده عادلانه مازاد اقتصادی و تقسیم منافع و سودهای حاصله با دیگر افرادی است که همان شرایط آنان را دارند. با این حال، شواهدی تاریخی دال بر محدودیت‌های تعاونی نیز وجود دارد. مثلاً تعاونی در بدو تأسیس، بیشتر به سمت طبقات دارای درآمدهای پایین و متوسط گرایش دارد تا طبقات و

قشرهای فقیر. تعاونی‌ها در کشورهای توسعه یافته، روزبه‌روز گرایش و اتکای بیشتری به مدیریت حرفه‌ای<sup>1</sup> پیدا می‌کنند که این امر به معنای فاصله گرفتن تعاونی از اعضا و تبدیل شدن آن به چیزی شبیه دیگر تشکلهای مرسوم اقتصادی است. در کشورهای روبه توسعه، اما، حکومت‌ها از تعاونی‌ها به عنوان ابزاری برای توسعه استفاده می‌کنند و مانع تبدیل شدن آن‌ها به تشکلهای کاملاً مستقل و عضو-مالک (متعلق به اعضا) می‌شوند.

یکی از پرسش‌های مهم در رابطه با تعاونی‌ها آن است که تشکل تعاونی در عمل از چه پتانسیل و ظرفیتی برای کاهش فقر برخوردار است؟ این پرسش در واقع، بخشی از یک پرسش بزرگتر است و آن هم این که فقرا و محرومان به چه نوع تشکل اقتصادی و اجتماعی نیاز دارند که آنان را در راه‌هایی از چنگال فقر و فلاکت، یاری دهد. این پرسش هم می‌تواند به نوبه خود، بخشی از پرسشی کلان‌تر در این خصوص باشد که نهادهای بین‌المللی دست‌اندرکار توسعه، سازمان‌های غیردولتی و حکومت‌های محلی، برای تحقق توسعه‌ای پایدار که ناظر بر محرومان و فقرا باشد، از چه فنون و روش‌هایی باید استفاده کنند؛ که این پرسش هم در جای خود، پرسشی ضروری و مبرم به شمار می‌آید. سازمان ملل، تلاش گسترده‌ای را در سطح جهان برای هماهنگی در امر فقرزدایی و کاهش فقر و یافتن تمامی عواملی که موجب فقر و محرومیت می‌شوند، آغاز کرده است. اگر تشکل تعاونی نقش مؤثری در کاهش فقر دارد، اما مورد غفلت واقع شده است، یقیناً این امر، دستیابی به اهداف توسعه هزاره را دشوارتر خواهد ساخت و اگر در بیان ظرفیت و استعداد تعاونی، گزاره‌گویی و افراط شود، تمامی تلاش‌های ناظر بر توسعه، نقش برآب خواهد شد. از این رو لازم است بحث گسترده و پردامنه‌ای پیرامون نقش تشکلهای تعاونی در کمک به روند کاهش فقر صورت گیرد که یکی از اهداف نوشتار حاضر، پرداختن به همین مقوله است.

**فصل اول** با تعریفی از فقر، تعاونی و دیگر تشکلهای خودیار در چارچوب اصول تعاون، آغاز می‌شود.

سپس ضمن شرح پیشینه تاریخی تعاونی‌ها و ارزیابی مختصری از نقشی که در گذشته در کمک به کاهش فقر داشته‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که تعاونی‌ها تا چه حد با نیازمندی‌ها و اولویت‌های کنونی جامعه بشری، همسویی و سنخیت دارند. در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تعاونی‌ها، البته به عنوان بخشی از یک

---

<sup>1</sup> . Professional Management

مجموعه تشکلهای خودیار کم‌ویش رسمی، از ظرفیت و توانمندی عظیمی سود می‌برند. در واقع اگر خود فقرا به این ظرفیت و پتانسیل تعاونی پی‌برند، متوجه خواهند شد که فقط باید از این تشکل عضو- مالک استفاده کنند.

**درفصل دوم،** ضمن بررسی خط‌مشی‌ها و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی دست‌اندرکار تحقق اهداف توسعه هزاره، این پرسش مطرح می‌شود که تعاونی‌ها و تشکلهای خودیار، چه نقش و کمکی می‌توانند در این راستا ایفا کنند. پرداختن به مفاد اسناد راهبرد بانک جهانی برای کاهش فقر<sup>1</sup> و راهبرد کار شرافتمندانه<sup>2</sup> (شایسته) سازمان جهانی کار، از دیگر مباحث این فصل به شمار می‌آیند. نتیجه‌گیری این فصل هم آن است که تعاونی‌ها برای کمک به پیشبرد راهبردهای کاهش فقر بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط، ظرفیت و پتانسیل بالایی دارند؛ اما لازم است آگاهی و شناخت نسبت به این ظرفیت‌ها حتی المقدور افزایش یابد.

**در فصل سوم،** با ارائه یازده مطالعه موردی (مورد پژوهی) نشان داده می‌شود که انواع تعاونی‌ها چگونه می‌توانند در شرایط و موقعیت‌های مختلف، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه، عملاً زمینه را برای رهایی مردم و به ویژه افراد محروم از دست فقر، فراهم سازند. سپس ضمن بررسی دستاوردها و ناکامی‌های تعاونی‌ها به این امر پرداخته می‌شود که آیا این تجربیات قابلیت تسری به گستره‌های وسیع‌تر را دارند و اصولاً چگونه می‌توان تجربیات موفق در این زمینه را الگوبرداری و تکرار کرد. نتیجه‌گیری پایانی فصل هم این است که تعاونی‌ها و دیگر تشکلهای عضو- مالک، نهادهای فوق‌العاده انعطاف‌پذیری هستند که قادرند به راحتی برای حل یک سلسله مسائل مختلف اقتصادی، خود را با شرایط وفق دهند. اما نیل به توفیق در این راه، مستلزم تلاش‌های ترویجی و تبلیغی گسترده، توجه به جزئیات امر و نیز سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه انسانی است.

**سرانجام در فصل چهارم،** رابطه بین توسعه تعاونی و فرایند عمومی‌تر توسعه مشارکتی (مشارکت جوانه) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از جمله نتیجه‌گیری‌های این فصل هم آن است که توسعه تعاونی‌ها و دیگر تشکلهای خودیار مشابه، یکی از ابعاد اساسی و حیاتی توسعه مشارکتی است؛ به طوری که نیل به درجه بالاتری

---

<sup>1</sup> . World Bank's Poverty Reduction Strategy Papers

<sup>2</sup> . Decent Work Strategy

از توسعه پایدار، بدون سازماندهی فقرا توسط خودشان، ناممکن خواهد بود. فقرا باید در فرایند توسعه، درگیر شوند و نسبت به آن، احساس تعلق کنند. این کار باید از طریق تشکل‌های اقتصادی محلی خودشان که به شیوه مردمی و توسط خود آنان نظارت و کنترل می‌شوند، صورت گیرد. از این رو، چنانچه در جایی تشکل تعاونی وجود نداشته‌باشد، باید در اسرع وقت نسبت به تشکیل آن اقدام شود. مطالعه حاضر با ارائه توصیه‌هایی چند در خصوص تقویت تلاش‌های سازمان جهانی کار و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط در تبدیل کردن تعاونی به عاملی برای کاهش فقر، پایان می‌یابد.

## فصل اول

### تعاونی‌ها و کاهش فقر

در اجلاس هزاره سازمان ملل متحد در سپتامبر 2000، سران کشورهای جهان، سلسله اهداف توسعه هزاره<sup>1</sup> را تصویب کردند که هدف آن، نیل به پیشرفتی چشمگیر در امر حل و فصل مسائل و معضلات فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، تخریب محیط زیست و تبعیض علیه زنان بود. از جمله این اهداف می‌توان به نصف رساندن سطح فقر و گرسنگی شدید تا سال 2015، دستیابی به تحصیلات ابتدایی همگانی، توانمند سازی زنان و ترویج برابری بین زنان و مردان، کاهش  $\frac{2}{3}$  نرخ کنونی مرگ و میر کودکان زیر 5 سال، کاهش  $\frac{3}{4}$  نرخ مرگ و میر مادران، معکوس سازی روند شیوع بیماری‌ها مخصوصاً ایدز و مالاریا، تضمین پایداری زیست محیطی و ایجاد همکاری جهانی برای توسعه و تأکید بر تسهیل بدهی، کمک‌رسانی، امداد و تجارت را نام برد. هدف مورد نظر ما در نوشتار حاضر، همان هدف نخست، یعنی به نصف رساندن سطح فقر شدید است؛ هر چند که بقیه اهداف، ارتباط درونی تنگاتنگ با فقر دارند و به سختی می‌توان تصور کرد که حل یکی از معضلات، بدون توجه همزمان

---

<sup>1</sup> . Millennium Development Goals (MDGs)



به بقیه، امکان پذیر باشد. براساس برآوردهای 1990، بالغ بر 29 درصد مردمان کشورهای دارای اقتصادهای ضعیف و متوسط، فقیر بودند. منظور از هدف مذکور آن است که این رقم تا سال 2015، به نصف این میزان، یعنی 14/5 درصد برسد. با این وصف، حتی تا آن زمان هم 890 میلیون نفر بدون برخورداری از کمترین امکانات، گذران زندگی خواهند کرد.

## 1-1: فقر چیست؟

تعریف سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن از فقر، تعریفی ساده و روش است: "آیا خانوارها یا افراد، در حال حاضر امکانات یا منابع کافی برای رفع نیازهای خود را در اختیار دارند"<sup>1</sup>. ساده‌ترین راه برای ارزیابی و سنجش این معیار، مشخص کردن آستانه درآمد<sup>2</sup> است که سازمان ملل آن را معادل یک دلار آمریکا در روز تعیین کرده است. هر فردی زیر خط این آستانه که همان خط فقر مطلق<sup>3</sup> است قرار گیرد، فقیر به شمار می‌آید. فقر، مترادف با نابرابری<sup>4</sup> نیست؛ زیرا نابرابری، معیاری نسبی<sup>5</sup> است. نسبی بودن جایگاه افراد و خانوارها نیز در این تعریف، اهمیت خاصی دارد؛ چرا که سطح عمومی نابرابری<sup>6</sup>، شاخصی مهم از سطح رفاه<sup>7</sup> میان نابرابرترین‌ها<sup>8</sup> است. یا بنابه گزارش جامع و رسمی<sup>9</sup> دولت بریتانیا، هر جا رشد توأم با برابری باشد، کاهش فقر، روند پر شتاب‌تری دارد. از این رو، کاهش فقر در کشورهایی که دارای نابرابری کمتری هستند، سریع‌تر و آسان‌تر محقق می‌شود؛ زیرا "هر چه سطح و میزان نابرابری، پایین‌تر باشد، سهم فقرا از منافع حاصل از رشد، بیشتر خواهد بود"<sup>10</sup>.

آسیب‌پذیری<sup>11</sup>، یکی دیگر از مفاهیم قابل ملاحظه در این رابطه است که به معنای احتمال فقیر شدن در آینده، بر اثر عدم توانایی مقابله یا جذب ضربه‌های ناشی از بیماری، پایین‌آمدن قیمت محصول یا محصولات تولیدی، افزایش قیمت مواد غذایی و نظایر این‌ها است. اهمیت این پدیده از آن جهت است که با تأثیرگذاری بر رفتار مردم، باعث می‌شود، مردم بیش از پیش، تقدیرگرا<sup>12</sup> و خطر گریز<sup>13</sup> شوند. فقر، پدیده‌ای چند وجهی یا چند بُعدی<sup>14</sup> است که عدم امکان دسترسی به آموزش و تحصیل، خدمات و امکانات پزشکی، آب سالم و بهداشتی، مسکن مناسب<sup>15</sup> و بهداشت، از آن جمله‌اند. تبعیض و نابرابری میان جنسیت‌ها و بالا بودن احتمال ابتلا به

<sup>1</sup> . World Bank , 2002d

<sup>2</sup> . Income threshold

<sup>3</sup> . Absolute poverty

<sup>4</sup> . Inequality

<sup>5</sup> . Relative measure

<sup>6</sup> . Overall level of inequality

<sup>7</sup> . Level of welfare

<sup>8</sup> . The most unequal

<sup>9</sup> . White Paper

<sup>10</sup> . DIFD, 2000, p.18

<sup>11</sup> . Vulnerability

<sup>12</sup> . Fatalist

<sup>13</sup> . Risk-averse

<sup>14</sup> . Multi-dimensional

<sup>15</sup> . Adequate housing

بیماری‌های مرگبار نظیر ایدز و مالاریا نیز از دیگر ابعاد این پدیده‌اند. در کشورهای توسعه یافته، اصطلاح "محرومیت چند جانبه"<sup>1</sup>، در سطحی وسیع جایگزین مفهوم "فقر مطلق"<sup>2</sup> به عنوان معیاری برای نشان دادن آلام بشری شده است؛ چرا که اقدامات صورت گرفته در راستای حمایت از درآمدها، اگر چه پدیده گرسنگی را تقریباً ریشه‌کن ساخته، اما مردم را در مقابل انبوهی از گرفتاری‌های دیگر، آسیب‌پذیرتر کرده است. در بریتانیا، اصطلاح "محرومیت اجتماعی"<sup>3</sup> به تدریج جای واژه "فقر" را گرفته است؛ زیرا توجهات را به سمت این واقعیت جلب می‌کند که عده کوچکی از مردم، نه از فقر مطلق، بلکه از محرومیت‌هایی رنج می‌برند که مانع مشارکت کامل آنان در جریان اصلی فعالیت‌های جامعه می‌شوند. گرد آمدن افراد محروم و نابرخوردار در شهرک‌های مسکونی دولتی<sup>4</sup> یا عمومی نیز اوضاع را وخیم‌تر می‌کند؛ زیرا این‌گونه افراد اکثراً بی‌کارند، فرزندشان عملکرد تحصیلی خوبی ندارند، به سبک غیربهداشتی زندگی می‌کنند و نرخ جرم و جنایت و ترس از بزهکاری و جنایت در میان آنان بالا است. شاید کاربرد اصطلاح محرومیت مکانی یا «محرومیت ناشی از فاصله»<sup>5</sup> در چنین شرایطی، بهتر و مناسب‌تر باشد. برنامه توسعه سازمان ملل نیز برای این منظور، مفهوم کلی‌تر «معیشت پایدار»<sup>6</sup> را ارائه داده است که تعریف آن به شرح زیر است:

«معیشت یا امرار معاش، به معنای ابزار کار، فعالیت‌ها، حق و حقوق<sup>7</sup> و دارایی‌هایی است که مردم با توسل به آن‌ها تشکیل زندگی می‌دهند و این دارایی‌ها فقط دارایی‌های طبیعی و زیست‌شناسی نیستند، بلکه دارایی‌های اجتماعی، انسانی و فیزیکی را نیز شامل می‌شوند.»<sup>8</sup>

یکی از مزایای کاربرد چنین معیار ساده و عامیانه‌ای آن است که مشروعیت سیاسی<sup>9</sup> بیشتری دارد. اگر سطح آستانه، اندکی بالاتر رود، ممکن است این بحث از سوی برخی مطرح شود که آیا سیاست‌های اعلام شده واقعاً

---

1 . Multiple deprivation

2 . Absolute poverty

3 . Social exclusion

4 . Public housing estates

5 . Spatial exclusion

6 . Sustainable livelihoods

7 . Entitlements

8 . IIO,2001b,P.7

9 . Political legitimacy

درباره فقر است یا فقط کوششی در جهت بازتوزیع ثروت<sup>1</sup>. از سوی دیگر، نمی‌توان مسأله نسبیّت<sup>2</sup> را نادیده گرفت. افزون بر این، وقتی بخش اعظم مسأله فقر خردکننده<sup>3</sup> حل شود، می‌توان نسبت به بالا بردن سطح آستانه و هدف قرار دادن رده‌های بالاتر، اقدام نمود. در ارزیابی کمک‌های بالقوه و بالفعل تعاونی‌ها به روند کاهش فقر می‌توان از معیار ساده فقر مطلق یا معیارهای ساده‌تری مانند کاهش میزان آسیب‌پذیری یا نابرابری، افزایش محرومیت اجتماعی و یا شیوه پایدارتری در تشکیل زندگی، استفاده کرد.

---

<sup>1</sup> . Redistribute wealth

<sup>2</sup> . Relativity

<sup>3</sup> . Grinding poverty

## 2-1- منظور از «تعاونی» چیست؟

اتحادیه بین‌المللی تعاون که به عنوان سازمان مادر یا تشکیلات مرکزی<sup>1</sup>، نمایندگی تمامی تعاونی‌های جهان را بر عهده دارد، در سال 1995، تعاونی را چنین تعریف کرده است:

«تشکلی است مستقل و متشکل از افرادی که داوطلبانه (به اختیار) دور هم جمع می‌آیند تا نیازها و خواست‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را از طریق نهادی با مالکیت مشترک<sup>2</sup> و مبتنی بر نظارت مردمی<sup>3</sup> (دموکراتیک)، تأمین نمایند.»<sup>4</sup>

این تعریف ناظر بر آن است که تعاونی‌ها، مستقل از دولت و حکومت عمل می‌کنند و هیچ‌کس جز خود اعضا، مالک آن نیستند. مفهوم «تشکلی از یک عده افراد» در این تعریف نیز می‌تواند به این معنا باشد که تعاونی‌ها، سازمان‌هایی متشکل از تک‌تک اعضا و نیز شخصیت‌های حقوقی<sup>5</sup> هستند که خودشان می‌توانند دارای عضو باشند. این امر بدان معنا است که حتی آن دسته از تشکل‌های فدرال هم که اعضایشان تعاونی‌های اولیه<sup>6</sup> هستند، می‌توانند اسم تعاونی داشته باشند و کسب و کارهای کوچک هم می‌توانند به عضویت تعاونی خودشان درآیند. «دور هم جمع شدن به صورت داوطلبانه یا اختیاری» نیز به معنای آزادی عمل در عضو شدن یا لغو عضویت است. این معنا ناظر بر آن است که مزارع اشتراکی<sup>7</sup>، یا آن دسته از تشکل‌های محله‌ای<sup>8</sup> و روستایی که تمامی سکنه را پوشش می‌دهند، (اعم از این که مایل به عضویت باشند یا نباشند)، جزو تعاونی‌های واقعی به شمار نمی‌آیند. تعاونی‌ها بنا بر تعریف مورد تصویب اعضا، برای رفع نیازهای خود اعضا تشکیل می‌شوند؛ از این رو، تشکل‌هایی که با هدف رفع نیازهای دیگران ایجاد می‌شوند، نمی‌توانند تعاونی باشند. افزون بر این، تعاونی‌ها مجاز نیستند در راستای رفع نیازهایی که مورد توافق و تصویب اعضا قرار نگرفته است، گام بردارند؛ چرا که در این صورت، از حالت تعاونی خارج می‌شوند. ماهیت «نظارت مردمی یا دموکراتیک»، یعنی حق رأی براساس شمار افراد و نه تعداد سهام، تعاونی

---

1. Apex organization

2. Jointly-owned

3. Democratically-controlled

4. International co-operative Alliance, 1995

5. Legal persons

6. Primary Co-operatives

7. Collective farms

8. Neighborhood associations

را از دیگر مؤسسات و شرکت‌های سهامدار، متمایز می‌سازد. نهایتاً این که تعاونی‌ها بنگاه اقتصادی<sup>1</sup> هستند، نه بنگاه خیریه یا سازمان غیردولتی و یا شعبه دولتی.

اصولی هم که تعاونی‌ها بر پایه آن‌ها استوارند، مفاهیم مندرج در این تعریف را تقویت می‌کنند. عضویت آزاد و اختیاری، نظارت مردمی اعضا، مشارکت اقتصادی بر مبنای شمار اعضا نه تعداد سهام یا میزان سرمایه‌گذاری و نیز خودگرانی و استقلال عمل، از ویژگی‌ها و اصول تعاونی (تعاون) است. تعاونی‌ها چون متعلق به اعضا هستند، باید نسبت به آموزش و تعلیم اعضا متعهد و پای‌بند باشند و از آنجایی که دارای ارزش‌ها و مبانی یکسانی هستند، باید با یکدیگر همکاری و تعاون کنند. نهایتاً اگر چه فلسفه وجودی تعاونی‌ها، سود رسانی به اعضا است، اما در قبال جامعه بزرگتر پیرامون خود نیز مسئولیت دارند.

در ورای این اصول، ارزش‌هایی مانند خودیاری<sup>2</sup>، عدالت<sup>3</sup>، مردم‌سالاری<sup>4</sup>، برابری<sup>5</sup> میان اعضا و یکپارچگی و وحدت<sup>6</sup> نهفته است. افزون بر دو سده است که مرتباً بر رابطه بین ارزش‌ها، اصول و روش‌های حاکم بر روح تعاون، تأکید و عنوان می‌شود که ارزش‌ها منجر به اصولی می‌شوند که به نوبه خود، به شیوه‌ها و روش‌های مختلف به کار گرفته می‌شوند و تجارب حاصل از اداره کردن تعاونی‌ها در قالب بازخورد<sup>7</sup>، موجبات تقویت اصول و ارزش‌ها را فراهم می‌آورند.<sup>8</sup> برای مثال، تعاون بین تعاونی‌ها (همکاری بین تعاونی‌ها) مبین نوعی انسجام و اتحاد بین افرادی است که قرار است نیازهای خود را از طریق خودیاری جمعی<sup>9</sup> برآورده سازند، به این دلیل که اگر تک‌به‌تک و جداگانه اقدام کنند، دچار آسیب‌پذیری اقتصادی خواهند شد. با این وصف، تجربه عملی هم نشان داده است که ضعف اقتصادی، تعاونی‌های، جداگانه و منفرد را تهدید می‌کند در حالی که گروه‌ها یا مجتمع‌های

---

1. Enterprise

2. Self-help

3. Equity

4. Democracy

5. Equality

6. Solidarity

7. Feedback

8. Birchall, 1998

9. Collective self-help

تعاونی<sup>1</sup> به دلیل تجمیع و شبکه‌سازی و توسعه سازمان‌ها یا تشکلهای مرکزی مشترک<sup>2</sup> و خدمات متقابل و مشترک<sup>3</sup>، قدرتمندتر می‌شوند.

### 3-1- تعاونی‌ها و فقر

هر چه بیشتر بر این ارزش‌ها و اصول مشترک تأکید شود، مبانی استدلالی ما برای دفاع از تعاونی‌ها به عنوان ابزاری جهت کاهش فقر، به همان اندازه قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌شود. برخی معتقدند چون پذیرش اعضای جدید در تعاونی‌ها آزاد است، نیازی به سرمایه‌گذاری کلان از سوی اعضا وجود ندارد و چون گرایش تعاونی‌ها به سمت تقسیم و توزیع عادلانه و برابر منافع و سودهای اقتصادی است، خودبه‌خود به سوی فقرا گرایش پیدا می‌کنند. برخی دیگر، دیدگاه محافظه‌کارانه‌تری نسبت به تعاونی‌ها به عنوان «تشکلهای تجاری مردم محور»<sup>4</sup> دارند و معتقدند تعاونی‌ها عمدتاً به منافع اعضای خود می‌اندیشند و هیچ تعهد درونی<sup>5</sup> و ذاتی نسبت به مردم فقیر ندارند.<sup>6</sup> در این نوشتار ما دیدگاه بینابینی اتخاذ کرده‌ایم، تا ثابت کنیم تعاونی‌ها به شرط پایبندی به ارزش‌ها و اصول تعاون، می‌توانند فقر را کاهش دهند و این کار را هم با اثربخشی و کارایی بیشتری نسبت به دیگر ساختارهای اقتصادی انجام دهند. البته این توانمندی و ظرفیت ممکن است چه بر اثر نادیده گرفتن نیازهای دیگر اعضای احتمالی توسط اعضا و چه به واسطه نگاه دست‌اندرکاران فقرزدایی به تعاونی به عنوان ابزار و نه تشکیلات مستقل، همیشه محقق نشود. ارزش‌ها و اصول تعاون، منجر به ایجاد نوعی «تنش سازنده»<sup>7</sup> بین شرایط موجود<sup>8</sup> (آنچه هست) و شرایط مطلوب<sup>9</sup> (آنچه که باید باشد) در شیوه‌های عمل تعاونی می‌شوند. به بیان دیگر، تعاونی‌ها به عنوان تشکل تجاری یا کسب و کار اخلاقی<sup>10</sup> طراحی می‌شوند و به همین دلیل، مدام در پی تحکیم رابطه اعضا با یکدیگر و نیز رابطه تعاونی با محیط پیرامون خود هستند. این تنش سازنده درون تعاونی‌ها تا چه حد به سود مردم فقیر بوده است؟ و اصولاً تعاونی‌ها چه سابقه‌ای در عرصه کاهش فقر دارند؟

---

1. Clusters of co-operatives

2. Common apex organizations

3. Shared services

4. People-centred businesses

5. Built-in obligation

6. Birchall, 1995

7. Creative tension

8. What "is"

9. What "ought to be"

10. Ethical business

### 1-3-1- تعاونی‌ها چه سابقه‌ای در عرصه کاهش فقر دارند؟

در پاسخ به این پرسش، ابتدا باید نگاهی به منشأ شکل‌گیری و خاستگاه تعاونی‌ها و تحولات ناشی از این پدیده داشته باشیم. در کشورهای توسعه یافته می‌توان ردپای دو مرحله را در سیر تکامل اقتصاد بازار<sup>1</sup> مشاهده کرد. در مرحله اول که عمدتاً به نیمه نخست سده نوزدهم در بریتانیا و سپس در کشورهای دیگر بر می‌گردد، انقلابات صنعتی و کشاورزی، موجبات وابستگی بیشتر مردم به مبادله پول و اشتغال یا کار دستمزدی<sup>2</sup> (مزد بگیری) را فراهم آورد و آن‌ها را در مقابل نوسانات موجود در اقتصاد بازار، آسیب‌پذیرتر ساخت. پدیده شهرنشینی و روند صنعت‌گرایی همراه آن، آسیب‌پذیری مردم را در مقابل بیماری، ازدحام جمعیت و مسکن غیربهداشتی، افزایش داد. کارگران ماهر به واسطه عواملی چون باز شدن فضای مشاغل تخصصی آنان به روی تازه واردها، افزایش و تشدید تولید از طریق روش‌های کارخانه‌ای و تأثیرات مهارت‌زدایی<sup>3</sup> ناشی از ورود فناوری‌های نوین به بازار، شدیداً در معرض تهدید قرار گرفتند. یکی از واکنش‌های آنان در قبال کاهش دستمزدها و افزایش ناامنی شغلی، روی آوردن به همکاری و تعاون بود. نخستین نهضت (جنبش) شناخته شده تعاونی را نه مردم خیلی فقیر، بلکه کارگران ماهری به راه انداختند که به تازگی فقیر شده بودند. این جنبش<sup>4</sup>، به سال 1826 در "برایتون"<sup>5</sup> انگلیس آغاز شد و دیری نپایید که صدها مورد مشابه آن در گوشه و کنار کشور به راه افتاد. هدف این جنبش‌ها کاهش هزینه‌های زندگی از طریق خرید مواد غذایی به صورت انبوه<sup>6</sup> و فروش آن به اعضا و نیز استفاده از فروشگاه تعاونی به عنوان محل عرضه و فروش کالاها یا محصولات تولیدی اعضا بود.<sup>7</sup> یکی از عمده دلایل ناکامی این جنبش اولیه، رکود اقتصادی آن دوره بود؛ فقر محض<sup>8</sup> و مطلق اعضای تعاونی‌ها (تعاون‌گران)<sup>9</sup>، عمده‌ترین دلیل ناکامی آن‌ها به شمار می‌آمد (به قول صاحب‌نظران توسعه تعاون، مردم باید منابع و امکاناتی در اختیار داشته باشند تا بتوانند برای شروع همکاری در قالب تعاون، آن را روی هم جمع و به اصطلاح، یک کاسه کنند). دومین موج این

<sup>1</sup> . Market economy

<sup>2</sup> . Wage labour

<sup>3</sup> . Deskilling effect

<sup>4</sup> . Movement

<sup>5</sup> . Brighton

<sup>6</sup> . In bulk

<sup>7</sup> . Birchall, 1994a

<sup>8</sup> . Sheer poverty

<sup>9</sup> . Cooperators



حرکت در قالب تشکل‌های تعاونی، یا همان تشکیلات معروف 1844 موسوم به انجمن پیشگامان راچدیل<sup>1</sup> نیز توسط کارگران ماهری به راه افتاد که نه بر اثر ناآگاهی یا فقدان مهارت و سرمایه اجتماعی<sup>2</sup>، بلکه به واسطه فشار وارده از سوی نیروهای حاکم بر بازار (نیروهای بازار)<sup>3</sup>، گرفتار فقر و فلاکت شده بودند. در اینجا برای تشریح این وضعیت، به بخشی از متن خطایه خودم (نگارنده) در یکصد و پنجاهمین سالگرد تأسیس این انجمن اشاره می‌کنم:

«همگی آنان کم و بیش فقیر بودند. برخی از اعضای اولیه، خیلی زود به دلیل ناتوانی در پرداخت سه پنس در هفته، از روی ناچاری، انصراف عضویت دادند. اما غلط است اگر فقر را به معنای جهالت و ناآگاهی و یا فقدان غرور و عزت نفس فرض کنیم. بافندگان، قبل از این‌که ظهور کارخانه‌های جدید آنان را به سمت وادی فقر سوق دهد، گل سر سبد و مایه مباحثات کارگران عصر خود بودند. برخی از این پیشگامان، افرادی تحصیل کرده و مدرسه رفته و جملگی، فرهیخته و خود آموخته بودند. در آن زمان، شهر برای خودش، جهانی کوچک بود که انواع جنبش‌های بزرگ و کوچک مذهبی و سیاسی عصر، در آن به چشم می‌خورد. قریب به اتفاق پیشگامان، افراد اصلاح طلب، سوسیالیست تعاون‌گرا، پروتستان (مسیحی طرفدار کلیسای یونیتاری<sup>4</sup>) و مروج و بنیان‌گذار اصلاحات کارخانه‌ای بودند. در بین آنان چهره‌هایی با توانایی‌ها و استعدادهای خارق‌العاده وجود داشت. برای نمونه، جیمز دالی<sup>5</sup>، حقوقدان، حسابدان، ریاضیدان و موسیقی‌دانی برجسته بود. چارلز هوارث<sup>6</sup>، به طلایه‌دار کارشناسی در عرصه حقوق و قانون تعاون تبدیل گردید و یا ویلیامز کوپر<sup>7</sup> از طریق نامه نگاری با ویلیام گلدستون<sup>8</sup> (نخست وزیر وقت انگلیس) و دانشگاهیان برجسته، به عنوان مطلع‌ترین فرد بریتانیایی در مورد اصول و روش‌های تعاون شناخته می‌شود. برخی از آنان، تجار و پیشه‌وران بسیار خوبی بودند. هوارث بعدها سازنده ماده شوینده کربنات سدیم بلورین شد. بن جوردن<sup>1</sup>، مسافر خانه‌دار شد و جیمز اسمیتیز<sup>2</sup> یک کارخانه پشم‌ریسی خریداری کرد.<sup>3</sup>»

1. Rochdale Pioneers Society

2. Social capital

3. Market forces

4- طرفداران کلیسای یونیتاری (Unitarian) مسیحیانی هستند که تفلث و خدا بودن حضرت عیسی را قبول ندارند. (م)

5. James Daly

6. Charles Howarth

7. Williams Cooper

8. William Gladstone

1. Ben Jordan

2. James Smithies

3. Birchall, 1994b, p.3

شکل‌گیری بانکداری اعتبارات تعاونی و تعاون کشاورزی نیز جریان مشابهی دارد. وقتی فردریش رایفایزن<sup>1</sup> در دهه 1840، کار خود را در آلمان به عنوان نخستین اقدام، با توزیع کمک‌های غذایی آغاز کرد، کشاورزان بسیار ناامید و درمانده بودند. اما آن‌ها نیز افرادی ماهر و کار آزموده با سرمایه اجتماعی بودند که برای رونق بخشیدن به کارشان فقط لازم بود با هم کار کنند تا بتوانند با جامعه بازاری جدید ارتباط برقرار نمایند.

دومین موج انقلاب صنعتی که تقریباً در نیمه دوم سده نوزده در انگلستان آغاز شد، با انقلاباتی در حوزه‌های کشاورزی و حمل و نقل و نیز رشد اقتصاد جهانی در عرصه مواد غذایی عمده مصادف بود. این امر به معنای کاهش نسبی قیمت مواد غذایی در مقایسه با دستمزدها و پایین آمدن میزان فقر مطلق بود. رشد سریع دانش پزشکی و اطلاعات آماری، اقداماتی را در زمینه سلامت و بهداشت عمومی پایه و نیز ساماندهی تدریجی محیط‌های شهری از سوی دولت‌های محلی به دنبال داشت. رشد و توسعه اتحادیه‌های صنفی و تجاری، موجبات تضمین افزایش نسبت ارزش افزوده را برای نیروی کار فراهم آورد. رشد و توسعه امنیت اجتماعی از سوی دولت که بعضاً انجمن‌های همیاری<sup>2</sup> را به عنوان تأمین کننده بیمه تعاونی<sup>3</sup> شامل می‌شد، آسیب‌پذیری مردم را به شدت کاهش داد. در اواخر سده نوزده بود که زمینه‌سازی برای شکل‌گیری طبقات کارگری<sup>4</sup> و قشرهای پایین‌تر از متوسط<sup>5</sup> از سوی تعاونی‌ها آغاز شد. در دانمارک، کانادا و ایالات متحده، تعاونی‌ها دسترسی کل طبقه کشاورزان کوچک را به بازارهای صادرات، امکان‌پذیر ساختند. در سرتاسر اروپا، بانک‌های تعاونی روستایی<sup>6</sup> از نوع رایفایزن، امکان اعطای وام و پس‌انداز را برای کشاورزان فراهم آوردند؛ در حالی که بانک‌های محلی شهری<sup>7</sup> (موسوم به فولکس بانک)، اعتبارات مورد نیاز را در اختیار صنعت‌گران و پیشه‌وران کوچک قرار می‌دادند. تشکیل تعاونی‌های مصرف در کنار سلسله تعاونی‌های راجدیل، تقریباً در تمامی کشورهای اروپایی، با هدف ادغام شدن در فدراسیون‌های بزرگ آغاز شد که موجب افزایش اعتبار و اعطای سود سهام به مصرف کنندگان در قشرهای کارگر و پایین‌تر از متوسط جامعه گردید. از آنجایی که تعاونی‌های مصرف با جنبش‌های اتحادیه صنفی در ارتباط بودند،

---

1. Friedrich Raiffeisen  
2. Mutual friendly societies  
3. Cooperative insurance  
4. Working class  
5. Lower middle class  
6. Rural Cooperative bank  
7. Urban volksbanks

کار با کیفیت و پر دستمزد ارائه می‌دادند که باعث ارتقای استانداردها در کل صنایع توزیع و خرده‌فروشی گردید. تعاونی‌های کارگری<sup>1</sup> اگر چه هرگز به لحاظ عددی و آمار و ارقام، تعاونی‌های قدرتمندی نبوده‌اند، در اواخر سده نوزده کاملاً در اروپا و به ویژه در فرانسه و اروپا جا افتاده بودند. عمده هدف این تعاونی‌ها تأمین کار شرافتمندانه<sup>2</sup> (شایسته) برای اعضا بود. "تعاونی‌های کار"<sup>3</sup> در ایتالیا مشخصاً توانستند به اهداف خود در زمینه تأمین کار برای هزاران کارگر بی‌کار، جامعه عمل ببوشانند. هیچ دلیلی وجود نداشت که افراد مرفه‌تر نتوانند از شیوه تعاونی استفاده کنند. در آلمان، کشاورزان عمده، تلاش برای تولید آرد ذرت و عصاره سیب‌زمینی در سطحی وسیع را آغاز کردند که این اقدام امید برای تبدیل تعاونی‌ها به کارتل<sup>4</sup> را افزایش داد<sup>5</sup>. حکومت وقت ژاپن، جنبش تعاونی مصرف طبقه کارگر را سرکوب کرد؛ اما تغییر و تحولاتی که تحت هدایت طبقه متوسط در عرصه تعاونی صورت گرفت، با توفیق بیشتری همراه بود. در بریتانیا، سیاست وضع مطالبات سنگین به منظور برگشت سودهای سهام بالا به اعضا، افراد فقیر را عملاً از گردونه خارج کرد. اتحادیه صنفی تعاونی زنان، مبارزه‌ای را مبنی بر لزوم «سپردن تعاون به فقرا» آغاز کرد و در سال 1902 بود که نخستین تجربه تعاونی‌ها در زمینه ارائه کالاها با قیمت ارزانتر به جای سود سهام، در ساندرلند شکل گرفت. اما این تجربه چندان دوام نیاورد؛ زیرا مبتنی بر انگیزه‌ای نوع دوستانه بود که تا حدودی با ویژگی‌ها و خصیصه‌های خودیاری تعاونی‌های موجود، همخوانی نداشت.

خلاصه کلام این که تعاونی‌ها با هدف توانمندسازی مردم برای ارتقای جایگاه خود و عبور از خط فقر شکل گرفتند؛ اما بعدها به ابزاری در دست طبقات دارای درآمد پایین و متوسط برای جذب مزایا و منافع اقتصادی، تبدیل گردیدند. تعاونی‌ها همه طبقات و اقشار را از دست فقر نجات دادند و مانع لغزیدن مجدد آن‌ها در دام فقر شدند؛ که این پدیده در نوع خود، دستاوردی قابل توجه به شمار می‌آید. اما گاهی چنین استنباط می‌شد که سودی از این پدیده عاید مردمان فقیرتر نشده است. در پاره‌ای موارد، پیرامون اصل عضویت آزاد و اختیاری نیز چنین عنوان می‌شد که این اصل اگر چه به نفع فقرا بوده، اما این منافع، اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی بوده است. تعاونی‌ها نه به عنوان ابزاری برای کاهش فقر، بلکه به عنوان ساز و کاری طراحی شدند تا به مردم این امکان را بدهند

---

<sup>1</sup> . Worker cooperatives

<sup>2</sup> . Deceat work

<sup>3</sup> . Labour cooperatives

<sup>4</sup> . Cartel

<sup>5</sup> . Birchall, 1997, p. 17-18

که در قالب گروه و جمع، مزایا و منافع اقتصادی را به دست آورند که دستیابی به آن به صورت فردی، ناممکن است.

### 2-3-1- استفاده هدفمند و برنامه‌ریزی شده از تعاونی‌ها برای کاهش فقر

پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، تعاون‌گران در اقتصادهای بازاری، هیچ درخواستی جز این نداشتند که حکومت‌ها کاری به کارشان نداشته باشند و اجازه دهند کار خودشان را انجام دهند. آن‌ها در پی قانونی بودند که زمینه را برای بهره‌مندی آنان از نفوذ سیاسی فراهم آورد؛ اما واقعیت امر این بود که اصلاً "بزاری" در سیاست عمومی به حساب نمی‌آمدند. در نظام اتحاد جماهیر شوروی، تعاونی‌ها یا در اختیار دولت بودند یا در حد یک ارگان صرفاً حکومتی عمل می‌کردند. در حکومت‌های دیکتاتوری فاشیستی نیز وضع بهتر از این نبود؛ دولت‌ها آن‌ها را تصاحب می‌کردند؛ دارایی‌هایشان ضبط می‌شد و رهبران‌شان، اعدام، زندانی یا تبعید می‌شدند. پس از جنگ، تعاونی‌های مصرف در آلمان و ژاپن، شروع خوبی از سوی نیروهای اشغالگر داشتند و چون وجود یک نظام توزیع برای کل جمعیت، بسیار ضروری به نظر می‌رسید، تعدادشان به سرعت رو به فزونی نهاد. بار دیگر توان تعاونی‌ها در رها ساختن سریع کلیه آحاد مردم از دست فقر، به منصفه ظهور رسید. در بسیاری کشورها، از جمله ایالات متحده، ژاپن، جمهوری کره، هند، فرانسه و... تعاونی‌های کشاورزی، فارغ از هر گونه ایدئولوژی، روابط نزدیکی با دولت‌ها برقرار کردند. کشاورزی به عنوان بخشی بسیار مهم از اقتصاد ملی هر کشور، به قدری اهمیت داشت که نمی‌شد آن را صرفاً به دست نیروهای بازار سپرد و برای صاحبان سرمایه که به طور طبیعی خواستار بهره‌برداری از امتیازهای انحصاری در زنجیره تولید هستند، تعاونی‌ها گزینه بسیار مناسبی به شمار می‌آمدند.

سابقه تعاونی‌های کشورهای توسعه یافته در دوران پس از جنگ، به قدری پیچیده و متنوع است که خلاصه کردن آن، کاری بس دشوار خواهد بود؛ به طوری که در این مبحث قصد داریم فقط به زمینه‌های رشد و گسترش تعاونی‌ها بپردازیم. در این خصوص به نظام تعاون موندراگون<sup>6</sup> در منطقه باسک اسپانیا اشاره می‌شود که توانسته است علاوه بر تولید 60 هزار شغل در یک منطقه عمدتاً کارگر نشین، تعداد زیادی تعاونی مصرف نیز

<sup>6</sup> . Mondragon Cooperative System

تأسیس کند که مالکیت آن‌ها با خود کشاورزان است. نظام نسبتاً جدید تعاونی‌های کشاورزی "نسل جدید"<sup>1</sup> در ایالات متحده، نمونه دیگری است که توانسته است برای کشاورزان فقیر ساکن در بخش غرب میانه<sup>2</sup>، با بالا بردن ارزش افزوده محصولات آنان از طریق تبدیل و فراوری در قالب مواد غذایی، تولید ثروت کند. نهضت اتحادیه اعتبارات<sup>3</sup> در بسیاری کشورها، از ایالات متحده و ایرلند گرفته تا کشورهای حوزه کارائیب، روز به روز بین طبقات کم‌درآمد، محبوبیت و قدرت بیشتری پیدا می‌کند. یک بخش تعاونی مصرف بسیار پویا و بالنده در ژاپن وجود دارد که توانسته است با کمک نظام منحصر به فرد "هان"<sup>4</sup> در قالب خرید مشترک<sup>5</sup> و جمعی، یک پایگاه عضویت به معنای واقعی برای خود ایجاد کند. با همه این اوصاف، رسالت و مأموریت نمونه‌های مذکور، صرفاً معطوف به فقر اینست.

موارد عدیده‌ای از تعاونی‌های کوچک<sup>6</sup> در کشورهای توسعه یافته وجود دارد که مرکز فعالیت آن‌ها مناطقی است که مردم از محرومیت اجتماعی رنج برند؛ از جمله این موارد می‌توان تعاونی‌های مواد غذایی<sup>7</sup>، تعاونی‌های اجاره‌داری<sup>8</sup>، اتحادیه‌های اعتباری، بانک‌های زمانی<sup>9</sup>، مراکز بهداشت تعاونی<sup>10</sup>، تشکل‌های تجاری محلی و امثالهم را نام برد. در مقابل، نمونه‌های متعددی از تعاونی‌های بزرگ<sup>11</sup> وجود دارد که یا در حال فروپاشی و انحلال هستند، یا در بحران مالی<sup>12</sup> به سر می‌برند و یا در حال تعاون‌زدایی<sup>13</sup> و تبدیل وضعیت به تشکل‌های تجاری سرمایه‌گذار - مالک<sup>14</sup> هستند. پیچیدگی و در هم تنیدگی این تصویر، تعمیم و تسری سابقه تعاونی‌ها به فقرزدایی را دشوار می‌سازد.

تعاونی‌ها در کشورهای در حال توسعه پس از دوران جنگ، شروع خوبی داشتند. تعاونی در این کشورها، تشکلی شناخته شده و ریشه‌دار به شمار می‌آید؛ چرا که در آغاز سده بیستم، حکومت‌های استعماری با اقدام به

<sup>1</sup> . New generation

<sup>3</sup> - غرب میانه (Mid-west) بخشی از ایالات متحده واقع در میان کوه‌های راکی و مرز شرقی اوهایو و شمال ایالت اوکلاهما. (م)

<sup>3</sup> . Credit Union Movement

<sup>4</sup> . Han System

<sup>5</sup> . Joint buying

<sup>6</sup> . Small-scale Cooperatives

<sup>7</sup> . Food cooperatives

<sup>8</sup> . Tenant management cooperatives

<sup>9</sup> . Time banks

<sup>10</sup> . Cooperative health centres

<sup>11</sup> . Large cooperatives

<sup>12</sup> . Financial crises

<sup>13</sup> . Demutualization

<sup>14</sup> . Investor-owned businesses

تأسیس اداره ثبت تعاونی<sup>1</sup>، نمونه‌های اروپایی متعددی، از جمله بانک‌های اعتباری آلمان، تعاونی‌های کشاورزی دانمارک و تعاونی‌های مصرف بریتانیا را وارد کرده بودند. تعاونی‌ها در دوران استعمار، تشکلی بین اقتصادهای سنتی مبتنی بر معیشت<sup>2</sup> جوامع قبل از استعمار و اقتصادهای نوین بازاری غرب به شمار می‌آمدند. تعاونی‌ها برای استعمارگران یک مزیت هم داشتند و آن هم این که چون جنبه اقتصادی داشتند و فاقد جنبه سیاسی بودند، هیچ تهدیدی برای استعمارگران محسوب نمی‌شدند. در کشورهای جدیدالتأسیس پس از دوران استعمار، تعاونی‌ها بار دیگر تشکلی‌هایی قلمداد شدند که می‌توانستند به عنوان جایگزین سرمایه‌داری، بر پایه تشکلی‌های سنتی پیشین بنا شوند و حتی در پاره‌ای موارد، مرحله‌ای برای ورود به جاده سوسیالیزم باشند. تعاونی‌ها جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی اقتصادی دولت‌های ملی<sup>3</sup> (ملت - دولت‌های) پس از استعمار داشتند و حدود 25 سال، یعنی تا زمان اجرای برنامه‌های اصلاح ساختاری<sup>4</sup> در اواسط دهه 1980، کمک‌های توسعه‌ای هنگفتی را به عنوان هدف دریافت دریافت کردند. به قول لیدلاو «سال‌های دهه 1950، دوره تمجیدات اغراق‌آمیز و انتظارات بیش از حد از تعاونی‌ها بود»<sup>5</sup>.

برخی تعاونی‌ها موفقیت‌های چشمگیری را تجربه کردند. هر جا که امکان ایجاد بازار صادرات یا بازار بزرگ محلی در مناطق شهری برای کشاورزان وجود داشت، تعاونی‌های کشاورزی قدرت می‌گرفتند؛ که برای نمونه می‌توان به تعاونی‌های قهوه در آفریقا، تعاونی‌های دامداری و لبنیات در هندوستان و تعاونی‌های گوشت در آرژانتین و برزیل اشاره کرد. در پاره‌ای موارد، مثلاً در تعاونی‌های دامداری و لبنیات هندوستان، این تحولات به سود هر دو دسته کشاورزان کوچک و بزرگ تمام شد. اما در کل، تعاونی‌ها به نفع کسانی بودند که توانستند از رهگذر توسعه تعاون، برای خود شغلی دست و پا کنند و کشاورزان ثروتمندتر هم که در جایگاه مناسب‌تری برای بهره‌برداری از خدمات تعاونی قرار داشتند، بیشترین سود را در این میان نصیب خود کردند.<sup>6</sup>

---

1. Cooperative Register Department

2. Subsistence-based

3. Nation-states

4. Structural adjustment

5. Laidlaw, 1978p.64

6. Verhagen, 1984

هولمن<sup>1</sup> در مطالعاتش پیرامون تعاونی‌ها در آفریقا عنوان می‌کند دیدگاهی که نسبت به سیاست‌گذاری برای تعاون وجود داشت، دارای تضاد درونی بود. این دیدگاه، مبتنی بر توسعه از پایین<sup>2</sup>، به شیوه یادگیری عملی (یادگیری از طریق عمل<sup>3</sup>)، همیاری<sup>4</sup> و ترویج خوداتکایی<sup>5</sup> بود؛ اما می‌بایستی برنامه‌ریزی شده<sup>6</sup> باشد و توسط بخش‌های دولتی اجرا شود.<sup>7</sup> لیدلاو در یک بررسی تحت عنوان «تعاونی‌ها و فقرا»<sup>8</sup> عنوان می‌کند که صاحب‌نظران صاحب‌نظران تعاون، نسبت به خطر رشد و گسترش بی‌رویه و فزاینده کاغذبازی و تشریفات اداری<sup>9</sup> (دیوان سالاری) در آن زمان هشدار داده بودند. آموزش و تعلیمات تعاونی<sup>10</sup> به دست فراموشی سپرده شده بود. تعاونی‌ها به ابزاری برای دستیابی به خدمات دولتی، اعتبارات مالی<sup>11</sup> و جلب مزایا و حمایت‌های سیاسی<sup>12</sup> تبدیل گردیده بودند که موجب می‌شد از هدف اصلی و کلی خود دور شوند. ورهاگان عنوان می‌کند آن همه تلاش عظیم و بی‌سابقه برای نهادینه‌سازی تعاون، صرفاً به سود کسانی تمام شد که به هیچ وجه زیر بار نظارت نمی‌رفتند.<sup>13</sup> در سال 1966، سازمان جهانی کار، توصیه شماره 127 خود را تحت عنوان «توصیه در مورد تعاونی‌های کشورهای در حال توسعه»<sup>14</sup> صادر کرد که در آن از دولت‌ها خواسته شده بود تعاونی‌ها را بدون تلاش در جهت تأثیرگذاری بر اصل استقلال عمل آن‌ها یاری دهند. اما به قول لیدلاو، جنبش تعاونی در آن زما «سه ارباب»<sup>15</sup> داشت: خدمات کشوری<sup>16</sup> (دولتی)، وزارتخانه‌های دولتی و سیاستمداران محلی<sup>17</sup>. این روند بر خلاف نظام کهنه استعماری بود که تعاونی‌ها زیر نظر فقط یک ارباب، یعنی رئیس دفتر یا اداره ثبت تعاونی‌ها<sup>18</sup>، کار می‌کردند. در این نظام، ابتدا

---

1 . Development from below

2 . Planned

3 . Learning by doing

4 . Mutual aid

5 . Self-reliance

6 . Planned

7 . Holmen, 1990

8 . Cooperatives and the Poor

9 . Bureaucracy

10 . Cooperative education

11 . Financial credits

12 . Political Favours

13 . Verhagan, 1984, p.3

14 . Cooperatives (Developing countries) Recommendation

15 . Three masters

16 . Civil service

17 . Local politicians

18 . Registrar of Cooperatives

استقلال عمل سلب می‌شود و سپس در سطح گسترده‌ای برای اعمال نظارت بر تعاونی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### 3-3-1- نقد تعاونی‌ها در دهه 1970

در اواسط دهه 1970، آگاهی و شناخت نسبت به «عدم رسیدگی و توجه به فقرا» روز به روز بیشتر می‌شد.<sup>1</sup> در سال 1975 در گزارش مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل<sup>2</sup> اعلام شد. «تعاونی‌های روستایی<sup>3</sup>، به ندرت توانسته‌اند به اهدافی که برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی برایشان وضع کرده‌اند، دست یابند و در واقع، برای انبوه ساکنان فقیر این مناطق یا هیچ سودی نداشته‌اند و یا اگر هم داشته‌اند، بسیار اندک بوده است»<sup>4</sup>. مبنای کار این گزارش، یافته‌های حاصل از بررسی اهداف اعلام شده چهل تعاونی در ده کشور در حال توسعه بوده است. در این گزارش آمده است که یکی از این اهداف، «برابری» است که منظور از آن، رفع تفاوت‌های طبقاتی<sup>5</sup> و ترویج جامعه‌ای مساوات طلب<sup>6</sup> است. اما همان‌گونه که لیدلاو در نقد خود از این گزارش عنوان می‌کند، برابری اصلاً جزو اصول تعاون نیست. وی بررسی‌های مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل را به دلیل کوتاهی در شناخت ماهیت تعاونی‌ها به باد انتقاد گرفته و می‌گوید این پژوهشگران اطلاع نداشتند که مالکیت تعاونی‌ها به خود اعضا تعلق دارد؛ ولی محیطی را که در آن کار می‌کنند، خودشان خلق نمی‌کنند... آنان، اصل آموزش و تعلیم اعضا را نادیده گرفته‌اند، هیچ نظریه‌ای در مورد رابطه با دولت یا حکومت، ارائه نداده‌اند و جایگزینی هم برای تعاونی‌ها که ممکن است بتواند کار را بهتر انجام دهد، معرفی نکرده‌اند. در گزارش همان سال، بخش سیاست‌گذاری بانک جهانی در مورد توسعه روستایی عنوان شد که تعاونی‌ها تجربه چندان ناخوشایندی هم در این زمینه نداشته‌اند و در واقع، همین تعاونی‌ها بودند که توانستند دو عامل مشارکت و انگیزه را در برنامه‌های توسعه روستایی وارد کنند؛ کاری که انجام آن به طرق دیگر، بسیار دشوار بود.<sup>7</sup> در سال 1976، سازمان ملل بار

---

<sup>1</sup> . Verhagan, 1984, p.4

<sup>2</sup> . United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD)

<sup>3</sup> . Rural cooperatives

<sup>4</sup> . UNRISD, 1975, p.10

<sup>5</sup> . Class distinctions

<sup>6</sup> . Egalitarian society

<sup>7</sup> . Laidlaw, 1978, p.72



دیگر اعلام کرد که از تعاونی‌ها انتظار می‌رود منافع و سودهای اقتصادی و اجتماعی<sup>1</sup> برای گروه‌های کم درآمد<sup>2</sup> تولید کنند. در همان سال، هانس مونکنر<sup>3</sup>، گزارش جالبی در قالب این پرسش تهیه کرد: «تعاونی‌ها در خدمت اغنیا اغنیا یا فقرا». وی در این گزارش، دهقانان را در قالب سه طبقه غنی<sup>4</sup>، نسبتاً غنی و فقیر، از هم متمایز می‌سازد و گوید این دهقانان نسبتاً غنی<sup>5</sup> بودند که جذب تعاونی‌ها شدند. بین طبقه غنی و طبقه واقعاً فقیر، یک قشر متوسط<sup>6</sup> وجود داشت که تعاونی‌ها با دادن فرصت اقتصادی به مردم، در عمل این قشر را تقویت کردند. وی معتقد است که برای کمک به فقرا در جهت گذراندن زندگی در سطح معیشتی، لازم است ابزار دیگری به کار گرفته شود. اما اگر قرار باشد قشر متوسط از طریق تعاون ساماندهی شوند، این ابزار باید منابع را آزاد کند و به دولت‌ها امکان دهند تلاش‌های خود را روی برنامه‌هایی متمرکز کنند که آشکارا در خدمت طبقه فقیر باشند<sup>7</sup>. متعاقب این گزارش، سازمان ملل، کمیته بین‌آژانسی برای ترویج و پیشبرد تعاونی‌ها<sup>8</sup> (COPAC) را با هدف ارزشیابی تأثیر پروژه‌های برنامه توسعه سازمان ملل بر شرایط زندگی فقرا، راه‌اندازی کرد. سمپوزیومی که به منظور بررسی نتایج کار این کمیته برگزار گردید، با تأیید یافته‌های مونکنر پیشنهاد کرد که تعاونی‌های ویژه‌ای برای فقرا تشکیل شود.

#### 4-3-1- نشست مشورتی کارشناسان اتحادیه بین‌المللی تعاون در مورد تعاونی‌ها و فقرا

یکی از نتایج مهم این مباحث، برگزاری نشست مشورتی کارشناسان از سوی اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال 1977 بود. در این نشست، چند پرسش کلیدی مطرح شد تا کارشناسان به آن‌ها پاسخ دهند. دو مورد این پرسش‌ها آن بود که آیا تعاونی‌ها در رسیدگی به مردمان کشورهای در حال توسعه ناکام بوده‌اند و آیا تعاونی‌ها هنوز هم می‌توانند به عنوان عاملی تعیین‌کننده در غلبه بر فقر، مطرح باشند. یکی از یافته‌های این نشست آن بود که ساختارهای سیاسی حاکم بر برخی کشورها غالباً مانع تحقق ظرفیت‌ها و توانمندی تعاونی‌ها می‌شوند؛ زیرا

1. Social and economic benefits

2. Low-income groups

3. Hans Munkner

4. Rich

5. Relatively rich

6. Middle layer

7. Munkner, 1976

8. Inter-Agency Committee for Promotion and Advancement of Cooperatives (COPAC)

اصول تعاون، از جمله اصل عضویت آزاد و اختیاری، در این کشورها رعایت نمی‌شود. تعاونی‌ها در عمل، تجسمی بسیار ناقص و بعضاً تقلیدگونه از آرمان‌های تعاون بودند و مشخصاً در جذب مردم به عنوان اعضای فعال، توفیقی نداشتند و اگر هم گاهی به چنین مهمی نایل می‌آمدند، در اعطای منافع و حق و حقوق کامل ناشی از عضویت به اعضا، ناکام می‌ماندند.<sup>1</sup> با این حال، کارشناسان بر این امر اتفاق نظر داشتند که تعاونی‌ها می‌توانستند "به لحاظ نظری در درازمدت" مشکلات مبتلابه توسعه را حل کنند. تعاونی‌ها ابزاری بسیار ارزشمند برای ثروت آفرینی<sup>2</sup> (تولید ثروت) بودند، اما توانایی و امکان بازتوزیع ثروت<sup>3</sup> را نداشتند و این، یک وجه تمایز اساسی اساسی است. نتیجه‌گیری کارشناسان آن بود که الگوی مالکیت و قدرت<sup>4</sup>، «به ندرت از طریق فعالیت‌های تعاونی دستخوش تغییر و تحول بنیادین می‌شود»<sup>5</sup>. این الگو در پاره‌ای موارد، حتی تقویت هم می‌شد. عواملی مانند فرهنگ، سیاست، نظام مالکیت ارضی<sup>6</sup>، سطح تحصیلات و ضوابط و موازین اخلاقی<sup>7</sup> حاکم بر هر کشور، نتایج حاصل از فعالیت‌های تشکل تعاونی را تحت تأثیر قرار می‌دادند و تعاونی‌ها به سختی قادر به تولید منابع مورد نیاز برای کاهش فقر بودند. آنان به این نتیجه رسیدند که هیچ جایگزینی برای سیاست‌های روشن بینانه دولت در حوزه اصلاحات ارضی، تخصیص اعتبار<sup>8</sup>، آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی وجود ندارد. تعاونی‌ها فقط می‌توانستند می‌توانستند در محیط مساعد و مناسب، توفیق حاصل کنند.

یکی از مشکلات درونی تعاونی‌ها آن بود که اعضا اغلب موفق به کسب درآمد بیشتر برای خودشان می‌شدند، اما لازم بود به بهبود حال فقرا هم توجه کنند و با اعضای فقیرتر، و به لحاظ دسترسی به خدمات و کاهش هزینه‌ها، همدلی و همسویی نشان دهند. کارشناسان نسبت به این امر که آیا لازم است تعاونی‌های ویژه‌ای برای فقرا راه‌اندازی و تشکیل شود، ابراز مخالفت کردند و معتقد بودند چنین اقدامی ممکن است افراد فقیر را منزوی و یا حتی آنان را با انگ فقر و نداری، از دیگران متمایز سازد. اما لازم بود برای مسأله بالا بودن هزینه

---

1 . ICA, 1977,p.3

2 . Wealth-generating

3 . Redistribute wealth

4 . Pattern of ownership and power

5 . ICA,1977,p.7

6 . Land tenure system

7 . Ethical standards

8 . Credit allocation

خدمات‌رسانی به آن‌ها، راه‌حلی پیدا شود. راه‌کار پیش‌رو، استفاده از تعاونی دارای عضویت مختلط<sup>1</sup> بود؛ اما این تعاونی باید تعلیمات و آموزش‌های لازم را در راستای رفع نیازهای فقرا در اختیار اعضا قرار می‌دادند. آکس لیدلاو طی گزارشی زمینه‌ای به نشست مشورتی، اندیشه ایجاد تعاونی‌های ویژه فقرا را محکوم به شکست دانست. پیشنهاد وی آن بود که لازم است در کنار توجه به عامل فقر، نوعی نیروی اجتماعی<sup>2</sup> نیز به کار گرفته شود که ضامن تداوم فعالیت تعاونی‌ها باشد. وی در عین حال، نسبت به استفاده ابزاری حکومت‌ها از تعاونی‌ها به عنوان گذرگاهی برای عبور وجوه رفاهی<sup>3</sup>، هشدار داد. نظام تعاونی، فاقد ساز و کاری درون ساختی<sup>4</sup> است که قادر باشد باشد آن را به طور خودکار، به سمت فقرا هدایت کند، اما لازم است اعضای فعال و بنگاه‌های بیرونی ذی‌ربط، آن‌ها را وادار سازند در راستای تحقق این هدف گام بردارند. وی همچنین هشدار داد که همیاری‌های نوع سنتی<sup>5</sup> و غیررسمی، نه تنها مشابه تعاونی‌های رسمی نیستند، بلکه حتی نوع تکامل یافته آن‌ها هم به شمار نمی‌آیند. او ضمن اذعان به این امر که گرایش سیاستمداران و عمده ملاکان به سوء استفاده از تعاونی‌ها، این نهاد را به شدت تضعیف می‌کند، توانمندی و ظرفیت بالای برخی تعاونی‌ها مانند تعاونی‌های روستایی چند منظوره ژاپن و تعاونی‌های دامداری و لبنیات هندوستان را مورد تأکید قرار می‌دهد. تقریباً در تمامی کشورها نمونه‌هایی از تعاونی‌های موفق به چشم می‌خورد؛ اما پژوهش‌ها تا کنون بیشتر معطوف به موارد ناموفق بوده است.

وی اشکالات و نواقص عدیده مهمی را مطرح می‌کند. نخست این‌که در تعاونی‌ها تغییر و اصلاح ساختاری مهمی صورت نگرفته است. شیوه عمل آن‌ها به گونه‌ای بوده که به جای پس‌زدن ساختار اجتماعی موجود به عنوان مانع، آن را تقویت هم کرده‌اند. یکی از وظایف واقع‌گرایانه‌تر دولت به جای توجه به توسعه تعاونی، ایجاد و تأمین زیرساخت‌هایی مثل آبیاری، مدرسه و جاده است تا از این رهگذر، پیش‌شرط‌های<sup>6</sup> لازم برای توسعه تعاونی‌ها تحقق یابد.

---

1. Mixed membership

2. Social Force

3. Welfare fund

4. In-built mechanism

5. Traditional mutual aids

6. Preconditions

دوم، تعاونی‌ها نفعی به حال فقرا نداشته‌اند. تعاونی‌ها به اعضای نیاز داشتند که قادر باشند منابع و امکانات خود را برای نیل به یک هدف مشترک<sup>1</sup>، روی هم بگذارند. آن‌ها در کنار نیاز به دسترسی به بازار، به عده‌ای زارع و دهقان احتیاج داشتند که دارای مازاد تولید<sup>2</sup> باشند و تنها پس از رفع وابستگی‌های سنتی بود که می‌توانستند بر پایه اصل برابری، کار کنند. سوم، تعاونی‌ها مدیریت ضعیفی داشتند. دستگاه‌های مسؤول برنامه‌ریزی ملی، تعاونی‌ها را با شتاب و بدون استفاده از مدیران ماهر، تأسیس کردند. چهارم، تعاونی‌ها هرگز به معنای واقعی کلمه، استقلال عمل نداشته‌اند و نه قبل و نه بعد از استقلال، به عنوان تشکلهای خودیار خودجوش<sup>3</sup>، از پایین شکل نگرفته‌اند. دهقانان اغلب یا به زور و یا بر اثر نیاز به پول و اعتبار، عضو می‌شدند. تعاونی‌ها امتیاز انحصار تجارت را در دست داشتند؛ به طوری که قیمت‌ها را از بالا تعیین می‌کردند و غالباً به ابزاری برای وضع و اخذ مالیات تبدیل می‌شدند. پنجم، جنسیت‌گرا<sup>4</sup> بودند؛ زیرا بیشتر، مردان را به عنوان عضو می‌پذیرفتند؛ در حالی که اکثر کارهای کشاورزی را زنان انجام می‌دادند. مردم محلی آنان را به دیده مصرف‌کننده صرف منابع خارجی<sup>5</sup> می‌نگریستند. اما سوء شهرت آن‌ها ارتباط چندانی با توانمندی و ظرفیت‌های تشکل تعاونی نداشت. آن‌ها دستور داشتند کاری را انجام دهند که برای آن طراحی نشده بودند و از هر کاری که خوب انجام می‌دادند، دست بکشند. تعاونی‌ها تشکلهای اقتصادی بودند؛ اما به آن‌ها اهدافی سیاسی و اجتماعی تفویض شده بود که قادر به تحقق آن‌ها نبودند نهایتاً این‌که باید در پاسخ به نیازهای محسوس، از پایین شکل می‌گرفتند. از این‌رو، بسیاری از انتقادهایی که بر تشکل تعاونی وارد می‌آمد، غیرمنصفانه و نادرست بود.

### 5-3-1- ظهور الگویی جدید

در خلال سال‌های دهه 1980، بسیاری از زیرساخت‌هایی که برای پایدارسازی بخش تعاون در کشورهای در حال توسعه ایجاد شده بود، بر اثر تأثیرات ناشی از کمبودهای بودجه داخلی<sup>6</sup> و فشار بدهی‌های

---

1. Common goal

2. Surplus producing

3. Spontaneous self-help organizations

4. Sexist

5. External resources

6. Internal budget deficits

بدهی‌های خارجی<sup>1</sup> که منجر به اتخاذ سیاست اصلاح ساختاری<sup>2</sup> و در نتیجه، اجبار بسیاری از دولت‌ها به خصوصی‌سازی و حذف مقررات اقتصاد گردید، از هم فرو پاشید و بدین ترتیب، دولت‌ها سیاست حمایت از تعاونی‌ها را متوقف کردند. بسیاری از تعاونی‌ها از بین رفتند و بسیاری دیگر فقط توانستند بقای خود را حفظ کنند، اما تعدادی هم به یمن رهبری قوی و اعمال مدیریت شایسته توانستند، دوران شکوفایی و رونق خود را به عنوان تشکل‌های تجاری خودمختار و مستقل، آغاز کنند. اخیراً با کمک برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌المللی تعاون و سازمان جهانی کار، دولت‌ها قوانین جدیدی برای تعاون وضع کرده‌اند که در آن‌ها جایگاه تعاونی‌ها را به عنوان تشکل‌های مستقل، خودگردان و متعلق به اعضا (عضو - مالک)، مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است. تعاونی‌ها این ظرفیت را دارند که بسیاری از وظایف تعیین شده از سوی دولت‌ها، مانند ادغام تولید کنندگان اولیه<sup>3</sup> با هم، کاهش میزان بی‌کاری، عرضه کالاهای مصرفی در مناطق روستایی (به طریقی که خود صلاح می‌دانند) و نیز اولویت بخشی به نیازهای اعضای خود را انجام دهند. تعاونی‌ها گاهی به کمک‌های مالی از سوی دولت و بنگاه‌های کمک‌دهنده بین‌المللی<sup>4</sup> احتیاج پیدا می‌کنند؛ اما اکنون پذیرفته‌اند که این کمک‌ها فقط جنبه موقت دارد و باید موکداً صرف توسعه منابع انسانی و بسترسازی برای توسعه تعاون (شفاف‌سازی قوانین، مالیات‌بندی منصفانه<sup>5</sup>، وضع قوانین حمایتی<sup>6</sup> و امثال آن) شود و جنبه یارانه مستقیم<sup>7</sup> به تشکل را نداشته باشد.

سازمان ملل، کماکان تعاونی‌ها را ابزاری مهم در ایجاد اشتغال، فقرزدایی، تحقق وحدت اجتماعی و بسیج عملی منابع می‌داند. اما نحوه عمل آن‌ها برای تحقق این اهداف، عوض شده است. اکنون پارادایم یا الگوی جدیدی برای توسعه شکل گرفته است که مبتنی بر رویکرد پایین به بالا<sup>8</sup> است از این‌رو، به روش‌های تعاونی‌های واقعی و

---

1 . External debt

2 . Structural adjustment policy

3 . Primary producers

4 . International aid agencies

5 . Fair taxation

6 . Supportive legislation

7 . Direct subsidy

8 . Bottom-up approach

و اصیل، نزدیکتر است.<sup>1</sup> شاید بهترین راه برای درک و شناخت این طرز تفکر جدید (نواندیشی)، تأمل در تعریفی خلاف معمول باشد که مونکنر از تعاونی ارائه داده است:

«اگر بگوییم تعاونی‌ها عضو دارند، از واقعیت دور شده‌ایم و شاید صحیح‌تر آن باشد که بگوییم اعضا، تعاونی دارند. تعاونی‌ها به مردم فقیر کمک نمی‌کنند، بلکه این خود آنان هستند که از طریق کار کردن با هم، از طریق روی هم گذاشتن منابع و امکانات خویش، از طریق تن دادن به نظم و انضباط گروهی<sup>2</sup> و از طریق پذیرش تلفیق نفع شخصی<sup>3</sup> و همبستگی گروهی<sup>4</sup>، قادر می‌شوند برخی مسائل و مشکلات مبتلابه خود را از رهگذر خودیاری سازمان یافته<sup>5</sup> همیاری، بهتر از زمانی که به تنهایی وارد عمل می‌شوند، حل کنند.»<sup>6</sup>

تعریف فوق، مبنای گزارش کارشناسی<sup>7</sup> حاضر است؛ که با هدف بررسی رابطه بین تعاونی‌ها و کاهش فقر فقر از طریق شناخت ظرفیت تشکل تعاونی در توانمندسازی مردم فقیر برای رهایی خودشان از چنگال فقر، تهیه شده است.

---

<sup>6</sup> - سابقه این رویکرد به سال 1979 باز می‌گردد. در این سال برگزاری کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی در رم، منجر به تصویب اعلامیه اصول توسعه مشارکتی گردید.

<sup>2</sup> . Group discipline  
<sup>3</sup> . Self-interest  
<sup>4</sup> . Group solidarity  
<sup>5</sup> . Organized Self-help  
<sup>6</sup> . Munkner, 2001, p.4  
<sup>7</sup> . Working paper

## فصل دوم

### سیاست گذاری برای کاهش فقر از طریق تعاونی‌ها

تحقق اهداف توسعه هزاره مستلزم آن است که ظرف حدود یک دهه آینده، پیشرفت‌های چشمگیری را در زمینه حل معضلاتی مانند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، تخریب محیط زیست و تبعیض علیه زنان، شاهد باشیم. اهداف توسعه هزاره، در واقع چارچوب و معیاری است که کل ارکان نظام سازمان ملل را برای کار کردن با هم در جهت این هدف مشترک<sup>1</sup>، هدایت می‌کند.<sup>2</sup> مسؤولیت اجرای این نهضت و نیز نظارت بر روند پیشرفت کار هر کشور در راستای تحقق این مجموعه اهداف، بر عهده «گروه توسعه سازمان ملل متحد»<sup>3</sup>، است. بنگاه‌های وابسته به سازمان ملل، کمیته کمک به توسعه<sup>4</sup> وابسته به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>5</sup>، سازمان تجارت جهانی<sup>6</sup>، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول<sup>7</sup>، همگی به تک‌تک کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند تا گزارشی درباره وضعیت کنونی خود در رابطه با این اهداف، شیوه موردنظر برای تحقق آن‌ها و نیز میزان پیشرفت‌های حاصله در این راستا تهیه نمایند. تا کنون 16 گزارش در این زمینه تهیه و منتشر شده است و تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه و در حال گذار<sup>8</sup> قصد دارند اولین گزارش خود را تا پایان سال 2004 تهیه و منتشر کنند. دبیرکل سازمان ملل نیز نخستین گزارش جهانی درباره روند اجرای مفاد بیانیه هزاره را به مجمع عمومی سازمان که در اکتبر 2002 برگزار گردید، ارائه داد.

بنا به گزارش سازمان ملل، تا کنون 43 کشور با افزون بر 60 درصد جمعیت جهان، این اهداف را محقق ساخته، یا در شرف تحقق آن هستند. با این حال، ارزیابی، اخیر بانک جهانی حکایت از آن دارد که شکاف بین کشورهای غنی و فقر رو به افزایش نهاده است و تا زمانی که روندهای جاری، معکوس نشود، اهداف توسعه هزاره

---

1. Common end

2. United Nations, 2002a

3. United Nations Development Group (UNDG)

4. Development Assistance Committee

5. Organization For Economic Cooperation and Development (OECD)

6. WTO

7. IMF

8. Transition Countries

محقق نخواهد گردید.<sup>1</sup> به لحاظ منطقه‌ای، آسیای شرقی و اقیانوسیه، پیشرفت قابل توجهی در این زمینه داشته‌اند که علت آن هم عمدتاً نرخ‌های بالای رشد در چین بوده است. شدت فقر در جنوب آسیا تا حدودی افت داشته است. در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب نیز از این بابت افت داشته‌اند، اما بحران اقتصادی آرژانتین ممکن است این روند را معکوس کند. فقر در منطقه اروپا - آسیای میانه، رشد چشمگیری داشته که علت عمده آن هم بی‌نظمی اقتصادی<sup>2</sup> ناشی از فروپاشی رژیم‌های کمونیستی سابق بوده است؛ هر چند که آمار و ارقام این منطقه در مقایسه با سایر مناطق، نسبتاً پایین‌تر است. منطقه حاشیه صحرای افریقا<sup>3</sup> (جنوب صحرای افریقا)، علی‌رغم کاهش اندک در شدت فقر، "کماکان بزرگترین کانون نگرانی است" چرا که تعداد فقرا کماکان روبه افزایش است.<sup>4</sup>

## 1-2- نقش تعاونی‌ها در تحقق اهداف توسعه هزاره چیست؟

سازمان ملل همواره بر نقش و کمک تعاونی‌ها در فرایند کاهش فقر، صحنه گذاشته است. این سازمان، هیچ تشکیلات انحصاری و مستقلی برای کمک به تعاونی‌ها ندارد؛ اما مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی<sup>5</sup>، بخش هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و توسعه پایدار و آژانس‌های تخصصی مانند سازمان جهانی کار و سازمان خواربار و کشاورزی، سالیان متمادی است که با تعاونی‌ها همکاری داشته‌اند. شعبه تعاون سازمان جهانی کار<sup>6</sup> که در سال 1920 تأسیس گردید، در این میان نقش برجسته‌تری داشته است. بخش هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و توسعه پایدار، هر دو سال یک‌بار با همکاری کمیته ترویج و پیشبرد تعاونی‌ها، گزارشی برای دبیرکل درباره تعاونی‌ها تهیه می‌کند تا در اختیار مجمع عمومی قرار گیرد.<sup>7</sup> دبیرکل سازمان ملل در گزارش سال 1994 خود چنین عنوان می‌کند:

«تشکل‌های تعاونی، ابزاری عرضه می‌کنند که به بخش عظیمی از جامعه بشری امکان می‌دهد وظایف ایجاد اشتغال مولد، غلبه بر فقر و تحقق وحدت و همبستگی اجتماعی را شخصاً در اختیار بگیرد... . تعاونی‌ها همچنان ابزاری مهم و غالباً هم تنها ابزار موجود برای فقرا و نیز افراد مرفه ولی در معرض خطر

1 . World Bank,2002a

2 . Economic Dislocation

3 . Sub-Saharan Africa

4 . Word Bank,2002c,p.1

5 . Economic and Social Council

6 . ILO's Cooperative Branch

7 . ILO,2001c,Section7.3



فقیر شدن هستند که دسترسی به امنیت اقتصادی و استاندارد قابل قبول زیستی و کیفیت زندگی را برایشان امکان‌پذیر می‌سازند.<sup>1</sup>

در بیانیه اجلاس جهانی توسعه اجتماعی<sup>2</sup> در سال 1995، بر تعهد و پایبندی کامل شرکت کنندگان به بهره‌برداری و توسعه کامل ظرفیت و قابلیت تعاونی‌ها در راستای ریشه‌کنی فقر<sup>3</sup> در جهان تأکید گردید. در سال 1996، قطعنامه‌ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل صادر گردید که در آن شدیداً بر اعمال توجه لازم به نقش، کمک و قابلیت تعاونی‌ها در تحقق اهداف ناظر بر توسعه اجتماعی و اقتصادی، تأکید گردیده بود. خط‌مشی‌های سازمان ملل پیرامون نقش تعاونی‌ها در فرایند توسعه اجتماعی در اواخر سال 2001 به تصویب رسید. در ژوئن 2002، کنفرانس بین‌المللی کار<sup>4</sup>، توصیه جدیدی را در قالب توصیه شماره 193 مبنی بر ارتقا و ترویج تعاونی‌ها صادر کرد. این توصیه در واقع، نسخه اصلاح شده توصیه سال 1966 سازمان جهانی کار بود که بیانگر دیدگاه آن ایام نسبت به تعاونی‌ها به عنوان ابزار توسعه بود و فقط محدود به کشورهای در حال توسعه می‌شد.<sup>5</sup> این نسخه جدید، برگرفته از مفاد سلسله اسنادی بود که بین اوایل تا اواسط دهه 1990 از سوی اتحادیه بین‌المللی تعاون به منظور بازنگری و اصلاح مجموعه ارزش‌ها و اصولی که ماهیت متفاوت تعاونی‌ها را نشان می‌دادند، صادر شده بود. در توصیه شماره 193 سازمان جهانی کار، ضمن جلب توجه دولت‌ها به لزوم ایجاد ساز و کاری برای حمایت از توسعه تعاونی‌ها، تأکید شده است که تعاونی‌ها تشکلهایی مستقل و خودگردان هستند که از عده‌ای افراد دارای ارزش‌ها و اصول خاص خود تشکیل می‌شوند. این امر بدان معنی است که ترویج تعاونی‌ها به عنوان "ابزارهای" توسعه<sup>6</sup>، کار درستی نیست؛ بلکه باید ضمن رعایت اصل خودگردانی و استقلال عمل تعاونی‌ها، به اعضا برای ایجاد فعالیت‌های درآمدزا<sup>7</sup>، دسترسی به بازارها و ارتقای سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی، کمک شود.

بنابراین، بیانیه‌های بسیار زیادی در تمجید و تأیید نقش مثبت تعاونی‌ها در کاهش فقر صادر شده است. با

توجه به وجود چنین فضای مثبت و دلگرم‌کننده‌ای نسبت به تعاونی‌ها در سطح نهادهای سازمان ملل، عدم اشاره

---

1. ICA, 1996

2. World Summit for Social Development

3. Eradication of poverty

4. International Labour Conference

5. Levin, 2001

6. Tools of development

7. Income-generating

مستقیم به تعاونی‌ها در متن اهداف توسعه هزاره، اندکی نوید کننده به نظر می‌رسد. در گزارش اخیر دبیرکل سازمان ملل، ضمن تأیید ترویج رویکرد اعتبارات خرد<sup>1</sup> به عنوان یک «شیوه برتر»<sup>2</sup> (نمونه) در توانمندسازی فقرا جهت ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای خودشان،<sup>3</sup> بر این نکته نیز تأکید شده است که بانک‌های متعلق به فقرا، عملاً تعاونی هستند. به بیان کلی‌تر، سازمان ملل برای نیل به توسعه، رویکرد «تعاونی»<sup>4</sup> را پیش گرفته است. این گزارش تأکید دارد که توسعه بایستی اجتماع‌گرا باشد و وجوه تخصیصی برای این منظور، مستقیماً به سمت گروه‌های اجتماعی هدایت شود و در این بین، ظرفیت‌سازی<sup>5</sup> در گروه‌های خودیار، عامل و رمز اصلی موفقیت به شمار می‌آید. وقتی نوبت به اجرای اهداف توسعه هزاره در سطح کشور و در بخش‌های مختلف اقتصادی فرا رسد، این موارد کلاً باید در قالب دستور کاری برای تعاونی‌ها و دیگر گروه‌های خودیار، تنظیم و ارائه شود.

## 2-2- راهبرد بانک جهانی برای کاهش فقر

کار پی‌گیری روند تحقق اهداف توسعه هزاره از سوی بنگاه‌های توسعه، در چارچوب برنامه کمک به توسعه و به منظور هماهنگ‌سازی و هدایت اقدامات و فعالیت‌های آن‌ها به سمت هدف موردنظر، یعنی کاهش فقر، صورت می‌گیرد. سازمان ملل بر تهیه گزارش خاص هر کشور، تأکید زیادی دارد و آن را اصلی‌ترین راه برای تبدیل اهداف به فعالیت‌ها و اقدامات عملی در این راستا می‌داند. گزارش‌های واسله در مورد این هدف، گزارش‌های دیگری مانند گزارش‌های توسعه انسانی ملی<sup>6</sup>، ارزیابی‌های کشوری مشترک<sup>7</sup> و اسناد راهبردی کاهش فقر بانک جهانی را تکمیل و تقویت می‌کنند.<sup>8</sup> اقدامات و تلاش‌های نهادهای مالی بین‌المللی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مسیر موازی دیگری را فراروی بنگاه‌های ذی‌ربط سازمان ملل برای نیل به هدف ناظر بر کاهش فقر می‌گشاید. وظیفه پی‌گیری ابعاد «ساختاری، اجتماعی و انسانی» توسعه، بر عهده بانک جهانی است؛ در حالی که مسئولیت برقراری ثبات اقتصادی در سطح کلان<sup>9</sup> با صندوق بین‌المللی پول است. پس

1. Micro-finance

2. Best practice

3. United Nations, 2002d.

4. Cooperative approach

5. Capacity-building

6. National Human Development Reports

7. Common country assessments

8. United Nations, 2002b

9. Macro-economic Stabilization

از یک دهه از اجرای برنامه‌های اصلاح ساختاری<sup>1</sup>، در حالی که بسیاری از کشورها در تحقق رشد اقتصادی ناکام مانده بودند و حتی در پاره‌ای موارد، اوضاع و احوال فقرا از گذشته هم وخیم‌تر شده بود، رییس [وقت] بانک جهانی در سال 1999 با ارائه برنامه‌ای در قالب چارچوب جامع توسعه<sup>2</sup> اعلام کرد که بانک، مسئولیت، ابعاد انسانی و نیز جنبه‌های کلان اقتصادی توسعه را بر عهده خواهد گرفت. در این چارچوب، عوامل ساختاری مانند حسن نظارت، نظام حقوقی و نظام مالی کارآمد و عوامل انسانی از قبیل تحصیل و خدمات بهداشتی و نیز عوامل فیزیکی، شامل آبرسانی، جاده‌سازی و محیط زیست پایدار، منظور گردیده است. این چارچوب در واقع حاوی همان عواملی است که هنگام صحبت از راهبردهای ویژه تعاونی‌ها به ذهن متبادری می‌شود. یک راهبرد روستایی، حاوی مجموعه سازوکارهای بازاری، مانند اعتبارات کشاورزی، ذخیره‌سازی و انبارداری، حمل و نقل یا بازاریابی و بازاررسانی است که تماماً از طریق تعاونی‌های کشاورزی انجام می‌شوند.

در چنین راهبردی، ضمن تأکید بر اهمیت جامعه مدنی<sup>3</sup>، وجود سازمان‌های غیردولتی محلی<sup>4</sup> و گروه‌های گروه‌های سازمان یافته محلی برای اجرای پروژه‌ها نیز مهم عنوان می‌شود. این کارها را نیز می‌توان در قالب تعاونی انجام داد؛ حتی اگر از آن با نام یا عنوان دیگری یاد شود.

چارچوب جامع توسعه، منجر به تهیه مجموعه سندهای راهبردی کاهش فقر<sup>5</sup> گردید. بانک و صندوق بر آن شدند که تمامی وام‌های آسان<sup>6</sup> (امتیازی) و تسهیل و تخفیف بدهی<sup>7</sup> را بر اساس مفاد سند راهبردی کاهش فقر فقر هر کشور، مشمول کشورهای فقیر دارای بدهکاری سنگین کنند. طرح‌های توجیه اقتصادی<sup>8</sup> (طرح‌های توجیهی) هر کشور کم درآمد باید برپایه مفاد این سندها تهیه می‌شد. این امر بدان معنی است که گزارش‌ها این سندهای راهبردی برای آینده حدود 70 کشور جهان تا چه اندازه می‌تواند اهمیت داشته باشد. چنین سندهایی، برای شرکای خارجی توسعه نیز که قرار است به این کشورها کمک کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که مبنای کار

---

1. Structural Adjustment Programmes

2. Comprehensive Development Frame work

3. Civil society

4. Local non-governmental organizations

5. Poverty Reduction Strategy Papers (PRSP)

6. Concessional lending

7. Debt relief

8. Business plans

آن‌ها نیز اولویت‌های تعریف شده در این سندهای راهبردی است. راهبردهای کاهش فقر بانک جهانی، دارای پنج اصل بنیادین است.

1) کار باید به صورت کشوری انجام شود تا نتایج حاصله در عمل، متناسب با شرایط محلی همان کشور باشد.

2) باید نتیجه‌گرا<sup>1</sup> باشد؛ به طوری که ملاک سنجش، نه میزان نهادهای مصرف شده، بلکه تأثیرات ناشی از عملکرد بر فقرا باشد.

3) باید جامع‌نگر باشد تا بتواند شناخت لازم را نسبت به ماهیت چند بُعدی فقر به وجود آورد.

4) باید شرکت‌گرا (مشارکت‌گرا) باشد و مشارکت هماهنگ و متناسب همکاران و شرکای توسعه را به منظور انطباق هر چه بیشتر کارها با مفاد سند راهبردی، جلب کند.

5) نهایتاً، چون بانک جهانی، توسعه را فرایندی از تحول اجتماعی<sup>2</sup> می‌داند، انتظار دارد که کاهش فقر، در قالب پروژه‌ای دراز مدت انجام شود. این امر مستلزم سه مرحله اساسی است:

1) کسب شناختی جامع از فقر و علل و ریشه‌های آن؛ 2) اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات ترکیبی و مختلف که بیشترین تأثیر را بر روند کاهش فقر داشته باشند و 3) نظارت بر فرایند اجرا از طریق شاخص‌های حاصله<sup>3</sup>.

در متون سندهای راهبردی کاهش فقر، مدام بر اهمیت مشارکت فقرا در فرایند تهیه سند، تأکید می‌شود؛

اما همیشه روشن نیست که منظور از این مشارکت چیست. در این راستا، دو سطح ملی و محلی وجود دارد. در

سطح ملی، دولت‌ها باید نظر شهروندان را برای مشارکت در مراحل آماده‌سازی و نظارت بر روند تهیه سندها، از

طریق تشکل‌های جامعه مدنی<sup>4</sup>، جلب کنند. در راهنمای تهیه سند آمده است که فقرا باید به چند دلیل در این

فرایند مشارکت فعال داشته باشند. آن‌ها بخشی از جامعه مدنی هستند؛ صاحب‌نظر و کارشناس فقرند و اگر بنا

باشد تحولات اجتماعی در راستای تأمین منافع آنان باشد، باید از آن پشتیبانی و حمایت کنند. اما مسأله این است

که اصولاً یا سازمانی در سطح ملی وجود ندارد که فقرا در آن حضور داشته باشند و یا اگر هم وجود داشته باشد،

تعدادشان بسیار اندک است. در این بین به تعاونی‌ها توجه نمی‌شود، اما اگر تعاونی‌هایی پیدا شود که نقش تشکل

---

<sup>1</sup> . Result-oriented

<sup>2</sup> . Societal transformation

<sup>3</sup> . ILO,2001c

<sup>4</sup> . Civil society organizations

یا سازمان مرکزی را داشته باشند، باید بدون تردید در این فرایند مشارکت داده شوند. در سطح ملی، فقرا باید مستقیماً به عنوان یاریگران یا شرکای سازمان‌های غیردولتی<sup>1</sup> و حکومت‌های محلی، در فرایند توسعه دخالت داده شوند، در متون و ادبیات توسعه، نه تنها بر لزوم مشارکت فقرا، بلکه بر توانمندسازی<sup>2</sup> آنان نیز تأکید می‌شود. نکته بدیهی آن است که فقرا برای توانمندسازی معمولاً نیاز به شکل و سازماندهی جمعی<sup>3</sup> دارند. در متن راهنمای تهیه سند، هیچ توضیح مشخصی درباره نوع سازمان یا تشکیلات مورد نظر برای این منظور ارائه نشده است. چنین تشکلی، باید مردمی، دارای اهداف اقتصادی و متعلق به خود فقرا باشد و در عین حال، منابع حاصل از کار و اقدام جمعی را به خود آنان باز گرداند؛ که شکل تعاونی، تمامی این ویژگی‌ها را دارد.

احتمال می‌رود که با تداوم روند تهیه سندهای راهبردی کاهش فقر، روزه‌روز نقش و اهمیت تعاونی‌ها آشکارتر شود. مثلاً، در اجلاسی که اخیراً پیرامون راهبردهای کاهش فقر در افریقا تشکیل گردید، بر لزوم ارتقای بهره‌وری کشاورزی و نیز بر این مسأله که در «بازارهای آزاد و بی‌قید و بند<sup>4</sup>، تولید کنندگان فقیر، کوچک و تنها پشت درهای بسته می‌مانند» تأکید شده است. تاریخ قبلاً هم چنین مرحله‌ای را تجربه کرده است. کشاورزان بسیاری مواقع در می‌یابند که تنها راه کسب قدرت برای ورود به عرصه بازارهای نوظهور، بدون این که مورد بی‌مهری یا استثمار واقع شوند، تشکیل تعاونی‌های مختص خودشان است.

در گزارش اجلاس مذکور آمده است:

«بسیاری کشورها به دنبال سازوکارهای نهادی جدیدی مانند تعاونی‌ها هستند که برایشان تأمین نهاده‌های کشاورزی، اعتبارات روستایی، خدمات ترویجی و مرمت و نگهداری راه‌های روستایی را به ارمغان آورد<sup>5</sup>».

بررسی اخیر رویکرد «سند راهبردی کاهش فقر» نشان داد که تهیه و تدوین گزارش کشوری<sup>6</sup>، چالش

عمده‌ای برای کشورهای کم درآمد به شمار می‌آید؛ زیرا نتایجی را که عملاً می‌توانند محقق سازند، نیاز به واقع‌بینی

---

<sup>1</sup> . Partners with NGOs

<sup>2</sup> . Empowerment

<sup>3</sup> . Collective organization

<sup>4</sup> . Unfettered markets

<sup>5</sup> . World Bank, 2001

<sup>6</sup> . Country report

دارد. شواهدی موجود است که نشان می‌دهد حضور و مشارکت فعال جامعه مدنی در فرایند تهیه مفاد سندها تاحدی تأثیرگذار بوده است. سازمان‌هایی که میانه خوبی با حکومت، اتحادیه‌های صنفی و تجاری، گروه‌های زنان و نمایندگان مستقیم فقرا ندارند، هیچ‌گاه آن‌چنان که باید و شاید، مشارکت داده نمی‌شوند<sup>1</sup> و وقتی هم مشارکتی در کار باشد، معمولاً محدود به تبادل اطلاعات و مشورت در جریان تهیه و تدوین راهبردها و در سطح محلی نیز در حد شرکت در برنامه‌های هدف کاهش فقر است. باید برای رسیدگی به گروه‌هایی هم که به طور سنتی، محروم و حاشیه‌نشین هستند، تلاش‌ها و اقداماتی صورت گیرد. توسعه روستایی اگر چه به عنوان یک مؤلفه در راهبردها منظور شده است، اما مبحث مربوط به تشکیلات مجری آن «کلاً مبهم» و ارزشیابی آن نیز بسیار دشوار است<sup>2</sup>. به بیان کلی‌تر، لازم است برای شناخت روابط بین تأثیرات ناشی از خط‌مشی موردنظر و رشد معطوف به فقرا<sup>3</sup>، اقدامات جدی‌تر و عمیق‌تری صورت گیرد.

تعاونی‌ها همه مسائل و مشکلات را حل نخواهند کرد، اما باید به عنوان بخشی از هر راه حل، مطرح باشند. در سطح ملی معمولاً یک فدراسیون تعاونی سازمان یافته وجود دارد که باید به فرایند تدوین راهبرد، کمک کند و تقویت فدراسیون‌های تعاونی نیز باید بخشی از این راهبرد باشد. در سطح محلی، تشکل‌های تعاونی باید شفاف‌تر مورد استفاده قرار گیرند تا شانس هر اقدامی برای رسیدگی به فقرا و بهره‌مندی آنان، بیشتر شود. باید، هم تعاونی‌های موجود تقویت، ترویج و تکثیر شوند تا نیازهای مردم فقیری را که خواستار عضویت هستند، برآورده سازند و هم تعاونی‌های جدیدی تشکیل شود که نیازهای تعیین شده توسط خود فقرا را پاسخ دهند.

### 1-2-2- فرصت، توانمندسازی و امنیت: نقش تعاونی‌ها

یکی از راه‌های روش‌مند و اصولی در بررسی نقش تعاونی‌ها، استفاده از نظریه سه گانه ارائه شده توسط بانک جهانی در قالب سه مقوله یا محور، شامل فرصت، توانمندسازی و امنیت است. فرصت بدان معنی است که مردم فقیر این شانس را دارند که خود را از چنگال فقر و هر شکلی از محرومیت ناشی از آن، رها سازند. از بعد عرضه<sup>4</sup>، فرصت‌ها زمانی خلق می‌شوند که برای رشد اقتصادی، بسترسازی لازم صورت گرفته و بازارهایی برای

<sup>1</sup> . World Bank/IMF,2002

<sup>2</sup> . World Bank/IMF,2002,p.17

<sup>3</sup> . Pro-poor growth

<sup>4</sup> . Supply side

کار و فعالیت فقرا ایجاد شده باشد. از بعد تقاضا<sup>1</sup>، مردم فقیر باید ظرفیت بهره‌گیری از فرصت‌ها را داشته باشند که این امر به معنای ایجاد اعتماد به نفس در آنان از طریق آموزش و تعلیم و خود سازمان یافتگی<sup>2</sup> است. تعاونی‌ها از هر دو بعد عرضه و تقاضا در این راستا، سهم و نقش دارند. می‌توانند با ساماندهی روند عرضه نهاده‌ها و بازاریابی محصولات تولیدی، بازارها را وسعت بخشند. ابزاری هستند که قادرند هرگاه لازم باشد اعتبار مورد نیاز درخواست کنندگان را تأمین کنند و تشکل مطمئن و امنی هستند که مردم فقیر می‌توانند پس‌اندازهای خود را با خیال آسوده در آن سرمایه‌گذاری کنند. از آنجایی که تعاونی‌ها بر اثر گسترش طبیعی، تمایل پیدا می‌کنند در قالب تشکل‌های بزرگتر، با هم فدراسیون تشکیل دهند، احتمال باز شدن بازارهای ملی و بین‌المللی بر روی آن‌ها بیشتر می‌شود. تاریخ تعاونی‌ها بارها شاهد تشکیل سازمان‌های تجارتي بین‌المللی از نوع تعاونی بوده است که توانسته‌اند ظرفیت صادرات تعاونی‌های تولید و نیز قدرت واردات تعاونی‌های مصرف را به میزان چشمگیری افزایش دهند.<sup>3</sup> در فصل سوم، به تفصیل بحث خواهد شد که در سطح محلی، تعاونی‌ها تا چه حد در افزایش درآمد زنان، عشایر و قبایل و فقرای خوش‌نشین<sup>4</sup>، موفق بوده‌اند. از روش تعاون می‌توان نه تنها مستقیماً در بخش‌های مولدی مثل کشاورزی و صنایع دستی، بلکه برای طرح‌هایی مثل آبرسانی، آبیاری و نیز طرح‌های زیست‌محیطی<sup>5</sup> هم استفاده کرد. هر جا در سطح محلی، نیازی به خود سازمان یافتگی از سوی فقرا باشد - که همیشه تداوم اصلاحات، چنین امری را الزام‌آور می‌سازد - بدون شک شاهد حضور تعاونی‌ها یا تشکل‌های خودیار عضو - محوری مانند تعاونی خواهیم بود.

بانک جهانی، مقوله یا محور دوم، یعنی **توانمندسازی** را به معنای «بسط و گسترش دارایی‌ها و استعدادهای فقرا برای مشارکت، چانه‌زنی و تعامل با نهادهای مسؤول تأثیرگذار بر زندگی آنان و نیز اعمال نظارت و در اختیار گرفتن امور آن‌ها» تعریف می‌کند<sup>6</sup> این تعریف، متضمن و مبین بسط آزادی انتخاب و اختیار عمل<sup>7</sup> فرد، برای شکل دادن به زندگی خود است. این امر در فرایند توسعه به معنای آن است که فقرا هر جا میسر باشد،

---

1. Demand side

2. Self-organization

3. Birchall, 1997

4. Landless poor

5. Environmental schemes

6. World Bank, 2001b

7. Freedom of action

باید نهایت نظارت را بر منابع سرمایه‌گذاری شده و نیز بر فرایند تصمیم‌سازی<sup>1</sup>، اعمال نمایند. برهمگان از دیرباز روشن بوده است که بدون مشارکت بهره‌برداران، به دشواری می‌توان کمک‌های توسعه‌ای را به مرحله اثربخشی رساند<sup>2</sup>. تا زمانی که فقرا راه‌حل‌های موردنظر را از آن خود ندانند، عملاً هیچ راه حلی، حداقل از نوع پایدار، معنی نخواهد داشت.

بانک تعاونی در کتاب مرجع خود پیرامون توانمندسازی می‌گوید که هیچ‌الگوی نهادی واحدی برای توانمندسازی وجود ندارد. اگر چه این امر واقعیت دارد و ما قصد بازگشت به دوران تجددگرایی<sup>3</sup> را برای استفاده کلیشه‌ای از تشکل‌های به اصطلاح مردمی نداریم، اما این واقعیت را نیز باید پذیرفت که هر جا مردم، فاقد قدرت انفرادی هستند، باید نوعی تشکل قدرتمند محلی وجود داشته باشد. جنبش تعاون درست از همان ابتدای سده نوزده، تکیه بر نیرویی داشته که ناشی از عملکرد جمع (اقدام جمعی) به منظور توانمندسازی فرد یا تک‌تک افراد بوده است. آن‌ها را چه تعاونی خطاب کنیم، چه تشکل مردمی و محلی، چه تشکل کشاورزی یا هر اسم و عنوان دیگری، همان ویژگی‌های تعاونی را دارند؛ یعنی تشکل‌هایی هستند عضو محور، با اهداف اقتصادی پای‌بند به اصل یک فرد یک رأی و بازگرداندن هر نوع مازاد به تک‌تک اعضا یا به کل جامعه. ممکن است کم و بیش جنبه رسمی داشته باشند؛ یا کار را در قالب غیررسمی شروع کنند و پس از این‌که به مرحله خاصی از توسعه رسیدند، جنبه رسمی پیدا کنند و تابع قوانین تعاون<sup>4</sup> شوند.

از آنجایی که فقر پدیده‌ای چند بعدی است، این‌گونه تشکل‌های اجتماع محور<sup>5</sup> ممکن است وارد فعالیت‌های گوناگونی شوند که شاید تنوعشان به مراتب بیشتر از نوع فعالیت‌های تعاونی‌های قدیمی و سنتی باشد. در مناطق روستایی، ضمن دسترسی به بازارها از طریق تعاونی‌های عرضه و بازاریابی<sup>6</sup>، با اقداماتی چون جنگل کاری<sup>7</sup>، ایجاد شبکه آب‌رسانی و آبیاری و امثال این‌ها، موجبات بهبود محیط زیست را نیز فراهم می‌آورند و این

---

1 . Decision-making

2 . Verhagan, 1984

3 . Modernism

4 . Cooperative Laws

5 . Community-based organizations

6 . Supply and marketing cooperatives

7 . Aforestation



درحالی است که از سوی طرح‌های اعتبارات خرد<sup>1</sup> که به موازات خطوط تعاونی عمل می‌کنند، پشتیبانی و حمایت می‌شوند. اما، کارهای هم وجود دارد که تشکل‌های اجتماع محور، هم نمی‌توانند و هم نباید وارد آن‌ها شوند. مسئولیت زیر ساخت کلان‌تری که تعاونی‌ها در آن شکل می‌گیرند، برعهده دولت‌های محلی یا منطقه‌ای است. تمرکز زدایی حکومت<sup>2</sup> در این راستا اهمیت زیادی دارد؛ زیرا این کار، راه را برای تشکل‌های مدنی<sup>3</sup> جهت مطالبه خواست‌ها، پی‌گیری هزینه‌ها و پاسخ‌گو نگه‌داشتن سیاستمداران، هموارتر می‌سازد. ممکن است دولت اقدام به عقد قرارداد با تعاونی‌های محلی برای ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی، کند. آموزگاران، داروسازان و پزشکان هم غالباً برای کمک به آن‌ها در انجام وظایفشان، تعاونی تشکیل می‌دهند؛ اما مسئولیت این‌گونه خدمات، کماکان بر عهده دولت خواهد بود. این ویژگی بارز، نخستین بار در سده بیستم توسط بیاتریس وب<sup>4</sup> به منظور تمایز بین تعاون اجباری<sup>5</sup> اجباری<sup>5</sup> و اختیاری<sup>6</sup> مطرح گردید<sup>7</sup>. در کتاب مرجع مذکور، به چهار رکن یا عامل اساسی اشاره شده است که در تمامی تلاش‌های موفق در راستای توانمندسازی، نقش داشته‌اند: دسترسی به اطلاعات<sup>8</sup>، در برگیرندگی<sup>9</sup> (بهره‌مندی) و مشارکت، پاسخ‌گویی<sup>10</sup> و ظرفیت سازمانی محلی<sup>11</sup>. این چهار مؤلفه، بعد تقاضا و مطالبه از حاکمیت را چه از نظر مدیریت پروژه‌های توسعه و چه از بعد مدیریت نهادهایی چون نظام حقوقی<sup>12</sup> (دستگاه قضایی)، دولت محلی و سازمان خدمات کشوری<sup>13</sup>، تقویت می‌کند. بانک جهانی اذعان دارد که اگر چه چهار رکن مذکور در تمامی پروژه‌های این نهاد حضور دارند، اما رکن آخر، یعنی ظرفیت سازمانی، نسبت به بقیه، کمترین میزان رشد و توسعه یافتگی را داشته است. بانک جهانی در اشاره به "ارکان چهارگانه توانمندسازی"<sup>14</sup>، "واژه" تعاونی "را به کار برده است، اما از عبارت "گروه‌های عضویت محور"<sup>15</sup> که با یکدیگر برای حل مسائل و مشکلات مشترک همکاری

---

1 . Micro-credi schemes

2 . Decentralization of government

3 . Civic organizations

4 . Beatrice Webb

5 . Compulsory cooperation

6 . Voluntary cooperation

7 . Birchall, 1994

8 . Access to information

9 . Inclusion

10 . Accountability

11 . Local organizational capacity

12 . Legal system

13 . Civil service

14 . Four elements of empowerment

15 . Membership-based groups

می‌کنند، استفاده کرده است که تشکل‌های فدرال (مرکزی) تعاونی، مشمول آن نمی‌شوند. اما در این متن اظهار امیدواری شده است که این گروه‌ها در سطوح بالاتر به منظور ابراز وجود و حق اظهار نظر در گفتمان‌های سیاسی<sup>1</sup>، با هم تشکیل فدراسیون دهند<sup>2</sup>. این توصیفات، بیشترین قرابت ممکن را با توصیف تعاونی‌ها دارند؛ حتی اگر در آن‌ها از خود واژه "تعاونی" استفاده نشده باشد. درجایی دیگر، بانک با تلاش برای پرهیز از کاربرد اصطلاح "تعاونی" از عباراتی چون گروه‌های کشاورز<sup>3</sup>، باشگاه‌های محله<sup>4</sup>، و تشکل‌های مردمی استفاده می‌کند. شاید لازم باشد بین تشکل‌های عضو-محور واقعی<sup>5</sup> از تعاونی‌های شبه دولتی<sup>6</sup> که دولت‌ها در دوره تجددگرایی برای اجرای اجرای مقاصد خود ایجاد می‌کردند، تفکیک قائل شویم. اما باید پذیرفت که آن دوره به سر آمده است. تلاش برای پرهیز از کاربرد اصطلاح "تعاونی" ممکن است این خطر را به دنبال داشته باشد که دستاوردهای واقعی جنبش تعاونی که طی 170 سال گذشته بخش مهمی از اقتصاد کشورهای توسعه یافته بوده است، نادیده گرفته شود و این در حالی است که تعاونی‌ها علی‌رغم سوءاستفاده حکومت‌ها از آن‌ها، نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه طی 50 سال اخیر داشته‌اند.

تشکل‌های محلی حتی اگر قدرتمند هم باشند، باز هم ممکن است از دولت محلی و مرکزی و نیز از بخش خصوصی، فاصله داشته باشند. تعاونی‌ها هم ممکن است منزوی و از هم جدا افتاده باشند و مانند دیگر گروه‌ها یا دسته‌جات محلی، علی‌رغم بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بسیار منسجم و یکپارچه، قادر به یافتن پلی برای پیوند زدن این سرمایه اجتماعی به دیگران نباشند<sup>7</sup>. اگر بستر لازم برای آن‌ها جهت تشکیل فدراسیون‌های عمودی<sup>8</sup> و شبکه‌های افقی<sup>9</sup> فراهم شود و اگر قانون‌هایی برای تعاونی‌ها وضع شود که ناظر بر این حق آن‌ها باشد، قادر خواهند بود بر چنین مشکلی فایق آیند. تعاون بین تعاونی‌ها یکی از اصول تعاون است و تعاونی‌های موفق، همواره اقدام به تشکیل فدراسیون‌های منطقه‌ای، ملی و فراملی کرده‌اند. آخرین فعالیت شعبه (واحد) تعاونی سازمان جهانی

---

<sup>1</sup> . Policy dialogue

<sup>2</sup> . Word Bank, 2002f, p.3

<sup>3</sup> . Farmers' groups

<sup>4</sup> . Neighborhood clubs

<sup>5</sup> . Genuine member-based

<sup>6</sup> . Parastatal cooperative

<sup>7</sup> . Putnam, 2000

<sup>8</sup> . Vertical federations

<sup>9</sup> . Horizontal networks

کار<sup>1</sup> در مشارکت با اتحادیه بین‌المللی تعاون، شامل برنامه "کوآپ ریفورم"<sup>2</sup> (اصطلاحات در تعاونی‌ها) است که هدفش، کمک به کشورهای عضو در تدوین قانون‌های جدید تعاونی و تقویت فدراسیون‌های تعاونی است.

تاریخ تعاونی‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در جوامع دارای آزادی‌های مدنی قوی و حکومت‌های مردمی و پاسخ‌گو، بیشترین رونق و شکوفایی را دارند. تجربیات تاریخی هم نشان داده است هرچا چنین شرایطی وجود نداشته باشد، تعاونی‌ها معمولاً یا از بین می‌روند یا از آن‌ها سلب اختیار می‌شود و برای مقاصد دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرند که از جمله نمونه‌های بارز در این خصوص می‌توان تعاونی‌های ایتالیا، آلمان، اسپانیا و ژاپن قبل از دوره جنگ جهانی دوم را نام برد. رژیم‌های خودکامه نمی‌توانند وجود سازمان‌های آزاد و عضو محور را تحمل کنند. هرچا شرایط برای شکل‌گیری جامعه مدنی، دشوار، اما امکان‌پذیر باشد، تعاونی‌ها می‌توانند به "مکتبی برای مردم سالاری"<sup>3</sup> تبدیل شوند؛ مانند بریتانیا در دهه 1840 که پیشگامان راچدیل، سازمانی را در قالب تعاونی بنا نهادند که پایه و اساس شکل‌گیری همه تعاونی‌ها گردید.

محور سوم، یعنی امنیت، به معنای انجام اقداماتی در جهت کاهش میزان آسیب‌پذیری مردم فقیر در مقابل مخاطرات یا تهدیدات است. تهدیدات، انواع متفاوتی دارند که از آن جمله می‌توان تهدیدات طبیعی (مانند سیل، قحطی و خشکسالی و زلزله)، تهدیدات بهداشتی<sup>4</sup> (مانند بیماری‌های واگیردار، آسیب‌های فردی و تأثیرات ناشی از از سالخوردگی)، تهدیدات اجتماعی (مانند جرم و جنایت، خشونت‌های خانوادگی، درگیری و منازعات داخلی)، تهدیدات سیاسی (مانند شورش یا کودتا) و تهدیدات زیست‌محیطی (مانند آلودگی یا تخریب اراضی جنگلی) را نام برد. این تهدیدات ممکن است در سطوح خرد، میانی و کلان حادث شوند و افراد، روستاها و حتی کل کشورها را تحت تأثیر قرار دهند. این متمایز سازی‌ها از آن جهت اهمیت دارد که تهدیدات جنبه مشترک دارند و لذا باید آن‌ها را با هم یک کاسه کرد. اگر تهدیدی فقط بر یک فرد تأثیرگذار باشد (یعنی جنبه شخصی و فردی<sup>5</sup> داشته باشد)، برای مقابله با آن، بیمه معمولی و متعارف<sup>6</sup> بهتر جواب می‌دهد. اگر تهدیدی بر کل یک اجتماع تأثیرگذار

---

1 . ILO Cooperative Branch

2 . COOPREFORM

3 . School for democracy

4 . Health risks

5 . Idiosyncratic

6 . Conventional insurance

باشد، نمی‌توان آن را از درون خود اجتماع، بیمه کرد، بلکه باید با آن در سطح کشور (سطح کلان) مقابله شود. قرارگرفتن در معرض تهدید یا مخاطره<sup>1</sup> با قرار گرفتن در معرض آسیب‌پذیری<sup>2</sup> فرق دارد. اولی ناظر بر احتمال حدوث تهدید در آینده است، در حالی که آسیب‌پذیری، با شدت میزان مقاومت در برابر یک ضربه (شوک)، سروکار دارد. وقتی ضربه‌ای وارد یا حادث شود، ممکن است افرادی هم که فقیر نیستند، به راحتی دچار فقر شوند. این امر تا حدودی به فراوانی یا تعداد و تکرار ضربه‌ها و نیز میزان آسیب‌پذیری بستگی دارد. یکی از ویژگی‌های افراد فقیر و تقریباً فقیر آن است که درآمدهایشان معمولاً نوسان زیادی دارد و هر نوع وقفه‌ای در کار و فعالیتشان، بر اثر بیماری یا بی‌کاری، خیلی زود منجر به بحران در زندگی آن‌ها می‌شود. افراد برای برخورد با تهدید یا مدیریت کردن آن، راهبردهایی اتخاذ می‌کنند. اول از همه، به فعالیت‌هایی روی می‌آورند که کم‌بازده<sup>3</sup>، اما ایمن‌تر و مطمئن‌تر باشند. در یکی از گزارش‌های بانک جهانی در این خصوص آمده است: "افراد فقیر به شدت مخاطره‌گریزند<sup>4</sup>. از واردشدن به فعالیت‌های پرمخاطره<sup>5</sup> و پربازده<sup>6</sup> که می‌تواند آن‌ها را از شر فقر نجات دهد، بیم دارند<sup>7</sup>". دارند<sup>7</sup>. "دوم، وقتی ضربه‌ای به آنان وارد می‌شود، سعی می‌کنند دارایی‌هایی مانند دام‌ها یا پس‌اندازهایشان را مصرف نکنند؛ حتی اگر بدون غذا بمانند یا فرزندانشان را وادار به کارکردن نمایند. زمانی هم که از روی ناچاری به نزول خواران<sup>8</sup> یا فروش اموال و دارایی خود روی می‌آورند، خوب می‌دانند که این کار، توانایی آنان را در مقابله با ضربه‌های بعدی درآینده، به شدت کاهش خواهد داد. سوم، از طریق همیاری<sup>9</sup> در قالب باشگاه‌های وام و پس‌انداز<sup>10</sup>، منبعی برای کمک رسانی به افراد گرفتار یا کسانی که دچار مشکل شده‌اند، تشکیل می‌دهند. اما این نوع خودیاری متقابل، برای مقابله با ضربه‌های بزرگ و جدی، ظرفیت محدودی دارد؛ به ویژه وقتی که همه اعضای گروه، تحت تأثیر ضربه قرارگرفته باشند. بنگاه‌های دست‌اندرکار توسعه باید راهبردهای خاصی برای مدیریت

---

1 . Exposure to risk

2 . Exposure to vulnerability

3 . Low-rrrtuen

4 . Risk-averse

5 . High-risk

6 . High-return

7 . World Bank,2001b,p.138

8 . Moneylenders

9 . Mutual aid

10 . Savings and loans club

مخاطره<sup>1</sup> تدوین کنند که هم استمرار زندگی افراد فقیر را بدون افتادن در دام فقر شدیدتر، امکان‌پذیر سازند و هم راه کارهایی غیر از مصرف دارایی‌های گران‌بهای خود یا بدهکارشدن، در اختیارشان قرار دهند. این راهبردها می‌تواند در قالب دو دسته، یعنی راهبردهای ناظر بر کاهش و تضعیف تهدیدات و راهبردهای مقابله با ضربه‌های وارد آمده، تقسیم بندی شود.<sup>2</sup> در گزارش بانک جهانی، راه کارهای متعددی برای کم‌اثر کردن مخاطره و تهدید لحاظ لحاظ شده‌است که از آن جمله می‌توان تأمین بیمه خرد<sup>3</sup> به موازات طرح‌های اعتبارات خرد برای زنان فقیر، طرح‌های امور عام‌المنفعه<sup>4</sup>، کمک‌های غذایی و امثال آن را نام برد. اما، تعاونی‌ها چه کاری می‌توانند در زمینه مدیریت مخاطره انجام دهند؟ آن‌ها می‌توانند با به اشتراک گذاشتن مخاطرات و تهدیدها در قالب تشکل اقتصادی، کمک کنند تا شدت تهدید در از سطح انفرادی، کاهش یابد. مثلاً می‌توانند زمانی که به قدر کافی رشد کردند، اعضای خود را بیمه کنند. تعاونی‌های کشاورزی کشورهای در حال توسعه، محصولات بیمه‌ای عدیده‌ای را به اعضا ارائه می‌دهند. برای مثال، در ژاپن و ایالات متحده، برخی از بزرگترین بیمه گران<sup>5</sup> جهان، به عنوان شرکت‌های بیمه بیمه کننده تعاونی‌ها عمل می‌کنند. اعضای تعاونی‌های مصرف در بریتانیا از دیرباز دارای بیمه عمر رایگان<sup>6</sup> بوده‌اند. در نظام تعاونی ماندراگون، کارگران عضو، از مزایای کامل بیمه تأمین اجتماعی، از جمله حقوق بازنشستگی و مستمری، سود می‌برند. تعداد اندکی از تعاونی‌های کشورهای در حال توسعه هم دارای چنین ظرفیت‌هایی هستند. کارایی تشکل‌ها و تعاونی‌های اعتبارات خرد در ارائه بیمه بهداشتی و اجتماعی<sup>7</sup> به افراد بسیار بسیار فقیر از طریق وجوه عمومی، به اثبات رسیده‌است. این کارایی در مورد طرح‌های بیمه مشارکتی<sup>8</sup> در اقتصادهای در اقتصادهای رسمی، مصداق بارزتری دارد؛ چرا که در اقتصاد رسمی، تعاونی‌ها به عنوان تنها تشکل‌های مورد وثوق، ظرفیت سازمانی لازم را برای گردآوری کمک‌ها و توزیع سودهای حاصله در اختیار دارند. یکی از صاحب نظران امر در این خصوص می‌گوید:

”موفقیت ساختار تعاونی و فلسفه تعاون در ارضای نیازهای فقرا به شیوه‌ای کارآمد و انعطاف‌پذیر،

---

1 . Risk Management

2 . World Bank, 2001b, ch. 8

3 . Micro-insurance

4 . Public Works Schemes

5 . Insurers

6 . Free life insurance

7 . Health and Social insurance

8 . Contributory insurance schemes

آن را به الگویی مناسب برای هدایت و جهت دهی محصولات بیمه به سمت فقرا تبدیل کرده است<sup>1</sup>.

تعاونی‌ها ظرفیت آن را نیز دارند که یکدیگر را به بیمه اتکایی کنند. برای نمونه، فدراسیون بین‌المللی بیمه تعاونی<sup>2</sup> و متقابل توانسته‌است کنفدراسیون اتحادیه‌های اعتباری آسیا<sup>3</sup> را بیمه اتکا<sup>4</sup> می‌کند تا پایداری برنامه‌های برنامه‌های بیمه‌خرد خود را تضمین نماید. درکشورمالی، یک برنامه توسعه بهداشت ملی توانسته است با استفاده از همبستگی موجود میان تشکل‌های همیار<sup>5</sup> و نیز نگرش عضو محور<sup>6</sup> و غیر انتفاعی آن‌ها، فقرا را تحت پوشش بیمه بیمه بهداشت و سلامت قرار دهد. کارگران پنبه‌کار نیز طرحی را که زیر نظر تعاونی آنان فعالیت می‌کند، با اعطای بخشی از محصول پنبه خود، یاری می‌دهند<sup>7</sup>.

تعاونی‌ها و تشکل‌های شبیه آن می‌توانند با وصل شدن به بازارهای بزرگتر و تنوع بخشی به منابع درآمدی، مخاطراتی را که متوجه کلیه اجتماعات است، کاهش دهند. آن‌ها قادرند با تأمین اعتبارات کوتاه مدت و مکان امن برای پس‌انداز، اعضای خود را در مقابله با صدمات و ضربه‌های فصلی، نظیر از بین رفتن یا عدم برداشت محصول<sup>8</sup> و یا افت قیمت‌ها در بازار، یاری دهند. در کشورهای توسعه یافته، تعاونی‌ها می‌توانند با ایجاد ارتباط با سازمان‌های تجاری منصفانه<sup>9</sup>، شرایط حاکم بر عرصه تجارت بین‌المللی را تا حدودی تحت تأثیر قرار دهند. اما در مقابله با تهدیدات و مخاطرات ناشی از عوامل انسانی<sup>10</sup> در سطح کلان، مانند سرنگونی حکومت‌های منتخب مردم، یا جنگ داخلی، کارچندانی از دست تعاونی‌ها بر نمی‌آید، هر چند که می‌توانند احتمال وقوع چنین تهدیداتی را در نوع جوامع مدنی، کاهش دهند. درمقابله با مخاطرات و تهدیدات طبیعی کلانی مانند خشکسالی و زلزله هم کار چندانی از دست تعاونی‌ها ساخته نیست؛ اگرچه قادرند، اقداماتی مانند ارائه طرح‌های آبیاری، ایجاد تأسیسات انبارداری و ذخیره‌سازی مواد غذایی و احداث منازل مسکونی ضد زلزله، خسارات و صدمات ناشی از چنین

---

<sup>1</sup> . Patel, 2001, p.27

<sup>2</sup> . International Co-operative and Mutual Insurance Federation

<sup>3</sup> . Asian confederation of creditunion

<sup>4</sup> . Reinsurance

<sup>5</sup> . Mutualls

<sup>6</sup> . Member- focus

<sup>7</sup> . Patel, 2001, appendix4

<sup>8</sup> . Harvest failire

<sup>9</sup> . Fair teade organizations

<sup>10</sup> . Man-made risks

پدیده‌هایی را محدود کنند. تعاونی‌ها می‌توانند پس از هر بحران، نقشی کلیدی در فرایند بازیابی شرایط عادی ایفا کنند. تعاونی‌های خودساز<sup>1</sup> می‌توانند به بازسازی مسکن و بیمه‌گران تعاونی<sup>2</sup> (همیار) نیز قادرند با پشتیبانی مالی از از روند بازسازی، تعاونی‌های مصرف را در توزیع مواد غذایی اضطراری، یاری دهند که به عنوان نمونه‌ای خوب در این زمینه می‌توان به اقدامات پس از وقوع زلزله در کوبه ژاپن اشاره کرد. تعاونی‌های کشاورزی نیز قادرند با زمینه‌سازی برای کاربرد بهینه آب، احداث بانک نگهداری غلات و مواردی از این قبیل، با تأثیرات ناشی از خشکسالی مقابله کنند.

### 3-2- سازمان خواربار و کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزان

توسعه اقتصادهای روستایی، مورد عنایت خاص سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) قرار دارد. این سازمان دید بسیار مثبتی نسبت به تعاونی‌ها دارد؛ هرچند که به دلیل خطاهای گذشته، علاقه چندانی به استفاده از واژه تعاونی ندارد و عبارات مترادف، نظیر "تشکل‌های کشاورز-مالک"<sup>3</sup> یا "سازمان‌های روستاییان"<sup>4</sup> را ترجیح می‌دهد. این امر کاملاً قابل درک است؛ زیرا همان‌گونه که در فصل اول ذکر شد، تشکیل تعاونی‌های کشاورزی چندمنظوره دولت-حامی (تحت حمایت دولت) در بسیاری کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم، مایه یأس و نومیدی شدید از تعاونی‌ها گردید. اما تصور این امر هم دشوار به نظر می‌رسد که بتوان بدون وجود نوعی گروه تعاونی کشاورزان، نسبت به افزایش درآمد روستاییان اقدام نمود. برای نمونه، بررسی فائو در مورد شش پروژه توسعه‌ای اخیر این سازمان نشان می‌دهد که در پنج مورد، نیاز به وجود نوعی گروه تعاونی، کاملاً محسوس بوده است؛ که البته این نوع تعاونی نمی‌بایست الزاماً شرکت تعاونی رسمی<sup>5</sup> باشد، بلکه می‌تواند در قالب یک گروه گروه مشارکتی از کشاورزان، یا یک کمیته یا شورای دهداری<sup>6</sup> باشد.

عناصر مشترک در این تشکل‌ها با هر اسم و عنوانی که باشند، کاملاً روشن و مشخص است. همه

کشاورزان نیاز به نهاده‌هایی دارند که باید بر کیفیت و قیمت آن‌ها نظارت شود؛ نیاز به بازاریابی و بازاریابی دارند

---

<sup>1</sup> . Mutual insures

<sup>2</sup> . Farmer- owned businesses

<sup>3</sup> . Rural people's organizations

<sup>4</sup> . Government- sponsored

<sup>5</sup> . Formal cooperative society

<sup>6</sup> . Village management committee

تا اسیر دلالتان و واسطه‌های بی‌انصاف که بخش اعظم سودهای حاصل از رنج آنان را به جیب خود می‌ریزند، نشوند. برای مقابله با شرایط نامطمئن حاکم بر طبیعت و بازار، در زمان‌های از بین رفتن محصول یا پایین بود، عملکرد محصولات، نیاز به کمک رسانی از طریق بیمه متقابل (بیمه همیاری) و اعتبارات زراعی<sup>1</sup> دارند. این عناصر و عوامل، جنبه همیشگی و ثابت دارند. اما در این بین، عناصر و عوامل متغیری هم وجود دارد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان میزان آگاهی و شناخت کشاورزان از ساختار شکل‌تعاونی، ظرفیت خود ساماندهی (خودسازماندهی)<sup>2</sup> و کمک‌های فنی، حقوقی و مالی مورد نیاز برای تشکیل و اداره کردن یک تعاونی را در دراز مدت نام برد. زمانی که به مرحله مشخصی از توسعه رسیدند، در قالب شکل‌های بزرگتری که توانایی تأمین خدمات مورد نیاز تعاونی‌های عضو را دارند، درهم ادغام می‌شوند. نظام تعاونی، برپایه مجموعه الزامات ثابت و مشخصی قرار دارد که اگرچه در شرایط متفاوت ممکن است با هم در جزئیات خیلی فرق داشته باشند، اما در تمامی بخش‌ها و کشورها نسبتاً قابل پیش‌بینی هستند. نگرش کشاورزان اروپای مرکزی و شرقی مبنی بر رد هر چیزی به نام تعاونی (نهادهای دولتی منسوخ شده رژیم‌های کمونیستی سابق) مؤید این واقعیت است که باید تعاونی‌های واقعی را مجدداً به گونه‌ای احیا کرد که باز هم در خدمت تأمین منافع و نیازهای آنان قرار داشته باشند؛ اما با نام و عنوانی متفاوت. به تازگی مطالعه‌ای از سوی فدراسیون بین‌المللی تولید کنندگان کشاورزی<sup>3</sup> تحت عنوان "بررسی هزاره"<sup>4</sup> پیرامون اقدامات انجام شده برای کاهش فقر روستایی صورت گرفته است که در آن ضمن تأیید موارد ثابت و همیشگی مذکور، عنوان شده است که سه مورد، از ده عامل اصلی فقر روستایی، یعنی زیرساخت‌ها، نهادهای زراعی<sup>5</sup> و بازاریابی که امکان تأمین تمامی آن‌ها از سوی شکل‌های کشاورز- مالک وجود دارد، از همه مهم‌تر و انجام پذیرترند.<sup>6</sup>

---

1 . Farm credits

2 . International Federation of Agricultural producers(IFAP)

3 . Millenium Survey

4 . Farm inputs

5 . IFAP, 2000

6 . Self- organization



#### 4-2- چارچوب کارشراfterمندانانه سازمان جهانی کار

در اواخر سده بیستم، بانک جهانی، تنها بنگاه بین‌المللی نبود که تصمیم گرفت تعریف ارائه شده از نقش خود را بازنگری و اصلاح کند. سازمان جهانی کار نیز ضمن بازنگری اساسی در اهداف اختصاصی و کلان خود، تلاش‌هایش را حول محور موضوع "کارشراfterمندانانه" معطوف ساخت و فعالیت در این راستا را با برگزاری اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی<sup>1</sup> (موسوم به اجلاس کپنهاگ<sup>2</sup>) در سال 1995 آغاز کرد. سران کشورها در این اجلاس، بیانیه‌ای بالاتفاق درباره حق برخورداری از کار شراfterمندانانه صادر کردند که منجر به انتشار بیانیه 1998 سازمان جهانی کار درباره اصول اساسی کار<sup>3</sup> و اقدامات تکمیلی بعدی در این زمینه گردید. فرایند اصلاح و نوین‌سازی بانک جهانی، در سال 1999 و با ارائه طرح پیشنهادی بودجه مبنی بر تبدیل 39 برنامه کلان به چهار هدف راهبردی، مشتمل بر اصول و حقوق اساسی کار، اشتغال، حمایت اجتماعی و گفتمان اجتماعی، آغاز گردید. در گزارش مدیرکل سازمان به هشتاد و هفتمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار در همین سال عنوان شده بود که "کارشراfterمندانانه" باید به هدف اصلی سازمان جهان کار در سده آینده تبدیل شود و در آن، هر چهار هدف راهبردی مذکور، با محوریت کار شراfterمندانانه، در قالب پیامی واحد، منظور گردد<sup>4</sup>. اما، چرا با تأکید بر محوریت "کار شراfterمندانانه؟" مدیرکل برای این پرسش، دو دلیل ارائه می‌دهد. نخست، نیاز اساسی انسان به کار شراfterمندانانه به عنوان "گسترده‌ترین نیاز مشترک همه افراد، خانواده‌ها و اجتماعات در هر جامعه‌ای و در هر مرحله‌ای از توسعه". دوم، تلقی آن به عنوان راهی برای نیل به وحدت هدف<sup>5</sup> در میان ارکان سه‌گانه سازمان جهانی کار، یعنی حکومت‌ها، کارفرمایان و کارگران. وی بعدها به منظور شفاف‌سازی نظر خود اعلام کرد که این محوریت جدید، نه تنها هویت دقیق‌تری به خط‌مشی سازمان جهانی کار در رابطه با دیگر نهادهای بین‌المللی می‌بخشد<sup>6</sup>، بلکه لزوم کارکردن جدی‌تر و بادقت بیشتر را در راستای دستورالزام آور سازمان ملل مبنی بر کاهش فقر نیز خاطر نشان می‌سازد<sup>7</sup>. پس از برگزاری اجلاس اجتماعی 2000، در نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، قویاً از برنامه

1. World Summit for Social Development

2. Copenhagen Summit

3. Fundamental Principles and Rights at Work

4. ILO, 1999

5. Unity of purpose

6. ILO, 2001, p. 1

7. ILO, 2001c

سازمان جهانی کار در خصوص کار شرافتمندانه تقدیر به عمل آمد که می‌توان آن را نشانه حمایت تمامی بخش‌های جامعه جهانی از این برنامه دانست. اما، راهبرد سازمان جهانی کار چگونه می‌توان مکمل راهبرد بانک جهانی و دیگر نهادهای دست‌اندرکار فقرزدایی در جهان باشد؟ قبلاً تصور می‌شد که بین رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و کاهش فقر، یک وجود دارد؛ اما این رابطه چیزی بسیار فراتر از یک رابطه ساده است. رشد اگر مبتنی بر صنایع سرمایه بر باشد، الزاماً منجر به تولید فرصت‌های شغلی جدید نخواهد شد. اگر فقرا مهارت‌های مورد نیاز [بازارکار] را نداشته باشند، یا گروه‌های قدرتمندتر، مانع آنان برای تقاضای کار شوند، ممکن است اشتغال هم نتواند کاری برایشان انجام دهد<sup>1</sup>. اما رابطه ساده‌تر، رابطه بین فقر و درآمد است؛ یعنی هرچه میزان درآمد بالاتر باشد، شدت فقر کمتر می‌شود (به عبارت دیگر، احتمال فقیر شدن، کاهش می‌یابد). این امر حتی با وجود چند بُعدی بودن پدیده فقر، واقعیتی انکارناپذیر به شمار می‌آید؛ زیرا مطالعات تجربی<sup>2</sup> نشان داده است وقتی درآمد افراد بیشتر شود، این امکان را پیدا می‌کنند که فرزندانشان را به مدرسه بفرستند، از خدمات بهداشتی بیشتر و بهتری استفاده کنند، خانه و کاشانه خود را بهبود بخشند، منافع محسوس‌تری مانند افزایش حس اعتماد به نفس نصیبشان شود و توقع و مطالبات خود را از خدمات دولتی، افزایش دهند.

اما، تعاونی‌ها در تأمین کارشرافتمندانه برای فقرا چه نقشی دارند؟ مبحث در این زمینه را با تأکید بر شناخت این واقعیت آغاز می‌کنیم که توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی، دو وجه یک فرایند هستند. هدف کارشرافتمندانه، رشد اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی<sup>3</sup> است. اگر نهادهای ذی‌ربط، کار خود را درست انجام دهند، کارایی اقتصادی و اجتماعی، به موازات هم خواهد بود. اما کدام نهاد قادر است این نوع هم‌افزایش و هم‌کوشی<sup>4</sup> را بین این دو جریان برقرار سازد؟ پرسش بزرگی است، اما باید خاطر نشان کرد که فعالیت اقتصادی و توزیع عادلانه منافع، به طور طبیعی در دل هر ساختار تعاونی وجود دارد.

## 1-4-2- راهبرد کارشرافتمندانه و تعاونی‌ها

---

<sup>1</sup> . Osmani, 2002

<sup>2</sup> . Empirical studies

<sup>3</sup> . Social equity

<sup>4</sup> . Synergy

سازمان جهانی کار، چهار هدف راهبردی را دنبال می‌کند: ترویج حقوق کار، افزایش اشتغال و درآمد، گسترش حمایت اجتماعی و تقویت گفت‌وگوهای اجتماعی. ظرفیت و توان تعاونی‌ها، براساس هر یک از این معیارها مورد ارزشیابی<sup>1</sup> قرار می‌گیرد. تعاونی‌ها، تشکلهای اخلاقی<sup>2</sup> هستند و به همین دلیل، رعایت حقوق انسانی از سوی کارفرمایان برایشان اهمیت خاصی دارد. فضای تعاونی‌ها بر روی هرکسی که بخواهد بدون اعمال هرنوع تبعیض از خدمات آنها استفاده کند، باز است. از این رو، باید اصل عدم تبعیض<sup>3</sup> را در سایر ابعاد نیز ساری و جاری کنند. تعاونی‌ها به اعضا تعلق دارند، یعنی بر پایه این اصل کار می‌کنند که رأی دادن و در واقع، تعدادی رأی، بر مبنای نفر است، نه سرمایه. و از این طریق حق رأی را برای کارگران عضو تضمین می‌کنند. البته تعاونی کارگری، همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، از همان ابتدا ناظر بر حقوق کارگران است. ممنوعیت کار کودک<sup>4</sup> و کارگری<sup>5</sup>، مستلزم افزایش درآمد خانوار از راه‌های دیگر است. تعاونی‌ها چنانچه بتوانند به افزایش درآمد اعضای خود کمک کنند، غیرمستقیم مانع این شیوه‌های کار استثمارگرانه می‌شوند. آن دسته از مصرف‌کنندگان کشورهای توسعه یافته که خواستار اعمال نوعی نظارت بر شیوه تولید کالا هستند، می‌توانند برای حصول اطمینان از اصل "تجارت منصفانه"<sup>6</sup>، با تعاونی‌های تولید ارتباط برقرار کنند.

رسیدگی به وضع اشتغال و درآمد، رفع دو مشکل مرتبط به هم را طلب می‌کند: بازدهی پایین<sup>7</sup> کار و بی‌کاری<sup>8</sup> یا اشتغال ناقص<sup>9</sup>. پایین بودن بازدهی کار، سه دلیل دارد: رقابت کارجویان بالقوه برای ورود به بازار کار موجب کاهش دستمزدها می‌شود؛ ضعف بهره‌وری (بهره‌وری پایین<sup>10</sup>) بر اثر پایین بودن سطح مهارت یا تخصص و فناوری و شرایط نامساعد حاکم بر بازار تجارت که باعث می‌شود افراد حتی در صورت توانایی کسب درآمد بیشتر، علاقه‌ای برای این کار از خود نشان ندهند<sup>11</sup>. تعاونی‌ها برای رفع این مشکلات، راه‌حل‌ها و راه‌کارهای بالقوه

---

1 . Evaluation

2 . Ethical organizations

3 . Non-discrimination

4 . Abolition of child labour

5 . Bonded labour

6 . Fair Trade

7 . Low return

8 . Unemployment

9 . Under-employment

10 . Poor productivity

11 . Osmani,2002

عدیده‌ای در اختیار دارند. برای مثال، تعاونی‌های کاریابی<sup>1</sup> می‌توانند افرادی را که خواهان ورود به بازار کار هستند، سازماندهی کنند و از آن‌ها در مقابل استثمار و بهره‌کشی، حمایت به عمل آورند. تعاونی‌های خدمات مشترک<sup>2</sup> می‌توانند بهره‌وری شکل‌های اقتصادی کوچک را افزایش دهند<sup>3</sup>. با شرایط نامساعد حاکم بر بازار تجارت، هم می‌توان از طریق تعاونی‌های عرضه<sup>4</sup> مواد و خدمات مقابله کرد. و هم از طریق تعاونی‌های بازاریابی. زیرا تعاونی‌های عرضه قادرند هزینه و قیمت نهاده‌ها را کاهش دهند و تعاونی‌های بازاریابی هم می‌توانند قیمت محصولات زراعی و کالاهای آماده مصرف را افزایش دهند.

در دهه‌های 1970 و 1980، بر اثر فرایند مشکل آفرین تجدید سازمان<sup>5</sup> و "کوچک سازی"<sup>6</sup> صنایع و تغییر و تحولات ناشی از رکود در عرصه تجارت جهانی و نیز شتاب فراینده جهانی شدن<sup>7</sup>، بخش اشتغال رسمی<sup>8</sup> در اروپای غربی با موجی از مازاد نیروی کار روبه‌رو گردید. در بسیاری کشورها، واگذاری‌های<sup>9</sup> تعاونی کارگری، تعداد زیادی از شکل‌های اقتصادی را که در معرض ورشکستگی بودند، نجات داد که این اقدام صرفاً با هدف جلوگیری از نابودی مشاغل صورت گرفت. نتایج حاصل از این اقدام، کاملاً متفاوت بود. در اسپانیا و در شمال ایتالیا، مجتمع‌های بزرگی از تعاونی‌های کارگری تشکیل گردید. وقتی گروهی متشکل از چند تعاونی، به یک کارفرمای عمده تبدیل شوند قادر خواهند بود سیاست‌هایی در راستای تضمین مشاغل، اتخاذ و اجرا نمایند. نظام تعاونی ماندراگون در منطقه باسک اسپانیا توانست قدرت اقتصادی را با همبستگی و اتحاد تلفیق نماید و متعهد گردید هیچ یک از کارکنان عضو را مازاد اعلام نکند، بلکه کارگران مازاد را به تعاونی‌های دیگر منتقل نماید. تعاونی‌های مصرف، در زمره کارفرمایان عمده به شمار می‌آیند؛ چرا که کار توزیع و خرده‌فروشی، نیاز به نیروی کار بسیار زیادی دارد. از این‌رو، هر چه دامنه موفقیت آن‌ها گسترده‌تر باشد، فرصت‌های شغلی جدید بیشتری تولید

---

<sup>1</sup> . Labour cooperatives

<sup>2</sup> . Shared service cooperative

<sup>3</sup> . Schwettman (ILO,2002b)

<sup>4</sup> . Supply cooperative

<sup>5</sup> . Restructaring

<sup>6</sup> . Globalization

<sup>7</sup> . Downsizing

<sup>8</sup> . Formal employment sector

<sup>9</sup> . Takeovers

می‌کنند. مثلاً در ارمنستان، اخیراً با تجدید ساختار پنج تعاونی مصرف، 990 فرصت شغلی جدید ایجاد شده است.<sup>1</sup>  
شده است.<sup>1</sup>

اشتغال ناقص، یکی از مشکلات بارز بخش اقتصاد غیررسمی<sup>2</sup> است. سازمان جهانی کار، سال‌های متمادی در این حوزه کارکرده است؛ اما نیروهای دست اندرکار امور توسعه در این سازمان اذعان دارند که کماکان لازم است روش‌هایی برای کار کردن در این حوزه پیدا شود. مشکل اصلی در این زمینه، یکی از مشکلات خود سازمان هم به شمار می‌آید و آن، نیاز به وجود فعالان یا بازیگران<sup>3</sup> جدیدی و نهادهای جدیدی است که قادر به ارتقای سطح مهارت‌ها، بازکردن بازارهای جدید و بهبود شرایط کاری باشند.<sup>4</sup> این نهادها احتمالاً باید چیزی شبیه تعاونی‌های خدمات مشترک باشند. برای نمونه، برنامه پرومیکرو<sup>5</sup> در ال‌سالوادور، تشکل‌هایی از صاحبان فعالیت‌های کوچک را در کنار نهادهای اعتبارات خرد، تشکیل داده است.

گسترش حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی، هدفی است که قبلاً در قالب "امنیت" از نگاه بانک جهانی، در مورد آن بحث کرده‌ایم. تعاونی و تشکل‌هایی مانند آن می‌توانند در آخرین هدف از مجموعه اهداف اعلام شده سازمان جهانی کار، یعنی تقویت گفتمان اجتماعی نیز ایفای نقش کنند. جلب نظر گروه‌های سه‌گانه مورد نظر سازمان جهانی کار، یعنی حکومت‌ها، تشکل‌های کارفرمایان<sup>6</sup> و اتحادیه‌های صنفی و تجاری برای حمایت جدی از اهداف ناظر بر کارشراقتمندانه و کاهش فقر و نیز پای‌بندی به این اهداف، امری ضروری در این راستا به شمار می‌آید. البته، توسعه تعاونی، یکی از اجزای تشکیل دهنده این فرایند است که وجودش برای جلب حمایت و پشتیبانی گروه‌های مذکور لازم است. از نظر حکومت‌ها، تعاونی‌ها یکی از اجزای شاکله جامعه مدنی‌اند. اگرچه جنبه اقتصادی تعاونی‌ها قوی‌تر از جنبه سیاسی آن‌ها است و به همین دلیل، رقابتی با احزاب سیاسی ندارند؛ اما تأمین‌کننده منابع مهمی از سرمایه اجتماعی با "خصیصه مدنی"<sup>7</sup> هستند که سیاست برپایه آن قرار دارد. در مناطق روستایی و در بخش غیررسمی، تعاونی‌ها اغلب تنها تشکل‌هایی هستند که حکومت‌ها می‌توانند با آن‌ها سروکار

---

1. Altshul, 2002

2. Informal economy

3. Actors

4. ILO, 2001a, p.3

5. Promicro Program

6. Employers organizations

7. Civic virtue

داشته باشند و در واقع با تأمین پایه مالیاتی<sup>1</sup>، درخواست برای تحولات زیرساختی و تأمین بازخورد<sup>2</sup> مورد نیاز در مورد نحوه عملکرد بنگاه‌های دولتی محلی، نقش مکمل حکومت محلی را ایفا می‌کنند. از نظر کارفرمایان، تعاونی‌ها تشکل‌های کارآفرینی هستند که قادرند برای توسعه بازارها بسترسازی کنند و این کار را از طریق جذب مشارکت افرادی انجام می‌دهند که حضورشان در گردونه اقتصاد، مدیون تعاونی‌ها است. وقتی اعضا، به نوعی، کسبه خویش فرما (خوداشتغال<sup>3</sup>) هستند (مانند کشاورزان یا تجار جزء<sup>4</sup>)، تعاونی‌ها می‌توانند خدمات مشترکی ارائه ارائه دهند که تقویت کننده بقا و رشد کسب‌وکارهای انفرادی باشند. از نظر اتحادیه‌های صنفی، تعاونی‌ها اهمیت شایانی دارند؛ زیرا قادرند برای بسیاری از افراد گرفتار بی‌کاری یا اشتغال ناقص، ایجاد شغل کنند. تعاونی‌ها بسته به میزان رشد در حجم و گستره فعالیت، خواهند توانست بخشی از اقتصاد غیررسمی را رسمی کنند و کارگران فاقد پوشش حمایتی<sup>5</sup> را که اتحادیه‌ها قادر به رسیدگی به آنان نیستند، تحت پوشش خود قرار دهند. تعاونی‌ها، تشکل‌هایی رسمی با مسئولیت اجتماعی‌اند که ساماندهی اتحادیه‌های تجاری در چارچوب آن‌ها کار تقریباً ساده‌ای است. تعاونی‌ها به کارگران این امکان را می‌دهند که در کنار اعضا، به طور جداگانه خود را سازماندهی کنند یا مستقیماً به عضویت تعاونی درآیند.

یکی دیگر از راه‌های پی بردن به عمق کار سازمان جهانی کار در توجه به تعاونی‌ها، مروری بر سه خط‌مشی کلان، شامل توسعه، جنسیت و بنگاه اقتصادی است که مدیرکل سازمان آن‌ها را در گزارش مربوط به کار شرافتمندانه عنوان می‌کند. در این گزارش، پیرامون توسعه چنین آمده است: "اینک زمان آن فرارسیده است که خط‌مشی واحد و منسجمی از سوی سازمان جهانی کار برای طبقه فقیرکارگر تدوین شود"<sup>6</sup>. مفاد این گفته، ناظر بر بر تشکیل نهادهایی برای مشارکت است. توسعه تعاونی اگر به سبک و سیاق مشارکتی انجام شود، می‌تواند اصلی‌ترین راه برای استقرار چنین نهادهایی باشد. از بعد "نابرابری جنسیتی"<sup>7</sup>، سازمان جهانی کار اذعان دارد که زنان به لحاظ اقتصادی، به مراتب از مردان آسیب پذیرترند و در مورد کار و اشتغال نیز علیه آنان تبعیض صورت

---

1. Tax base

2. Feedback

3. Self-employed

4. Small traders

5. Unprotected workers

6. ILO, 1999, p.9

7. Gender inequality

می‌گیرد. هدف این خط‌مشی، شناسایی نیروها یا عوامل منجر به تبعیض و نابرابری و نهایتاً هدایت و جهت‌دهی دیدگاه جنسیتی است. تعاونی‌ها سابقه‌ای بسیار خوب در توانمندسازی زنان به عنوان عضو دارند. اما این سوابق، پراکنده و منقطع است و هنوز هم تا رسیدن آن‌ها به مرحله حساس شدن به تفاوت بین جنسیت‌ها، راه‌درازی در پیش‌است. با این حال، هیچ‌شکی پیرامون سوابق خوب تعاونی‌ها و برنامه‌های اعتبارات خرد ویژه زنان وجود ندارد و ارزشمند بودن آن‌ها به عنوان شیوه‌های مستقیم توانمندسازی زنان از طریق افزایش درآمدها و نیز بالا بردن حس اعتماد به نفس و جایگاه و منزلت اجتماعی آنان در شرایط بسیار مختلف و متفاوت، به اثبات رسیده‌است. از نظر ترویج بنگاه‌های اقتصادی نیز سازمان جهانی کار سابقه‌ای بسیار طولانی و تأثیرگذار در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک خصوصی<sup>1</sup> و تعاونی‌ها داشته است. تعاونی‌ها نشان داده‌اند که شاخه بسیار مهمی از بخش بنگاه‌های کوچک اقتصادی هستند که هم ظرفیت رشد بالایی دارند، هم می‌توانند به کار کارگران فاقد پوشش حمایتی، رسمیت به بخشند و هم فرصت‌های اشتغال را افزایش و گسترش دهند. سازمان جهانی کار، هنگامی به این ظرفیت‌های تعاونی پی‌برد که تلاش می‌کرد بنگاه‌هایی را برای توسعه اقتصاد محلی ترویج کند که قادر باشند هم بخش فعالیت‌های اقتصادی کوچک خصوصی را توسعه دهند و هم تعاونی‌ها را.

سازمان جهانی کار هم‌اکنون در تلاش است تا مفاد سندهای راهبردی کاهش فقر را به سمت اهداف مندرج در چارچوب کار شرافتمندانه سوق دهد. در حال حاضر، یک پروژه آزمایشی<sup>2</sup> (پروژه پایلوت) با همکاری پنج دولت و متحدان اجتماعی<sup>3</sup> آن‌ها در دست اجرا قرار دارد که هدف آن، منظور کردن و تقویت مؤلفه‌ای در قالب قالب کار شرافتمندانه، در سندهای کشوری راهبرد کاهش فقر است. تجربیات حاصل از این برنامه، در اختیار بسیاری از کشورهایی که هم‌اکنون در حال تهیه سند راهبردی کاهش فقر هستند، قرار خواهد گرفت. طرح دیگری نیز در همین راستا به منظور اجرایی کردن<sup>4</sup> هدف کار شرافتمندانه در راهبردهای توسعه ملی سه کشور دیگر دنبال می‌شود. هم‌اکنون تلاش‌هایی برای «گسترش مبانی روشنفکرانه کار شرافتمندانه و ارتباط آن با روند کاهش فقر» در جریان است. امید می‌رود با افزایش تلاش‌های سازمان بین‌المللی کار در راستای منظور کردن مفاد برنامه کار

---

<sup>1</sup> . Private small enterprises

<sup>2</sup> . Pilot project

<sup>3</sup> . Social partners

<sup>4</sup> . Operationalizing

شرافتمندانه در هدف ناظر بر کاهش فقر، شناخت سازمان از نقشی که تعاونی‌ها می‌توانند در این زمینه ایفا کنند، بیشتر شود؛ اگرچه لازم است هنوز تلاش‌های بیشتری در این راستای صورت گیرد. در گزارش 1999 مربوط به کار شرافتمندانه عنوان شده است که سازمان جهانی کار در پی یافتن شرکا یا متحدانی برای واگذاری برنامه است و در این بین از سازمان‌های غیردولتی، تشکلهای تجاری<sup>1</sup>، اتحادیه‌های صنفی و نیز گروه‌های زنان یاد شده، اما ذکر از تعاونی‌ها به میان نیامده است<sup>2</sup>. باین حال، در گزارش آخرین کارگاه برگزار شده در خصوص "کار شرافتمندانه و کاهش فقر" آمده است که "همکاری با تعاونی‌ها، فرصت‌های بسیار زیادی به وجود می‌آورد"<sup>3</sup>. در فصل بعدی نوشتار، مورد پژوهی‌هایی ارائه شده است که ما را در شناسایی این فرصت‌ها کمک می‌کنند.

---

<sup>1</sup> . Business associations

<sup>2</sup> . ILO, 1999, p.60

<sup>3</sup> . ILO, 2002b, p.17



## فصل سوم

### مورد پژوهی‌ها در توسعه تعاون

روش مورد پژوهی (مطالعه موردی) به شرط رعایت پاره‌ای معیارها و ضوابط، می‌تواند نقش موثر و مفیدی در ترسیم رابطه بین تشکل تعاونی و کاهش فقر داشته‌باشد. البته تعاونی مورد نظر، باید از نوع واقعی و اصیل باشد؛ یعنی باید تشکلی مستقل، خودگردان و پاسخ‌گو به اعضا بوده و توسط هیأت مدیره‌ای منتخب اعضا، اداره شود. افزون بر این، اعضا باید فقیر باشند (یا حداقل هنگام پیوستن به تعاونی، فقیر بوده‌باشند) و این که تعاونی، درآمد قابل تصرف<sup>1</sup> آنان را افزایش داده باشد. مورد (تعاونی) انتخاب شده برای بررسی و پژوهش، باید بدیع و آینده‌نگر<sup>2</sup> باشد؛ به طوری که هم بتواند استعداد و ظرفیت تشکل تعاونی را نشان دهد و هم، قابل تکثیر و تکرار باشد. طبیعتاً در این بین، تعاونی‌های دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد، جایی ندارند؛ زیرا این ویژگی‌ها کار برد آنها را در شرایط و محیط‌های دیگر، محدود می‌سازد. تعاونی مورد نظر برای این منظور باید راهی ساده و صریح برای رفع نیازهای اعضا ارائه داده باشد. از این‌رو، برای تعاونی‌هایی هم که به دلیل پیچیدگی‌های خاص خود، فراتر از مهارت و تجربه کسانی هستند که قرار است آنها را نظارت و مدیریت کنند، جایی برای مورد پژوهی وجود ندارد. موردها باید تماماً دارای پایداری اقتصادی بوده و از دیگر گزینه‌های غیرتعاونی موجود، برتر و یا حداقل در حد آنها باشند. مورد پژوهی‌هایی که در پی می‌آیند، همگی چنین ملاک‌هایی را دارا هستند.

#### مورد پژوهی 1: واگذاری منازل مسکونی متروکه به اجاره نشینان در نیویورک

در نیویورک وقتی صحبت از تعاونی‌های مسکن می‌شود، شنونده بلافاصله به یاد مجتمع‌های آپارتمانی اختصاصی در مناطق شیک و مجللی می‌افتد که یک تعاونی، واحدهای مسکونی‌اش را باقیمت بسیار گزاف و خارج از استطاعت مردم عادی، به معرض فروش گذاشته است و تازه، اگر هم کسی بتواند از پس تأمین هزینه

---

<sup>1</sup> . Disposable income

<sup>2</sup> . Forward-looking

خرید یک واحد برآید، باید واجد شرایط بودن او از سوی شورا یا کمیته مدیریت تعاونی<sup>1</sup>، مورد تحقیق و تأیید قرار گیرد. این‌ها تعاونی‌ها دارای "ارزش بازاری"<sup>2</sup> هستند که سهام‌های دارای "حق تصرف"<sup>3</sup> را در بازار آزاد<sup>4</sup> به فروش می‌رسانند. اما نوع دیگری تعاونی موسوم به تعاونی با "سرمایه محدود" وجود دارد که در امر نگهداری و بازسازی منازل تعدادی از فقیرترین مردم شهر، عملکرد موفقیت آمیزی داشته است. در دهه 1960، اقداماتی در نیویورک برای مصادره هزاران ملک دارای صاحب قانونی به بهانه عدم پرداخت مالیات<sup>5</sup> آغاز شد. صاحبان املاک نیز با متروکه اعلام کردن مجتمع‌های استیجاری خود یا به آتش کشیدن آن‌ها با هدف اخذ حق بیمه، به این اقدام واکنش نشان دادند. در اواخر دهه 1960، همه ساله به طور متوسط 38 هزار واحد مسکونی، متروکه اعلام می‌شد<sup>6</sup>. دیری نپایید که ساختمان‌های خالی به تصرف ساکنان غیرمجاز<sup>7</sup> درآمد و مستأجران هم به منظور بازسازی محل سکونت خود، با تشکیل گروه و سازمان‌های مبارز، به مقابله با اوضاع برخاستند. شورای شهر در اقدامی مثبت، هر واحد استیجاری را به قیمت یک دلار در اختیار تعاونی‌های اجاره نشینی<sup>8</sup> قرار داد و برای بازسازی واحدها نیز وام‌های کم بهره<sup>9</sup> به آنان عرضه کرد. مستأجران در واحدهای اجاره‌ای خود مستقر شدند و به یادگیری مهارت‌های مهارت‌های مورد نیاز برای ساختمان سازی و بازسازی مسکن اجاره‌ای خود پرداختند و بدین ترتیب، اشتغال پذیری<sup>10</sup> خود در بازار کار محلی را افزایش دادند. بعدها نیز پروژه‌های دیگری با مساعدت مالی یک برنامه آموزش شغلی<sup>11</sup> (کارآموزی) براساس عنصر آموزش حین کار<sup>12</sup>، به اجرا درآمد.

در سال 1975، شهر نیویورک، دچار بحران مالی شدیدی شد و بیشتر برنامه‌های کمک مالی متوقف شد.

اما نهادهای دست‌اندرکار توسعه تعاونی، شکل گرفته بودند. مسکن سازان محله‌ای<sup>13</sup>، فدراسیون ویژه‌ای تشکیل

---

<sup>1</sup> . Co-op's Management Committee

<sup>2</sup> . Market value

<sup>3</sup> . Right to occupy

<sup>4</sup> . Open market

<sup>4</sup> . Limited equity

<sup>5</sup> . Lawson (undated)

<sup>6</sup> . Squatters

<sup>7</sup> . Tenant Cooperatives

<sup>8</sup> . Low- interest loan

<sup>9</sup> . Employability

<sup>10</sup> . Employment training program

<sup>11</sup> . On- The- Job Training

<sup>12</sup> . Neighborhood housing developers

<sup>13</sup> .

داده بودند و یک بنگاه توسعه تعاونی به نام "شورای کمک به تأمین مسکن شهری"<sup>1</sup>، تشکیل شده بود. اما تأمین اعتبارات به تأخیر افتاد و این امر موجبات تضعیف روحیه مردم و اختلاف و اصطکاک با پیمانکاران را فراهم آورد و اختلاف درونی<sup>2</sup> بر سر تعداد افراد دارای مسکن بدون اجاره<sup>3</sup>، بالاگرفت. اما نهضت، توقف ناپذیر ادامه داشت و شهرداری با اجرای یک برنامه مدیریت محلی، کار مدیریت مجتمع‌ها را به خود مستأجران سپرد و با دقت و تأمل بیشتری، بسترسازی برای واگذاری مالکیت واحدها به مستأجران را آغاز کرد. گروه‌های اجاره نشین، عمدتاً به سرکردگی زنان، به مبارزه با تهدیداتی جدیدی برخاستند که خانه‌هایشان را هدف قرار داده بود. یکی از این تهدیدها از جانب بیمارستان‌هایی بود که قصد داشتند واحدهای خود را به مناطق اطراف گسترش دهند. یکی دیگر از تهدیدها، درخواست صاحبان اراضی برای تخلیه منازل بود تا با رفع محدودیت‌های اعمال شده، آن‌ها را با نرخ بالاتر به افراد پردرآمدتر اجاره دهند. نتیجه آن شد که اکنون افزون بر 27 هزار خانوار در خانه‌های استیجاری تعاونی‌های کم درآمد زندگی می‌کنند. این واگذاری‌ها 25 سال است که ادامه دارد. شورای کمک به تأمین مسکن شهری، ضمن رسیدگی به امور بیش از 1300 ساختمان، نسبت به تأمین کمک‌های فنی<sup>4</sup>، کلاس‌های آموزش مدیریت<sup>5</sup> و برنامه‌های کمک اضطراری<sup>6</sup>، اقدام می‌کنند و اخیراً نیز اعتباراتی را در قالب وام بلاعوض از سوی یک بنگاه فدرال به منظور ارائه آموزش‌های برق‌کشی و تعمیر رایانه به مستأجرانی که درآمد اکثر آنان زیر 1500 دلار در سال است، جذب کرده است. این کار موجب توسعه مهارت‌های شغلی، اعتماد به نفس و فعالیت‌های شهروندی اجاره‌نشینان می‌شود. سران تعاونی‌ها، گروه‌هایی را در قالب شبکه‌های محله<sup>7</sup>، تشکیل داده‌اند که در زمینه اموری چون جلوگیری از جرم و جنایت، نظافت پارک‌ها و غیره و نیز تشکیل تعاونی‌های سوخت‌رسانی<sup>8</sup>، به منظور تأمین سوخت مورد نیاز اعضا به قیمت ارزانتر، فعالیت می‌کنند. ائتلافی نیز از مدیران و رؤسای تعاونی‌های سطح شهر ایجاد شده که فعالیت در عرصه سیاسی را آغاز کرده است.

---

<sup>1</sup> . Vrbn Hemestead Assistance Board (VHAB)

<sup>2</sup> . Internal disagreements

<sup>3</sup> . Sweat equity

<sup>4</sup> . Technical Assistance

<sup>5</sup> . Management Training Class 3a

<sup>6</sup> . Emergency Support Programs

<sup>7</sup> . Neighborhood Networks

<sup>8</sup> . Fuel Cooperatives

مطالعه‌ای به تازگی نشان داده است که مشارکت ساکنان، هزینه‌های عملیاتی<sup>1</sup> را در مقایسه با دیگر اشکال منازل مسکونی، کاهش می‌دهد. این کار منافع و فواید نامحسوس<sup>2</sup> دیگری نیز در بر دارد که از آن جمله می‌توان توانمندسازی افراد کم درآمد، افزایش حضور مشارکت در عرصه فعالیت‌های شهروندی، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش فرصت‌های شغلی و نیز افزایش شانس انباشت مقداری سرمایه و دارایی را نام برد.<sup>3</sup> آمار و ارقام خیره‌کننده‌ای در این زمینه وجود دارد. میانگین درآمد یک ساختمان متعلق به شهرداری<sup>4</sup>، 9 هزار و 709 دلار است است که این مبلغ پس از «اجرای طرح اجاره موقت به مستأجر»<sup>5</sup>، به بالغ بر 11 هزار و 948 دلار رسیده است و وقتی ساختمان در اختیار یک تعاونی اجاره نشی قرار گیرد، این رقم به 14 هزار و 782 دلار می‌رسد. علت این امر آن نیست که مستأجران پردرآمدتری جای مستأجران اولیه را گرفته‌اند، بلکه دوران سکونت مستأجران در تعاونی‌ها، طولانی‌تر است. تحرک اقتصادی صعودی<sup>6</sup>، تنها توجیه این قضیه است. بدین معنا که درآمد ساکنان در خلال اجرای برنامه، احتمالاً بر اثر کسب تجربه و مهارت و در نتیجه، احتمال افزایش اشتغال‌پذیری، بیشتر می‌شود. در تعاونی، هزینه‌های مسکن آنان نیز پایین می‌آید؛ به طوری که میانگین پرداختی ماهیانه اعضا در قبال مسکن، فقط 325 دلار است. این امر بدان معنی است که درآمد قابل تصرف آن‌ها افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، شانس آن‌ها برای راه‌اندازی مثلاً یک کسب و کار کوچک، بیشتر می‌شود.<sup>7</sup>

## بحث و تفسیر

این نوع تعاونی در دیگر نقاط ایالات متحده نیز در حال گسترش است. هم‌اکنون یک تعاونی در نیوجرسی نیز تشکیل شده است. در بسیاری از کشورها و مشخصاً در آلمان، نروژ و اسکاتلند، واگذاری اماکن مسکونی دولتی به تعاونی‌ها موجب جذب سرمایه‌های جدید چه در بخش بازسازی مسکن و زیر ساخت فیزیکی و چه در امر سرمایه اجتماعی شده است که لازمه فعال نگهداشتن بخش مسکن در مناطق پر تراکم و کم درآمد به شمار می‌آید. کارشناسان توسعه تعاونی‌های نیویورک در شورای کمک به تأمین مسکن شهری، اخیراً راینی‌هایی

1. Operating costs

2. Intangible benefits

3. Saegertand Winkel, 2000

4. City-owned building

5. Tenant Interim Lease Scheme

6. Upward economic mobility

7. وب سایت شورای کمک به تأمین مسکن شهری (UHAB)؛ بخش آمار و ارقام

در قالب توصیه با کارشناسان مسکن روسیه به عمل آورده‌اند. این کار به منظور حل مشکلات عظیم ناشی از ضعف مدیریت در امر تعمیر و نگهداری مجتمع‌های آپارتمانی به جای مانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق صورت گرفته است. در دوران حاکمیت رژیم‌های کمونیستی در کشورهای جامعه همسود<sup>1</sup> (جامعه مشترک المنافع) و در اروپای مرکزی و شرقی، نظام مسکن سازی مبتنی بر مسکن دولتی، با محوریت رفع نیازهای مسکن کارگران تشکل‌های اقتصادی بود. این کار با مساعدت تعاونی‌هایی که قادر به جذب پس‌اندازهای کارگران بودند، صورت می‌گرفت. این تعاونی‌ها، مستقل و خودگردان نبودند و غالباً معلوم نبود چه کسی مسؤولیت نگهداری و مدیریت آن‌ها را بر عهده دارد. سیاست اجاره بهای پایین و غیراقتصادی<sup>2</sup> موجب می‌شد که کار تعمیر و نگهداری با تأخیر زیاد انجام شود؛ چرا که مجموعه نظام، قادر به تولید اعتبارات یا وجوه کافی برای نگهداری آن همه مسکن نبود. اگر چه بحران مسکن، دلایل مختلف و متفاوتی دارد، اما نیازها یکی است و لازم است راه‌حل‌هایی هم برای واگذاری مجتمع‌های مسکونی به مستأجران به عنوان صاحبان تعاونی در نظر گرفته شود.

این نوع راه‌حل برای رفع مشکل مسکن، تا چه حد در کشورهای در حال توسعه قابلیت کاربرد دارد؟ یک مؤسسه تأمین مسکن تعاونی<sup>3</sup> در آفریقای جنوبی به نام «کوپه»<sup>4</sup> در حال تجربه کردن این راه‌حل است. این بنگاه در سال 1997، اقداماتی را برای تبدیل شدن از یک سازمان غیردولتی مبتنی بر وجوه اعانه‌ای<sup>5</sup> به یک کانون تأمین مسکن عضو محور<sup>6</sup>، که دارای ساختاری مشابه تعاونی‌های مسکن در نیویورک است، آغاز کرد. شرایط حاکم بر این دو نیز یکسان است. در ژوهانسبورگ (پایتخت آفریقای جنوبی) نیز هزاران نفر در تعدادی مجتمع آپارتمانی زندگی می‌کنند که از سوی مالکان، متروکه اعلام شده‌اند. کوپه، همانند شورای کمک به تأمین مسکن شهری در نیویورک، به مستأجران کمک می‌کند خود را ساماندهی کنند؛ از حق مالکیت موقت بر ساختمان مسکونی خود بهره‌مند شوند؛ آن‌ها را بازسازی نمایند و کار مدیریت و تعمیر و نگهداری مستمر آن‌ها را شخصاً بر عهده گیرند. تاکنون 124 مستأجر ساکن در سه مجتمع آپارتمانی توانسته‌اند با مساعدت «کوپه»، نسبت به خرید مسکن‌های

---

<sup>1</sup> . CIS Countries

<sup>2</sup> . Low, non-economic rent

<sup>3</sup> . Mutual housing agency

<sup>4</sup> . COPE

<sup>5</sup> . Donor-funded NGO

<sup>6</sup> . Member-based housing association

خود به صورت مشترک، اقدام نمایند. "کوپه" در تلاش است، تعاونی‌های مسکن جدیدی تشکیل دهد و به زودی مدیریت حدود 1100 واحد مسکونی را بر عهده خواهد گرفت. این گونه طرح‌ها بدون شک، نتایج و منافی مشابه تعاونی‌های مسکن در نیویورک خواهند داشت و به ویژه زندگی را برای زنان در بخش فقیرنشین مرکز شهر، امن‌تر خواهند کرد.<sup>1</sup> پرسش مهم در این خصوص آن است که آیا افراد کم درآمد هم از پس تأمین هزینه خانه‌هایی که در قالب این گونه طرح‌ها تهیه می‌شود، بر می‌آیند. این در حالی است که مؤسسه "کوپه"، بیشتر از والدین مجرد جانبداری می‌کند و به همین دلیل، سرپرستی افزون بر نیمی از خانوارهایی که در منازل مسکونی این مؤسسه زندگی می‌کنند، بر عهده زنان است. طرح نوسازی این مؤسسه با جذب یک یارانه دولتی توانسته است خانوارهای کم درآمدی را که درآمدشان حتی به یک هزار راند<sup>2</sup> در ماه هم نمی‌رسد، برای استفاده از امکانات مؤسسه، واجد شرایط سازد. از سوی دیگر، اعضا برای این‌که بتوانند از طرح‌های جدید خانه‌سازی بهره‌مند شوند، باید حداقل بین 1200 تا 3500 راند یعنی به طور میانگین معادل 2800 راند، درآمد داشته باشند. این امر بدان معنی است که طرح‌های خانه‌سازی تعاونی برای فقرا نیست، بلکه برای افراد کم درآمدتر و میان درآمدی<sup>3</sup> است که دارای درآمد ثابت و منظمی هستند.<sup>4</sup> یعنی، این طرح‌ها برای افراد کم درآمدند، نه برای مردمان خیلی فقیر. این در حالی است که تثبیت درآمدها در چارچوب طرح تأمین مسکن در مناطق مناسب مرکز شهر، وضعیت مالی خانوارهای کم درآمد را نیز تثبیت می‌کند و چنین امری "غالباً بدان معنا است که آن‌ها پول بیشتری در اختیار خواهند داشت تا بتوانند دیگر اعضای خانواده را که حتی از خودشان هم فقیرترند و در مناطق حاشیه‌ای و دور افتاده زندگی می‌کنند، در آن سهم و شریک سازند."<sup>5</sup>

این نوع مسکن تعاونی، تا چه اندازه با وضعیت فقرا، متناسب و سنخیت دارد؟ هم‌اکنون افزون بر یک میلیارد انسان در جهان، فاقد سرپناه مناسب هستند. بیش از یک سوم جمعیت افریقا در مسکن‌های بسیار نامناسب، گذران زندگی می‌کنند. در سال 1996، دولت به منظور حل این مشکل، طرحی را در قالب "دستور کار زیستگاه"<sup>6</sup>

---

1. Pinsky, 2001

2. Rand (واحد پول افریقای جنوبی)

3. Middle income

4. Munkner, 2001, Case Study

5. Pinsky, 2001, p. 28

6. Habitat Agenda

به اجرا در آورد. مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل<sup>1</sup> (موسوم به زیستگاه<sup>2</sup>)، ضمن اذعان به نقش بسیار مهم جنبش تعاونی در کمک به حل این معضل، ظرفیت و استعداد بالا برای گسترش نقش تعاونی‌ها در شرق و جنوب افریقا را مورد تأیید و تأکید قرار داده است.<sup>3</sup> لیکن، این احتمال وجود دارد که الگوی همیشگی تعاونی (که در آن، اعضا سرمایه انفرادی محدودی دارند، بخش اعظم سرمایه مشترک اعضا در اختیار تعاونی است و ماهانه حق‌الزحمه‌ای به اعضای کادر مدیریت پرداخت می‌شود)، تأثیر کمتری در مقایسه با راه‌حل‌های ساده‌تر، بر روند مسکن‌دار شدن خانوارهای خیلی فقیر داشته باشد. تعاونی‌های خانه‌سازی<sup>4</sup> به منظور کاهش هزینه احداث منازل مسکونی برای خانوارهای انفرادی که بعدها مالکان انفرادی می‌شوند، از کار جمعی و گروهی<sup>5</sup> استفاده می‌کنند. تشکیل تراست‌ها یا اتحادیه‌های اراضی مشاع<sup>6</sup> می‌تواند روشی مناسب برای تضمین مالکیت جمعی یا اشتراکی<sup>7</sup> از سوی ساکنان باشد و این در حالی است که هر کدام از مالکان می‌توانند رأساً نسبت به بهسازی منازل مسکونی خود اقدام نمایند. تأمین زیرساخت‌هایی مانند آب سالم، راه‌سازی و بهداشت به صورت جمعی و گروهی در سکونتگاه‌های غیررسمی، به ساکنان این امکان را می‌دهد که ضمن اعمال مالکیت فردی بر محل مسکونی خود، همگی با هم محیط شایسته و مناسبی برای زندگی خود فراهم آورند.

---

<sup>1</sup> . UN Centre For Human Settlement

<sup>2</sup> . Habitat

<sup>3</sup> . UN Centre For Human Settlement

<sup>4</sup> . House-Building Cooperatives

<sup>5</sup> . Collective action

<sup>6</sup> . Community land trust

<sup>7</sup> . Collective tenure

## مورد پژوهی 2: تعاونی‌های لبنیات در بنگلادش

بنگلادش، سرزمین کشاورزان کوچکی است که غالباً زیر خط فقر<sup>1</sup> یا روی خط فقر<sup>2</sup> زندگی می‌کنند و مدام در معرض سیلاب‌های رودخانه و مصب‌هایی قرار دارند که در سرتاسر دشت‌های سیلابی پست و کم ارتفاع، اما حاصل خیز، جاری‌اند. یکی از راه‌های افزایش درآمد آنان، روی آوردن به تنوع محصولات زراعی، به ویژه محصولاتی است که درآمد نقدی مستمری تولید می‌کنند. لبنیات‌سازی، از این حیث، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا محصولات روزانه‌ای مانند شیر و فراورده‌های آن همچون پنیر و ماست تولید می‌کند که بازار فروش داغ و همیشه حاضری دارند. دامداری، هم نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه<sup>3</sup> بالایی دارد و هم نیازمند خدمات دامپزشکی برای حفظ و استمرار روند کار است. اما نهاده‌های زراعی<sup>4</sup> آن، گران نیست و بهره‌برداری از علف‌زارها هم غالباً نیاز به فناوری‌های سطح پایینی دارد که اکثراً مواد اولیه آن‌ها، ضایعات یا فضولات خود دام‌ها و حیوانات، است. این کار، مزایای افزوده‌ای<sup>5</sup> دارد که در شرایط فقر مطلق، بسیار حایز اهمیت است. مثلاً اعضای خانواده‌های خود کشاورزان هم می‌توانند شیر تازه مصرف کنند که این امر موجبات حفظ سلامت فرزندان آنان را فراهم می‌آورد.

با این حال، شیر به نوبه خود، معایبی نیز دارد. شیر ماده‌ای است فسادپذیر که حمل و نقل آن کار دشواری است. نیاز به امکانات و ابزارهای کافی برای جمع‌آوری مقادیر کم شیر از تعداد زیادی مزرعه، از یک سو و توزیع آن به شیوه کارآمد و مؤثر در مناطق شهری، از سوی دیگر، هزینه جمع‌آوری و توزیع شیر را بالا می‌برد. برای رفع این مشکل، اغلب تجار خصوصی که در امر تولید لبنیات سرمایه‌گذاری می‌نمایند، بخشی از شیر تولیدی را به محصولاتی تبدیل می‌کنند که هم فسادپذیری کمتری دارند و هم دارای ارزش افزوده بیشتری هستند. این کار آن‌ها را در جایگاه انحصاری خاصی قرار می‌دهد که به راحتی قادر به بهره‌کشی از کشاورزان می‌شوند. وقتی توزیع کنندگان قادر باشند هم قیمت‌ها را به دلخواه خود، ثابت نگهدارند و هم به کشاورزان در روزهای تنگدستی و یا هنگام خرید نهاده‌های مورد نیاز، وام‌های با نرخ بهره بالا بدهند، اوضاع بسیار مایوس‌کننده می‌شود. در چنین

---

<sup>1</sup> . Below poverty line

<sup>2</sup> . On the poverty line

<sup>3</sup> . Initial investment

<sup>4</sup> . Farm inputs

<sup>5</sup> . Added advantages



شرایطی، فقط همکاری میان خود کشاورزان در قالب تعاونی‌های لبنیات و یا وجود یک مجموعه تشکیلات دولتی تولید و بازاریابی لبنیات است که می‌تواند آنان را برای درهم شکستن تله فقر<sup>1</sup>، یاری دهد.

دولت بنگلادش، اندکی پس از کسب استقلال این کشور در سال 1974، اتحادیه تولید شیر تعاونی بنگلادش<sup>2</sup> را در قالب بخشی از برنامه توسعه لبنیات تعاونی، با مساعدت‌های فنی و مالی برنامه توسعه ملل متحد و سازمان جهانی خواربار و کشاورزی و نیز با کمک‌های غیرنقدی بنگاه کمک‌های توسعه‌ای دانمارک (دانیدا)<sup>3</sup> راه‌اندازی کرد. هدف خط‌مشی بلندمدت این اتحادیه، افزایش درآمد کشاورزان کوچک و فقیر مناطق روستایی تقریباً دور افتاده از طریق اعطای یارانه‌های کشاورزی، تقویت خدمات حمایتی از توسعه دام و نیز حصول اطمینان از تأمین شیر بهداشتی برای جمعیت‌های شهری بود.<sup>4</sup> این اتحادیه تعاونی که با نام تجاری آن، یعنی "میلک وایتا"<sup>5</sup> شناخته می‌شد، خدمات مورد نیاز برای تولید، فراوری و توزیع شیر و نیز مجموعه کاملی از خدمات پشتیبانی فنی<sup>6</sup> را، از توسعه نهادی طرح‌های تعاونی و اعتباری در سطح محلی گرفته تا ساماندهی روند توزیع شیر در مراکز مراکز شهری، عرضه می‌کرد. به عبارت دیگر، اتحادیه "میلک وایتا" زنجیر انحصار از سوی خریداران را در هم شکست و تولید شیر را به میزان چشمگیری در شمال شرق بنگلادش، گسترش داد. دیری نپایید که این اتحادیه به بزرگترین تأمین کننده شیر تازه و فراورده‌های لبنی نظیر کره و ماست برای داکا پایتخت بنگلادش تبدیل گردید. اما خود این تشکیلات که در هر دو سر طیف زنجیره تولید، یعنی پرورش دام و توزیع شیر در مناطق شهری، شعبات تعاونی تشکیل داده بود، توسط کارکنان دولتی اداره می‌شد که پاسخ‌گوی دولت بودند نه کشاورزان. ارزان فروشی شیر خشک وارداتی نیز تأثیر منفی بر بازار داشت. به همین دلیل، دخل و خرج "میلک وایتا" سر به سر بود و زمانی که نوبت حساب و کتاب استهلاک و پرداخت بهره وام فرا رسید، به شدت متضرر و نیازمند کمک‌های یارانه‌ای گردید.

---

1 . Poverty trap

2 . Bangladesh Cooperative Milk Producers Union

3 . DANIDA

4 . FAO,2001

5 . Milk Vita

6 . Technical support services

در سال 1991، دولت پای خود را از دخالت در امور اتحادیه بیرون کشید و اداره آن را به هیأتی مستقل از مدیران تعاونی‌ها سپرد که عمدتاً از سوی 390 شرکت تعاونی شیر روستایی و یک گروه از مدیران حرفه‌ای تازه منصوب شده، انتخاب گردیده بودند.

تبدیل "میلک وایتا" به یک تعاونی اصیل کشاورز - مالک،<sup>1</sup> کاری دشوار بود که پای بندی بی‌وقفه فائو به آموزش کادر مدیریت و ارائه کمک‌های فنی در زمینه‌های بهداشت دام، فراوری و بازاریابی محصولات و نیز مساعدت‌های مستمر دانید، روند آن را تسهیل کرد و طولی نکشید که "میلک وایتا" به سود دهی رسید. حرکت به سمت رویکردی تجاری‌تر به موازات افزایش ظرفیت تولید شیر و کاهش شدید واردات شیرخشک، در این راستا بسیار مؤثر بودند. از دل جریانی آرام که با عضویت فقط 4 هزار و 300 خانوار بسیار فقیر خوش‌نشین آغاز شد، اینک یک "بنگاه اقتصادی موفق در عرصه تولید تجاری لبنیات"<sup>2</sup> سر از منصفه ظهور برون آورده است. در سال 1999، حدود 4 هزار کشاورز عضو، درآمدی معادل 3/9 میلیون دلار امریکا از محل فروش 30 میلیون لیتر شیر، کسب کردند.<sup>3</sup> میلک وایتا قصد دارد فعالیت خود را به چهار نقطه جدید در بنگلادش که هنوز تولید شیر را در مقیاس خرد و به روش سنتی انجام می‌دهند، گسترش دهد.

شواهد انکار ناپذیری مبنی بر کاهش فقر در میان اعضای جوامع تحت پوشش، به چشم می‌خورد درآمد کشاورزان، ده برابر شده است و وضع درآمدی خانوارهای حدود 300 هزار نفر (شامل اعضای خانواده) را به بالای خط فقر، منتقل کرده است. بازدهی حاصل از عملیات زراعی، به نقطه‌ای مطمئن و پایدار رسیده است. افزون بر این، درآمد بسیاری از خانوارها از محل تولید شیر، در اختیار زنان قرار می‌گیرد که تأثیر مستقیمی بر تغذیه و امنیت غذایی خانوارها از خود بر جای گذاشته است. پس اندازه‌های حاصل از محل فروش شیر، آسیب‌پذیری خانوارها را در مقابل سیلاب‌های مخرب، به شدت کاهش داده است و فقط از روند توزیع شیر، بالغ بر 2 هزار و 200 فرصت شغلی در مناطق شهری ایجاد شده است. (شامل 1200 کارمند شاغل در شرکت‌های تعاونی، 300

---

<sup>1</sup> . Farmer-owned

<sup>2</sup> . FAO,2001,"Impact of the Project" Section

<sup>3</sup> . FAO,2002

کارگر گاری کش تانکر شیر و 700 مستخدم شاغل در 5 کارخانه لبنیات سازی و دفتر مرکزی شرکت). علاوه بر این، مصرف کنندگان شهری از وجود محصولات لبنی سالم و پاستوریزه، بهره می‌برند.<sup>1</sup>

با این حال، هنوز هستند کسانی که حتی از کشاورزان عضو میلک‌وایتا هم فقیرترند. مردمان عشایر و قبایل خوش‌نشین که با درآمدی حدود 20 سنت (1/5 دلار) در روز گذران زندگی می‌کردند، سودی از نظام تعاونی لبنیات، عایدشان نشد. بنیاد امور شیلات و دام‌گرامین<sup>2</sup>، به عنوان تشکیلات وابسته به گرامین بانک<sup>3</sup>، فعالیت خود را با کمک به همین خوش‌نشینان<sup>4</sup> برای کسب درآمد از طریق پرورش ماهی آغاز کرد. سپس بایک کمک 3 میلیون دلاری از سوی برنامه توسعه ملل متحد و با مساعدت‌های فنی فائو، نسبت به آموزش گروه‌های بهره‌بردار<sup>5</sup> و تأمین خدمات دامپزشکی و به نژادی مورد نیاز، با تبعیت از الگوی میلک‌وایتا، اقدام نمود. اکنون قریب 4 هزار روستایی، فعالیت خود را برای کسب درآمد از طریق گاوداری آغاز کرده‌اند. این عده که در قالب 880 گروه، ساماندهی شده‌اند، وام‌هایی از طریق طرح‌های اعتبارات خرد برای خرید دام، دریافت کرده‌اند<sup>6</sup>. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که با ارائه کمک‌های فنی درست، حتی فقیرترین جوامع روستایی رانیز می‌توان از مزایا و منافع تعاون در عرصه کشاورزی بهره‌مند ساخت.

## بحث و تفسیر

الگوی تعاونی لبنیات، به راحتی قابل تکثیر و الگوبرداری<sup>7</sup> است. تجربه بنگلادش در واقع، برگرفته از تجربه تعاونی‌های هند بود که در سال 1949 آغاز به کار کرده بودند. در دهه 1970، تعاونی‌ها از سوی دولت در اولویت قرار گرفتند؛ به طوری که تا اواخر دهه 1980، مبلغی افزون بر 500 میلیون دلار وام از سوی بانک جهانی برای توسعه صنایع شیر از طریق تعاونی‌ها اختصاص یافت. برخلاف بسیاری از پروژه‌های دولت-یار<sup>8</sup> در دیگر کشورهای در حال توسعه، هدف این پروژه، ترویج تشکل‌های تعاونی پایدار بود که مالکیت و مدیریت آن‌ها با

1. FAO, 2002

2. Grameen Fisheries and Livestock Foundation

3. Grameen Bank

4. Landless People

5. User groups

6. FAO, 2002b

7. Replicable

8. Government – backed projects

خود تولید کنندگان باشد<sup>1</sup>. نتایج حاصله، شگفت‌آور بوده است؛ یعنی تشکیل یک فدراسیون ملی متشکل از 70 هزار تعاونی روستایی تولید شیر با افزون بر 9 میلیون عضو. آن‌ها با تولید روزانه 13 میلیون لیتر شیر، سالانه به ازای هر خانوار مبلغی معادل 90 دلار، مزاد درآمد تولید می‌کنند و حدود 250 هزار فرصت شغلی خارج از مزرعه را به مجموعه مشاغل بخش اقتصاد روستایی اضافه کرده‌اند. وفور شیر، کیفیت رژیم غذایی شهرنشینان را بهبود بخشیده است؛ به طوری که مصرف سرانه شیر نسبت به گذشته، تقریباً دو برابر شده است. از آنجایی که حدود 60 درصد تولیدکنندگان شیر را کشاورزان خوش‌نشین، کوچک و حاشیه‌ای<sup>2</sup> تشکیل می‌دهند، این روند توسعه تعاون نیز نشان داده است که در راستای کاهش فقر عمل می‌کند. نمونه دیگر، کشور نپال است که پس از گذشت حدود 40 سال از تشکیل شبه تعاونی‌های<sup>3</sup> تحت حمایت دولت، تصویب قانون جدید تعاون، زمینه را برای شکل‌گیری یک جنبش تعاونی واقعی و اصیل، فراهم آورده است. تعداد تعاونی‌های لبنیات، از 4 واحد در 1991 به 661 واحد تعاونی، با 9 اتحادیه ناحیه‌ای و یک اتحادیه مرکزی<sup>4</sup> رسیده است.

---

<sup>1</sup> . World Bank, 2001b  
<sup>2</sup> . Marginal farmers  
<sup>3</sup> . Pseudo-zooperatives  
<sup>4</sup> . Central Union

### مورد پژوهی 3: تعاونی‌های گردشگری کشاورزی زنان در یونان

در بیشتر نقاط جهان، کارهای کشت و زرع عمدتاً به شکل خانوادگی انجام می‌شود و فقط در صورت نیاز، از کارگران دستمزدی به عنوان مکمل استفاده می‌شود. غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط کشاورزی بر اثر نوسانات شدید آب و هوایی، هجوم آفات و حشرات، نوسان قیمت‌ها در بازار و امثال این‌ها، موجب وابستگی شدید خانواده‌ها به هم در قالب شبکه‌های خویشاوندی<sup>1</sup> شده است. تشکل در قالب شبکه خانوادگی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در زمان‌های پرکاری، نیروی کار خود را با هم جمع کنند و حتی از فرزندان کم سن و سال هم برای بار آوردن محصول و یا کمک به بزرگترها در زایمان حیوانات، استفاده کنند. غالباً تلاش‌های جمعی آنان هم برایشان آن‌چنان درآمدی تولید نمی‌کند که بتوانند خود را به بالای خط فقر برسانند و وقتی هم که قادر به انجام چنین کاری باشند، مردان باید شغل دیگری در خارج از مزرعه برای خود دست و پا کنند. زنان هم معمولاً با انجام کارها و فعالیت‌های معیشتی، مانند تبدیل مواد خام به محصولات قابل مصرف<sup>2</sup> و گاهی هم در صورت امکان انجام کار مزدگیری<sup>3</sup>، سعی می‌کنند نقشی در تکمیل درآمد خانواده داشته باشند. به طور کلی، زنان دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی نازلی هستند و استقلال عمل لازم را برای کسب درآمد شخصی در اختیار ندارند. این امر در مورد کشاورزان خوش‌نشین هم صدق می‌کند. آنان ناچارند به عنوان کارگر فصلی برای کشاورزان دیگر کار کنند یا به عنوان نیروی کار مکمل، روی هر زمین مشاعی که در اختیارشان قرار می‌گیرد به کار بپردازند و از طریق هر منبع اشتغال دیگری، امرار معاش نمایند.

در بسیاری کشورها، اعم از در حال توسعه و توسعه یافته، ترکیب نیروهای حاکم بر بازار و سیاست‌های دولت، موجبات تضعیف و حاشیه‌نشینی مناطق روستایی و تشدید روند مهاجرت از روستا به شهر را فراهم آورده است. رشد سریع و بی‌رویه کلان شهرها، منجر به بازنگری در سیاست‌های عمومی و در نتیجه، توجه به توسعه مناطق روستایی شده است. اگر چه مردمان فقیر در هر دو نوع کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارند، اما مشکلات و مسائل آن‌ها کاملاً متفاوت است. مسأله در کشورهای در حال توسعه، وجود فقر مطلق است.

---

<sup>1</sup> . Kinship networks

<sup>2</sup> . Usable products

<sup>3</sup> . Paid work

حدود 60 درصد مردمان کشورهای کمتر توسعه یافته<sup>1</sup>، زیر خط فقر به سر می‌برند. اما در کشورهای توسعه یافته، فقر جنبه نسبی دارد و به کسانی فقیر اتلاق می‌شود که عایدی آن‌ها زیر 50 درصد میانگین درآمد سرانه، باشد. فقر روستایی، جنبه محلی<sup>2</sup> و عمدتاً مشهود<sup>3</sup> دارد. کشاورزان کشورهای توسعه یافته از طریق یارانه‌های دولتی و تعرفه‌های وارداتی، حمایت می‌شوند (اگر چه این کمک‌ها نسبت به گذشته به مراتب کمتر شده است) و در مقام مقایسه با کشاورزان کشورهای در حال توسعه، از سازماندهی بسیار بهتری در قالب تشکل‌های تعاونی کشاورزی سود می‌برند. با این وصف، قیمت‌های واقعی محصولات کشاورزی طی 25 سال گذشته، به نصف رسیده و درآمدهای کشاورزی نیز ثبات گذشته خود را از دست داده است. وابستگی درآمدهای زراعی به فعالیت‌های خارج از مزرعه و فعالیت‌های زراعی، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. برای نمونه در ژاپن دهه 1950، بالغ بر 60 درصد درآمد خانوار از طریق فعالیت در مزرعه حاصل می‌شد؛ در حالی که این رقم در سال 1992 به 16 درصد رسیده بود. در ایالات متحده آمریکا این رقم از 39 درصد در سال 1984 به 15 درصد در سال 1992 کاهش یافته بود.<sup>4</sup>

از این رو، یکی از راه‌های افزایش درآمد روستاییان، ترویج تنوع بخشی به فعالیت‌های روستایی و روی آوردن خانوارهای روستایی به چند فعالیتی<sup>5</sup> شدن (فعالیت چند جانبه) است.<sup>6</sup> در یونان دهه 1980، توجه به نقش زنان روستایی در فرایند تولید و احیای نقش‌های سنتی آنان، به یکی از اهداف سیاست‌های عمومی دولت تبدیل گردید. ابزار تحقق این هدف نیز چیزی جز تعاونی‌ها نبود. در سال 1982، زنان مجاز شدند به شرط عضویت همسرانشان در تعاونی‌های کشاورزی، به عضویت تعاونی در آیند. در سال 1985، نهایتاً برابری آنان با مردان در این زمینه به تصویب رسید، اما کماکان در حاشیه قرار داشتند. چاره کار، تشکیل تعاونی‌های ویژه زنان بود.

تنها چیزی که برای این منظور نیاز داشتند، انجام فعالیت‌های خرد مقیاس<sup>7</sup> بر پایه مهارت‌های موجود و وجود یک سرمایه حداقلی (سرمایه کمینه)<sup>8</sup> بود. دبیرخانه مجمع برابرسازی و تعدادی از دیگر بنگاه‌های دولتی<sup>9</sup>

---

<sup>1</sup> . Least-developed countries

<sup>2</sup> . Localized

<sup>3</sup> . Invisible

<sup>4</sup> . IFAP, 1998

<sup>5</sup> . Pluri-activity

<sup>6</sup> . Giagou and apostolopoulos, 1996

<sup>7</sup> . Small-scale activities

<sup>8</sup> . Minimal capital

<sup>9</sup> . Public agencies

(عمومی)، بهترین راه کار را گردشگری کشاورزی (زراعت گردی) از طریق تأمین اقامتگاه برای گردشگران، تهیه غذاهای سنتی و فروش محصولات کشاورزی و صنایع دستی محلی، تشخیص دادند. نخستین تعاونی به سال 1984 در پترا واقع در لسووس<sup>1</sup> تشکیل گردید که تأسیس پنج تعاونی دیگر را به دنبال داشت. اعضای تعاونی ها، از گردشگران در خانه های روستایی یا کلبه های واقع در مزارع<sup>2</sup> (کلبه های مزرعه ای) پذیرایی می کردند؛ ولی یکی از تعاونی ها، مهمانسرا، دیگری هتل کوچک و یکی دیگر، رستورانی برای پذیرایی از گردشگران به راه انداختند. اعضای این تعاونی ها بین 12 تا 35 نفر بود. در سال 1996، پژوهشگران اعلام کردند که روند رو به توسعه تعاونی ها به دلیل حرفه ای نبودن زنان، فقدان پشتیبانی سازمانی و نبود تشکیلاتی مرکزی برای دفاع از حق و حقوق آنان، متوقف شده است. اما در پشت تمامی این دلایل ظاهراً آشکار، یک دلیل عمده وجود داشت و آن، ماهیت و ساختار "بالا به پایین"<sup>3</sup> پروژه ها بود؛ چرا که ظرفیت و استعداد اعضا در چنین ساختاری، آن چنان که باید و شاید، شکوفا نمی شود.

مطالعه ژرف نگر<sup>4</sup> و همه جانبه تعاونی پترا نشان داد که زنان عمدتاً با امید به کسب درآمد کمکی و مکمل<sup>5</sup>، به این کار علاقه نشان داده بودند. به همین دلیل، آموزش هایی در زمینه امور دفتر داری و مدیریت مالی به آنان عرضه شد و در همان بدو امر، کمک های زیادی از سوی بنگاه های دولتی در اختیارشان قرار گرفت. تعاونی به آنان کمک کرده است خود را تا حدودی از دست وابستگی کامل به درآمدهای همسرانشان رها سازند، توانایی لازم را برای تبدیل ارزش های مصرفی<sup>6</sup> به ارزش های مبادله ای<sup>7</sup> به دست آورند و موجب توسعه بیشتر گردشگری گردشگری در روستاهای خود شوند. تناقض قضیه آن است که در یونان هنوز شناخت چندانی نسبت به ماهیت و هویت تعاونی<sup>8</sup> وجود ندارد. در سال 2000، هفتاد و چهار تعاونی زنان با حدود 1000 عضو در یونان به ثبت رسیده بود و 7 تعاونی دیگر نیز در حال تأسیس و طی مراحل ثبت بودند. فقط 10 تعاونی از کل این جمع، جنبه زراعت گردی داشتند که در مجموع با ظرفیت 660 تخت خواب، آمادگی لازم را برای پذیرایی از گردشگران دارا

---

1 . Petra on lesvos

2 . Farmhouses

3 . Top-down

4 . In-depth study

5 . Supplementary income

6 . Use values

7 . Exchange values

8 . Cooperative identity

بودند<sup>1</sup>. بقیه تعاونی‌ها عمدتاً در زمینه صنایع کوچک خانگی<sup>2</sup> و صنایع دستی فعالیت می‌کردند. به طور کلی، چیزی چیزی کمتر از 10 درصد کل خانوارهای روستایی دارای زنان چند فعالیتی هستند؛ در حالی که این رقم برای مردان، در حدود 30 درصد است. طی مطالعه‌ای در مورد زنان، این پرسش از آنان مطرح شد که تا چه اندازه از شرایط خودشان راضی هستند. فقط 7 درصد از وضع خود راضی بودند؛ در حالی که 40 درصد، اظهار نارضایتی می‌کردند. هنوز هم تا رسیدن به مرحله برقراری توازن بین زنان و مردان در حوزه فرصت‌های اشتغال دستمزدی، راه درازی در پیش است. در حال حاضر، تعاونی‌ها با دو مشکل اساسی، یعنی بازاریابی محصولات<sup>3</sup> و مسائل و مشکلات مالی روبه‌رو هستند. فعالیت تعاونی‌ها با توجه به مدت زمانی که صرف می‌کنند، چندان سودآور نیست. پیدا کردن مشتری برای فروش صنایع دستی تولیدی و دیگر محصولات زراعی، کار دشواری به نظر می‌رسد. مطالعه مذکور نشان داد که نه تنها بعید به نظر می‌رسد دختران این زنان، راه مادران خود را پیش بگیرند، بلکه احتمال می‌رود همگی، کار کشاورزی را رها و حتی از مناطق روستایی، مهاجرت کنند.

یکی از مشکلات موجود در این حوزه آن است که جرقه اولیه برای توسعه، زمانی زده شد که هنوز بحث گردشگری سازگار با محیط زیست<sup>4</sup>، آن‌چنان مطرح نبود. در واقع، هنوز در دهه 1980، اصطلاحی تحت عنوان "طبیعت گردی"<sup>5</sup> مطرح نشده بود. در آن زمان، هنوز هیچ نوعی از روستا گردی<sup>6</sup> (گردشگری روستایی) در یونان رواج نداشت. در حقیقت، تقاضای چندانی در این حوزه وجود نداشت. گردشگران خارجی، مناطق ساحلی را انتخاب می‌کردند و یونانی‌ها هم در ارتباطات خود با مناطق روستایی، روابط خویشاوندی را بر روابط بازاری ترجیح می‌دادند. اینک در سرتاسر اروپا حضور زنان در عرصه فعالیت‌های خارج از مزرعه، پررنگتر از گذشته شده و روندی فزاینده به خود گرفته است و اوضاع و احوال زراعت گردی، به مراتب بهتر از قبل شده است. پژوهش‌های تجربی نشان داده است که زنان، کار کردن در قالب تعاونی را به کسب و کار فردی ترجیح می‌دهند. در سال 1998، تعاونی‌های زنان، اتحادیه‌ای مخصوص به خود تشکیل دادند. چندین تعاونی نیز کار خود را توسط

---

<sup>1</sup> . Gidarakou, Xenon, and Theofilidou, 2000

<sup>2</sup> . Small home industries

<sup>3</sup> . Marketing of products

<sup>4</sup> . Environmentally friendly tourism

<sup>5</sup> . ECO-tourism

<sup>6</sup> . Rural tourism



خود زنان بر اساس رویکرد «پایین به بالا» آغاز کرده‌اند و روزه‌روز هم عملکرد موفقیت‌آمیزتری از خود بروز می‌دهند. برای نمونه، تعاونی زاگورا در پلیون را زنانی راه‌اندازی کردند که به دلیل آشنایی با یک تعاونی کشاورزی قدیمی که از سال 1916 با موفقیت کار کرده بود، تا حدودی از نحوه پیشبرد امور تعاونی، آگاهی داشتند. آنان علاوه بر سود بردن از خصوصیات رهبری و مدیریت و آشنایی با اصول تعاون، با نحوه کارکرد تعاونی نیز آشنا بودند. هم‌اکنون 90 عضو این تعاونی، محصولات فراوری شده زراعی بسیار با کیفیتی نظیر انواع مربا تولید می‌کنند. آنان به صورت نوبتی در یک کارگاه بسیار مجهز، کار می‌کنند و بر اساس تعداد ساعات کار خود، دستمزد می‌گیرند. در سال 2000 توانستند یک هتل کوچک نیز راه‌اندازی کنند. آن‌ها مانند بسیاری از تعاونی‌های مصرف کوچک دیگر، برای بازاریابی محصولات خود نیاز به کمک دارند. امید می‌رود که یک تعاونی زنان خودگردان نمونه و موفق، سرمشق و الهام بخش دیگر تعاونی‌ها قرار گیرد و نهایتاً موجبات شکل‌گیری فرایندی واقعی از تکثیر تشکل تعاونی را فراهم آورد.

### بحث و تفسیر

در این مورد پژوهی، یک نابرابری اقتصادی دیگر بین دو گروه، یعنی نابرابری بین مردان و زنان در یک خانوار، مورد بررسی قرار گرفت. در برخی راهبردهای کاهش فقر، تصور بر این است که در یک واحد خانوادگی، بحث تفاوت قدرت و فرصت اقتصادی مطرح نیست؛ که چنین نگرشی، حاکی از نادیده گرفتن تفاوت واقعی قدرت بین مرد و زن است. بیشتر تعاونی‌های کشاورزی، در مالکیت و کنترل مردان قرار دارند. این که آیا بقیه اعضای خانواده هم نفعی در سودهای اقتصادی حاصل از تعاون دارند یا نه، پرسشی تجربی است. در مواردی که زنان خانوار، امکان دسترسی به اشتغال دستمزدی را در بیرون از منزل ندارند و دارای درآمد مستقلی هم نیستند، تشکیل و ترویج تعاونی‌های ویژه زنان، امری الزامی است. چنانچه در جایی تشکل کشاورزی وجود نداشته باشد، این اقدام می‌تواند نخستین گام در این راستا باشد؛ ولی چنان چه تعاونی یا تشکلی از قبل وجود داشته باشد، تعاونی زنان می‌تواند به موازات آن تشکیل شود. راهبرد دیگر می‌تواند آن باشد که به زنان اجازه داده شود، عضو تعاونی‌های موجود شوند. در ژاپن، تشکیل گروه‌های «هان<sup>1</sup>» که به عنوان تعاونی، بیشتر جنبه محلی دارند تا

---

<sup>1</sup> . Han groups

رسمی، امکان‌پذیر بودن این روند را به اثبات رسانده است. با این حال، معلوم شده است در ژاپن، تغییر الگوهای زمین‌داری به معنای آن است که شمار بیشتری از زنان می‌توانند به عنوان کشاورز، مستقل از مردان عمل کنند.

#### مورد پژوهی 4: توسعه تعاونی‌های عشایری در اوريسا (هندوستان)

جوامع عشایری جزو فقیرترین مردمان جهان به شمار می‌آیند. به عنوان مثال در هند، 32 درصد جمعیت 32 میلیون نفری ایالت اوريسا را عشایر یا قبایل تشکیل می‌دهند. مردمان عشایر و قبایل، جزو محروم‌ترین 50 درصد روستاییانی هستند که زیر خط فقر زندگی می‌کنند.<sup>1</sup> آنان کشاورزانی حاشیه‌ای و فقیرند میانگین زمین سرانه هر خانوارشان فقط یک یا دو هکتار شالیزار است که از طریق کشت تک محصولی<sup>2</sup> در آن، امرار معاش می‌نمایند و از فعالیت‌هایی همچون جمع کردن محصولات کوچک جنگلی مانند برگ برخی درختان برای درست کردن فنجان‌های مخصوص، یا تهیه طناب از الیاف و علف‌ها و نیز پرورش کرم ابریشم، به عنوان شغل جانبی و مکمل استفاده می‌کنند. آنان به دلیل نامشخص بودن وضعیت ریزش نزولات آسمانی، تخریب بوم سازه‌های جنگلی و تخریب اراضی جنگلی، مدام در معرض خطر از بین رفتن محصول قرار دارند. بیشتر عشایر، بی‌سوادند و بسیاری از آنان نیز خوش‌نشینانی هستند که به دلیل وضعیت خاص خود، مورد ظلم و بهره‌کشی رباخواران واقع می‌شوند. آنان تحت شرایطی زندگی می‌کنند که در گزارش سازمان جهانی کار از آن به عنوان «چرخه شوم»<sup>3</sup> حاشیه راندگی اقتصادی و اجتماعی<sup>4</sup> یاد شده است.<sup>5</sup> این حاشیه‌زدگی و محرومیت را زنان عشایر بیشتر حس می‌کنند. مطالعه‌ای پیمایشی نشان داد که آنان، سخت‌تر از مردان و بیشتر از آنان کار می‌کنند؛ بسیاری از مردان، معتاد به الکل هستند و غالباً در کارهای روزانه مشارکت نمی‌کنند. از این رو، تلاش در جهت بهبود وضع زندگی و شرایط کاری زنان، امری الزامی و اضطراری است. افزون بر این، در حالی که سطح تحصیل و سواد در بین عشایر و قبایل عموماً بسیار پایین است، زنان و دختران در این مورد اصلاً نادیده گرفته شده‌اند. بدهکاری گسترده و شدید، «ستون فقرات این مردم را در هم شکسته است»<sup>6</sup>.

جایگاه پایین این مردمان، وخامت اوضاع را تشدید کرده است. پروژه‌های توسعه خیراندیشانه، به دلیل

عدم مشارکت روستاییان و نیز به آن علت که سودهای حاصل از این پروژه‌ها تماماً نصیب افراد غیرعشایری<sup>7</sup>

1. ILO,2000,Orissa

2. Mono-cropping

3. Evil circle

4. Economic and social marginalization

5. ILO,2000,orissa,p.3

6. Op cit,p.4

7. Non-tribal

می‌شود که دارای روابط اجتماعی و سیاسی بهتری هستند، توفیقی حاصل نکرده‌اند و زیرساخت‌ها کم‌اکان، ضعیف و توسعه نیافته باقی مانده است. بنگاه‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی، ارتباط چندانی با آنان ندارند. هنوز هم مالکیت جنگل‌های عمومی، دارای وضعیت مبهم و نامشخصی است. با این حال، منطقه سرشار از امکانات و منابعی است که می‌توانند فرصت‌های لازم را برای رشد صنایع خانگی<sup>1</sup> فراهم آورند، اما نبود مهارت، آموزش و تشکل اقتصادی، مانع بهره‌برداری شایسته از این منابع شده است. جز یک شرکت تعاونی غیرفعال و در حال فروپاشی، هیچ تعاونی دیگری در منطقه وجود ندارد و به همین دلیل، عشایر منطقه با همان مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند که کشاورزان کوچک در هر جای دیگر و آن، چگونگی تأمین نهاده‌های زراعی با قیمت مناسب و نیز چگونگی بازاریابی و فروش محصولات تولیدی با قیمت عادلانه<sup>2</sup> است.

چندین پروژه آزمایشی<sup>3</sup> (پایلوت) از سوی سازمان جهانی کار، با مشارکت سازمان غیردولتی "مؤسسه تحقیقات توسعه و علوم اجتماعی" (SSADRI) با محوریت 10 روستا و مجموع جمعیتی بالغ بر 3000 نفر به اجرا در آمد. در این پروژه‌ها از یک رویکرد مشارکتی آزمون شده استفاده شد که اجرای آن در دهکده "دورگاپور"<sup>4</sup>، کارآمد بودنش را به اثبات رسانده بود. برای شناسایی نیازهای مردم، جلسات و نشست‌های متعددی در دهکده‌ها، برگزار گردید و بررسی‌های جامعی نیز در قالب پیمایش‌های حقیقت‌یابی<sup>5</sup> (تحقیق و تخصص) برای تعیین وضعیت اجتماعی - اقتصادی و شیوه‌های زندگی روستاییان و احتمال وجود نوعی خدمات دولتی و بانکی، صورت گرفت. هدف از این اقدام، در آمدزایی برای زنان بود و بدین منظور، کار با طرحی در زمینه تولید فنجان از برگ نوعی درخت پهن برگ، به نام «سال»<sup>6</sup> آغاز شد؛ زیرا زنان از تجربه کافی برای این کار برخوردار بودند و تنها چیزی که لازم داشتند، حداقل سرمایه در گردش<sup>7</sup> بود. در هر دهکده تحت پوشش طرح، گروه‌های خودیار (با نام محلی ماهیلا ماندال)<sup>8</sup> توسط زنان، تشکیل و سازماندهی گردید و با کسب آموزش‌های لازم، کار برای تولید و فروش فنجان‌ها و بشقاب‌های تولیدی، آغاز شد. این کار، اقداماتی چون برق‌رسانی به روستاها، تشکیل اتاقک‌های

---

1. Cottage industries

2. Fair Price

3. Pilot Projects

4. Durgapur

5. Fact-finding surveys

6. Sal

7. Working capital

8. Mahila mandal

کار<sup>1</sup> و نصب ماشین‌آلات را به دنبال داشت. دوره‌های آموزشی، به پرورش کرم ابریشم، بافندگی و بازاریابی نیز کشیده شد و سپس نوبت به سرمایه‌گذاری‌های آموزشی دراز مدت‌تری، مانند دوره‌های یک‌ساله ماشین‌نویسی برای افراد جوان و نیز آموزش خیاطی و دوزندگی برای 20 تن از زنان چهار روستا رسید.

رمز پایداری و تداوم این طرح، وجود یک صندوق وام سیار<sup>2</sup> بود که توانست 46 درصد کل جمعیت روستاها را از خدمات صندوق بهره‌مند سازد. بدین ترتیب، تولیدکنندگان انفرادی طناب توانستند با خرید مواد خام بیشتر، میزان تولید خود را افزایش دهند. این افزایش درآمدها نهایتاً سرمایه‌گذاری در صنایع و فعالیت‌های دیگری مانند سبزیکاری، تولید پوشاک و دامداری و نیز راه‌اندازی تعدادی کسب و کارهای انفرادی مانند بقالی، تعمیر دوچرخه و زنبورداری را به دنبال داشت. مازاد درآمدهای حاصله هم به نوبه خود صرف درس و مدرسه فرزندان و خرید داروهای مورد نیاز شد. یکی دیگر از نشانه‌های پایداری این طرح، حضور و مشارکت بانک‌های محلی بود که با پایین آوردن میزان تأخیر در بازپرداخت وام‌های صندوق، توانست زمینه را برای تثبیت روند اعطای وام به روستاییان فراهم آورد؛ به طوری که بانک‌ها هم اکنون به طور عادی، و منظم وام در اختیار روستاییان قرار می‌دهند. عامل اصلی این موفقیت، حمایت از کارگران روستانشین عشایری و در مقابل، حمایت مستمر آنان از نهادهای موجود در سطح دهکده بود. ماهیلا ماندال‌ها، گروه‌های کاملاً رسمی از زنان هستند که آیین‌نامه‌ها و مقررات خاص خود را دارند و ماهانه، تشکیل جلسه می‌دهند. شرکت تعاونی کار چند منظوره<sup>3</sup>، به عنوان تعاونی مرکزی، با هدف پشتیبانی از این گروه‌های خودیار، تأسیس گردید. در هر دهکده، یک باشگاه ویژه جوانان 20 تا 30 ساله تشکیل شد که همه هفته مورد بازدید کارکنان پروژه قرار می‌گرفت. تمامی این موارد، از علاقه و اشتیاق این سازمان غیردولتی دست‌اندرکار توسعه برای وقف امکانات و وقت کارکنان خود، شامل مدیر پروژه، سه مروج<sup>4</sup> مروج<sup>4</sup> و نه انگیزشگر<sup>5</sup>، در مدتی طولانی حکایت داشت. آنان با توسل به یک رویکرد همواره مشارکتی توانستند توانستند روستاییان را با سرعت تغییرات حاصله، هماهنگ و همسو سازند. اصل بنیادین این پروژه، ملزم دانستن کارکنان به شنیدن حرف‌های مردم، جدی گرفتن آنان، آموزش آنان و نهایتاً لزوم حمایت از آن دسته پروژه‌هایی بود

---

<sup>1</sup> . Work Sheds

<sup>2</sup> . Revolving Loan Fund

<sup>3</sup> . Multipurpose Labour Cooperative Society

<sup>4</sup> . Extension worker

<sup>5</sup> . Animator

که مردم احساس می‌کردند شخصاً قادر به اجرایشان هستند. خود - ارزشیابی مشارکتی<sup>1</sup> (ارزشیابی با مشارکت خود افراد)، روستاییان را قادر ساخت شخصاً در فرایند ارزیابی میزان پیشرفت کار و شناسایی موانع موجود بر سر راه خود، شرکت کنند.

در این برنامه برای ارائه کمک‌های توسعه‌ای به شیوه سنتی نیز نقشی در نظر گرفته شده است. برنامه جهانی غذا<sup>2</sup> (WFP) تأمین اعتبار مورد نیاز برای اجرای پروژه چند مرحله‌ای خاصی را به منظور زیر کشت بردن حدود 200 جریب زمین بایر بر عهده گرفت و در این راستا نسبت به احداث چندین ساختمان چند منظوره<sup>3</sup> در سه دهکده، اقدام نمود. یک ساختمان آموزشی هم با مشارکت سازمان جهانی کار و برنامه جهانی غذا، احداث گردید. این امر نشان می‌دهد که چنانچه هدف، تحقق اولویت‌های نیازمندان و توسعه نهادهای بومی باشد، هیچ اشکالی بر سر راه تأمین کمک‌های مالی مورد نیاز وجود نخواهد داشت. یکی از نتایج این پروژه آن است که «گروه‌های خودیار و ساختارهای تعاونی، بستر تشکیلاتی قدرتمندی را برای هدایت جریان درآمدزایی، بوجود آورده‌اند»<sup>4</sup>. پروژه به منظور تقویت بنیه تشکیلاتی خود، روند آموزش را هم برای کارکنان و هم برای روستاییان تشدید کرده بود. از جمله موضوعات مهمی که در این آموزش‌ها مدنظر قرار داشت می‌توان نقش ماهیلاماندال و تشکیلات مرکزی آن، یعنی شرکت تعاونی چند منظوره، آشنایی با آیین‌نامه‌ها و نقش‌ها و وظایف مسئولان اداری<sup>5</sup>، اداری<sup>5</sup>، آشنایی با نحوه درخواست وام دولتی<sup>6</sup>، آشنایی با بانک‌های گرامایا<sup>7</sup>، مسائل و موضوعات جنسیتی و نیز نیز مبحث نظارت و ارزشیابی<sup>8</sup> را نام برد. هدف از تمام این ظرفیت‌سازی‌ها، کمک به نهادهای روستایی برای رسیدن به خوداتکایی و نیز چانه‌زنی و مذاکره مستقیم با بنگاه‌های دولتی است. مشارکت و حضور زنان از همان ابتدای کار، موجب تقویت این نهادها و توانمندسازی زنان برای تبدیل شدن از کارگران رام و مطیع، به سازماندهندگان فعال و پویا است. این امر موجب کسب احترام و منزلت اجتماعی برای آنان شده است. ارتباط با دولت هم باعث بهبود و ارتقای خدمات آموزشی و بهداشتی و سوق دادن مقامات مسؤول به سمت گسترش هر

---

1. Participatory self-evaluation

2. World Food Program (WFP)

3. Multipurpose buildings

4. OP cit,p.23

5. Office-bearevs

6. Government grant

7. Gramaya banks

8. Monitoring and evaluation

چه بیشتر پروژه گردیده است. در هر 10 دهکده مذکور، مراکز سوادآموزی<sup>1</sup> ویژه کودکان و بزرگسالان دایر شده است. با همکاری مراکز بهداشت عمومی محلی نیز 90 اردوگاه بهداشتی<sup>2</sup> برای تدریس و آموزش مراقبت‌های بهداشتی پایه برپا گردیده است.

درختان کشت شده در جنگل‌ها (از نوع سال) و نیز علف‌هایی که در اراضی بایر کشت می‌شوند (از نوع سبایی<sup>3</sup>)، اصلی‌ترین سرمایه محلی به شمار می‌آیند. ارتباط با اداره جنگل‌بانی محلی، موجبات آگاهی روزافزون نسبت به لزوم حفاظت از منابع جنگلی را فراهم آورده است. جوانان، گروه‌هایی تشکیل داده‌اند تا از قطع درختان ارزشمند "سال" توسط سودجویان برای فروش به افراد غیرمحلی، جلوگیری کنند. دیگر کسی درختان جنگلی را آتش نمی‌زند و به همین دلیل، روزبه‌روز بر تعداد درختان "سال" افزوده می‌شود. در جریان جلسات دو هفتگی<sup>4</sup> بین اعضای تعاونی مرکزی، مباحثی همچون نحوه جلوگیری از روند فرسایش خاک، بهره‌برداری و حفاظت آب<sup>5</sup>، جنگل‌کاری<sup>6</sup> و مسائلی از این دست، مطرح می‌شود. اما استمرار این روند پایداری در آینده، منوط به آن است که دولت قوانین شفاف‌تر و مستحکم‌تری در رابطه با حق و حقوق بهره‌برداری از اراضی و محصولات طبیعی آن‌ها وضع کند.

مرحله‌بندی<sup>7</sup> (فازبندی) پروژه، اگر چه موجب حفظ و تقویت نهادها و فعالیت‌های موردنظر می‌شود، اما به نوبه خود، "چالشی بزرگ" نیز به شمار می‌آید. روند تدریجی کنار کشیدن کارکنان پروژه، تشویق اهالی به اداره کردن جلسات خود، برقراری ارتباط با حکومت محلی و ظرفیت‌سازی از طریق آموزش، جملگی روش‌هایی هستند که این کنار رفتن تدریجی را امکان‌پذیر می‌سازند. اما همان‌گونه که رویکرد مشارکتی، با همگام شدن با شتاب و جهت توسعه بنا به تشخیص خود مردم، شروع می‌شود، فرایند کنار رفتن هم باید با ظرفیت‌های واقعی مردمی تنظیم و هماهنگ شود که قرار است پس از اتمام پروژه، کار را ادامه دهند.

---

1. Literacy centres

2. Health camps

3. Sabai

4. Fortnightly meetings

5. Water harvesting and conservation

6. Forestation

7. Phasing out

این مورد پژوهی، حاوی درس‌ها و تجربیات متعددی درباره چگونگی اجرای توسعه مشارکتی<sup>1</sup> بود که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به اهمیت نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر اشاره کرد. در گزارش مورد پژوهی آمده است:

“انگیزش افراد برای سازماندهی خود و روی آوردن به اقدامات توسعه‌ای در شرکت‌های تعاونی خودشان، گام‌های مشارکتی مهمی در تسهیل هر چه بیشتر روند نهادسازی به شمار می‌آیند.”<sup>2</sup>

تعاونی‌ها، ارزشمندی خود را در پروژه‌های دیگری هم که معطوف به جوامع عشایری و قبیله‌ای بوده‌اند، به خوبی نشان داده‌اند یکی دیگر از پروژه‌های تحت حمایت سازمان جهانی کار موسوم به پروژه ایندیسکو - سادگورو<sup>3</sup> که با جوامع عشایری ایالت گجرات کار می‌کند، همین رویکرد مشارکتی را، البته با محوریت تأمین آب آبیاری و ایجاد فعالیت‌های درآمدزا، دنبال می‌کرد. در این مورد نیز نهاد پایه، گروه‌های زنان در سطح دهکده بود. اجرای این پروژه، تشکیل یک تعاونی ثانویه<sup>4</sup> (سطح دوم)، موسوم به بانک زنان<sup>5</sup> و نیز تعدادی تعاونی تولید لبنیات لبنیات را به دنبال داشت. در قالب این پروژه، جمعاً 11 تعاونی آبیاری، 4 تعاونی شیر، یک بانک تعاونی زنان، 24 گروه زنان و 6 گروه جوانان تشکیل گردید.

---

<sup>1</sup> . Participatory development

<sup>2</sup> . Op cit,p.37

<sup>3</sup> . INDISCO-sadguru

<sup>4</sup> . Secondary cooperative

<sup>5</sup> . Women's Bank



## مورد پژوهی 5: تعاونی آب در بولیوی

یکی از اهداف توسعه هزاره، کاهش 50 درصدی در شمار افرادی است که امکان دسترسی به آب آشامیدنی سالم ندارند. در خلال سال‌های دهه 1990، شمار افراد بهره‌مند از آب آشامیدنی سالم، از 77 درصد به 82 درصد رسید، اما هنوز هم تا رسیدن به مرز هدف، راه درازی در پیش است. رشد فزاینده روند شهرگرایی و کلان شهرها، تقاضا برای آب را به شدت افزایش داده است که به هیچ وجه با میزان عرضه، همخوانی و تناسب ندارد. بسیاری از مهاجران روستایی که به ناچار، زندگی در حلیه‌آبادهای<sup>1</sup> حاشیه شهرها را بر می‌گزینند، به آب لوله‌کشی دسترسی ندارند و از ابتلا به بیماری‌های ناشی از آب<sup>2</sup>، رنج می‌برند. اتکای ساکنان مناطق قدیمی شهر هم به شبکه‌های آبیاری غالباً نامطمئن و غیر قابل تعمیر و نگهداری است که مدام دچار نشستی و هدر روی هستند.

آب رسانی به مناطق شهری، نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد. تأمین کنندگان آب در بخش عمومی، مقید به رعایت تعرفه‌های دولتی<sup>3</sup> هستند که تمام هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهند و این در حالی است که دولت‌ها تمایلی به بالا بردن نرخ هزینه آب مصرفی ندارند. از اواسط دهه 1980 به بعد، گرایش به سمت دخالت عرضه کنندگان بخش خصوصی و انتفاعی در این حوزه شکل گرفت که بارزترین نمونه آن قراردادهای اجاره‌ای و امتیازی مجموعه شرکت‌های آب‌رسانی فرانسه<sup>4</sup> در ویوندی و لیون است. راه‌کار استفاده از بخش خصوصی که از سوی بانک جهانی حمایت می‌شود، در بسیاری از شهرها مانند بوئنوس آیرس، مکزیکوسیتی، آبیجان، اکرا، مانیل و جاکارتا به اجرا در آمده است. اما در سانتاکروز بولیوی، راه‌کاری در قالب یک تعاونی مصرف به نام «ساگواپاک»<sup>5</sup> اتخاذ شده که توانسته است آب مصرفی شهر را از سال 1979 تا کنون تأمین کند.

سانتاکروز در منتهی الیه بخش شرقی بولیوی و با مسافتی دور از لاپاز، پایتخت کشور، قرار دارد. جمعیت این شهر با رشدی روزافزون، از 42 هزار نفر در سال 1950 به بیش از یک میلیون نفر در حال حاضر رسیده است. انتخاب ساختار تعاونی برای این منظور، دلایل خاصی دارد. نخست، این شهر که دارای یک هویت ریشه‌دار و مستحکم منطقه‌ای است، مورد بی‌مهری و بی‌توجهی حکومت مرکزی قرار داشت. در سال 1951، جنبشی مدنی

<sup>1</sup> . Shantytown

<sup>2</sup> . Water-Borne Diseases

<sup>3</sup> . Government-Settariffs

<sup>4</sup> . French Water Corporations (Vivendi and Lyonnaise des Eaux)

<sup>5</sup> . SAGVAPAC

مبنی بر پرداخت حق‌الامتياز<sup>1</sup> استخراج نفت به شهر، آغاز شد که در سال 1960 به بار نشست و نهایتاً کمیته‌ای برای رسیدگی به امور عام‌المنفعه در شهر تشکیل گردید. مردم شهر، نه به حکومت مرکزی اعتماد نداشتند و نه به حکومت محلی بی‌نهایت ضعیف شهر خود که شهردارش هم از سوی حکومت مرکزی منصوب می‌شد. استفاده از بخش خصوصی هم‌چندان خوشایند نبود؛ چون این بخش آن قدر توسعه یافته و توانمند نبود که از پس این کار برآید. مشاوران USAID که از شهر بازدید کرده بودند، الگوی تعاونی را برای رفع مشکل پیشنهاد دادند و بدین ترتیب، اهالی شهر توانستند یک نظام بانکداری سنتی خرد خاص خود را به شیوه تعاونی تشکیل دهند. در سال 1959 یک قانون تعاونی به تصویب رسید و تعاونی‌هایی در بخش‌های مخابرات و برق‌رسانی تشکیل گردید. این مجموعه عوامل، محیط و بستر مناسب را برای شکل‌گیری تعاونی آب فراهم آورد. در سال 1973، یک شرکت عمومی تأسیس شد که تمام دارایی‌هایش، ابتدا به یک شرکت توسعه منطقه‌ای<sup>2</sup> و سپس در سال 1979 به ساگوپاک منتقل گردید که از آن زمان به بعد، اصلی‌ترین تأمین‌کننده آب شهر بوده است.

ساگوپاک یک تعاونی مصرف به معنای واقعی است. تمامی 96 هزار مصرف‌کننده خانگی آن، به طور خودکار عضو تعاونی هستند که طبق تقسیم‌بندی‌های دولت محلی، در قالب 9 ناحیه تقسیم‌بندی شده‌اند. هر دو سال یک‌بار، نشست تحت عنوان مجمع ناحیه<sup>3</sup> تشکیل می‌شود که طی آن، یک سوم اعضای شورای شش نفره ناحیه، برای یک دوره تصدی شش ساله انتخاب می‌شوند. انتخابات زیرنظر بنگاه دولتی ساماندهی تعاونی‌ها انجام می‌شود. در این مجمع "سه نماینده نیز برای مجمع عمومی شهر<sup>4</sup> که دارای 36 نماینده است، انتخاب می‌گردد. این مجمع نیز به نوبه خود، 2 عضو از 6 عضو هیأت نظارت<sup>5</sup> (سرپرستی) را انتخاب می‌کند. این هیأت، بر کار هیأت اجرایی<sup>6</sup>، نظارت و حساب‌رسی را منصوب می‌نماید. هیأت اجرایی، هر دو هفته یک‌بار (یا هر ماه 2 بار) تشکیل جلسه می‌دهد و مسئولانی را که حداکثر مدت تصدی آنان، سه دوره دو ساله است، انتخاب می‌کنند. انتصاب مدیرکل نیز بر عهده هیأت اجرایی است.<sup>7</sup>

---

1. Royalties

2. Regional development corporation

3. District assembly

4. City wide general assembly

5. Supervisory board

6. Administrative Board

7. Nickson, 2000

یکی از مشکلات موجود در این زمینه، پایین بودن تعداد شرکت کنندگان در انتخابات است؛ به طوری که مجموع شرکت کنندگان در انتخابات به طور میانگین فقط 2/5 درصد کل آب‌بران<sup>1</sup> را تشکیل می‌دهند. تعاونی در پوشش دادن به حلقه‌های بیرون شهر نیز توفیقی نداشته است؛ به طوری که زاغه‌نشینان، تعاونی را متهم به بی‌علاقگی به رفع نیازهای ساکنان فقیرنشین حاشیه شهر می‌کنند. اما با تشکیل 8 تعاونی کوچکتر در حاشیه شهر، آب مورد نیاز 350 هزار نفر از سکنه این مناطق نیز تأمین شده است. هزینه‌های تأمین آب از سوی ساگوآپاک، پایین و در حد 5 درصد درآمد کارگران ساده (غیرماهر)<sup>2</sup> است. البته هزینه خرید و نصب کنتور آب، بالا است، اما این مشکل نیز با اعطای وام‌های کم‌بهره برای این منظور، حل شده است. در اوایل دهه 1990، یک شرکت خصوصی، کار صدور قبض و دریافت هزینه آب را بر عهده گرفت، اما سیاست این شرکت در قطع انشعاب آب کسانی که هزینه مربوطه را پرداخت نمی‌کردند، بسیار انعطاف‌ناپذیر بود؛ به طوری که تعاونی مجدداً مسئولیت دریافت هزینه آب را به طور مستقیم از درب منازل، بر عهده گرفت.

چگونه می‌توان عملکرد تعاونی را با دیگر الگوها و شیوه‌های آبرسانی، مقایسه کرد؟ مطالعه‌ای توسط اقتصاددانان دانشگاه بیرمنگام نشان داد که این تعاونی، با کمترین هدرروی آب با بهره‌وری بالای کارکنان و با استفاده از شیوه‌های استاندارد جهانی در تعیین میزان آب مصرفی، یکی از بهترین شرکت‌های آبرسانی در امر مدیریت آب در امریکای لاتین است. میانگین تعرفه‌های آن، پایین و کارایی شیوه جمع‌آوری آن، بالا است. این تشکل در امر به کارگیری وام‌های اعتباری خارجی برای سرمایه‌گذاری نیز کارآمدی خاصی از خود نشان داده است؛ به طوری که هم‌اکنون دو واحد تأسیسات آبرسانی خصوصی را در بولیوی با موفقیت اداره می‌کند. این تشکل همراه با تعدادی تعاونی‌های کوچکتر، 90 درصد آب مورد نیاز جمعیت شهر را تأمین می‌کند.

ساختار تعاونی این تشکیلات را می‌توان عمده‌ترین دلیل موفقیت و عملکرد شایسته آن دانست. شیوه تعاونی، مدیران را از دخالت در امور سیاسی که موجب تضعیف شرکت‌های آبرسانی وابسته به شهرداری می‌شوند، باز می‌دارد. ساختار ویژه این تشکیلات، تداوم روند امور اجرایی آن را امکان‌پذیر ساخته و نظام انتخاباتی

---

<sup>1</sup> . Water users

<sup>2</sup> . Unskilled workers

آن، به ویژه انتخاب مسئولان برای مدت دو سال طی یک دوره شش ساله، مانند سپری در مقابل فساد، عمل می‌کند.

## بحث و تفسیر

وجود تأسیسات و امکانات دارای مالکیت تعاونی، امری عادی و رایج است. در ایالات متحده، افزون بر نیمی از خطوط برق‌رسانی، برق مورد نیاز بیش از 25 میلیون نفر را در 46 ایالت آمریکا به صورت تعاونی تأمین می‌کنند. در آرژانتین، حدود 500 تعاونی، 19 درصد برق کشور را توزیع می‌کنند و این در حالی است که 130 تعاونی نیز در امر تأمین خدمات ارتباطی و مخابراتی فعالیت دارند. در بولیوی، برزیل و شیلی تعاونی‌های برق<sup>1</sup>، و در آرژانتین، شیلی، کلمبیا و نیز بولیوی، تعاونی‌های آب، نقش مهمی ایفا می‌کنند.<sup>2</sup> ساگوپاک به عنوان الگو، در مناطق دیگری از بولیوی، از جمله در شهر تاریخی<sup>3</sup> (1988) و نیز در ترینیداد<sup>4</sup> (1991) تکرار شده و در تمامی موارد، کارایی و اثربخشی خود را به اثبات رسانده است. با این حال، بانک جهانی تاکنون هیچ تبلیغی برای معرفی این راه کار صورت نداده و کماکان به ترویج و تبلیغ تأمین کنندگان بخش خصوصی در دیگر شهرهای امریکای لاتین ادامه می‌دهد. در سال 1997 که تعاونی برای اجرای یک برنامه سرمایه‌گذاری مستمر نیازمند ضمانت دولتی برای اخذ یک وام 25 میلیون دلاری از بانک جهانی بود، دولت از پذیرش این درخواست به این بهانه که سرمایه‌گذاری‌های جدید باید توسط بخش خصوصی صورت گیرد، سر باز زد. به نظر می‌رسد در حال حاضر، یک شرکت انتفاعی خصوصی<sup>5</sup> که در چارچوب مقررات دولتی عمل کند، گزینه ارجح باشد.

آخرین کاری که شخصاً درباره امکان تعاونی‌سازی<sup>6</sup> (تعاونی کردن) شرکت‌های آب‌رسانی در انگلستان و ولز انجام داده‌ام، بررسی سابقه خصوصی‌سازی صنعت آب‌رسانی از اوایل دهه 1990 بوده است. این بررسی نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود مقررات سفت و سخت دولتی<sup>7</sup>، شرکت‌های ذی‌ربط شدیداً به دنبال کسب سودهای بسیار کلان بوده و طی ده سال اخیر، هزینه آب مصرف کنندگان را دو برابر کرده‌اند و این در حالی است که به

---

<sup>1</sup> . Electricity cooperatives

<sup>2</sup> . ILO, 2000c, p.41-43

<sup>3</sup> . Tarija

<sup>4</sup> . Trinidad

<sup>5</sup> . Private for-profit company

<sup>6</sup> . Mutualization

<sup>7</sup> . Rigorous government regulation

وعده‌های اولیه خود درباره رعایت ملاحظات زیست محیطی، عمل نکرده و به شدت از روند خصوصی‌سازی، دفاع می‌کنند. مسأله این است که مقررات دولتی فقط در صورت اعلام جرم، کارایی دارد و شرکت‌ها هم امور را با در نظر گرفتن نوع هزینه‌ها، سودها و سرمایه‌گذاری‌ها کنترل می‌کنند. این امر باعث می‌شود که شرکت‌ها بدون این‌که ردی از خود برجای بگذارند، یا سودهای بالایی به جیب بزنند یا سرمایه‌گذاری‌های پایین‌تر از حد انتظار انجام دهند؛ که در هر دو حالت، این مصرف‌کنندگان یا سهامداران هستند که متضرر می‌شوند. پس از یک دهه آسان‌گیری مقررات، قانون‌گذار در سال 2000، مقررات سفت و سختی در رابطه با کنترل قیمت‌ها وضع کرد که باعث شد برخی شرکت‌های آب‌رسانی، به دنبال یافتن راه‌هایی برای فروش مجدد اموال به یک تعاونی آب برآیند. قانون‌گذار، طرح تعاونی کردن آب‌رسانی را رد، اما با فروش آب در ولز به یک شرکت توزیع کننده غیرانتفاعی<sup>1</sup>، موافقت نمود. این کار را نمی‌توان تعاونی نامید؛ زیرا ساختار حکومتی آن، شدیداً دست و پاگیر و بازدارنده است. با این حال، استعداد آن را دارد که به عنوان یک راه کار تعاونی برای آن دسته از شرکت‌های آب‌رسانی که به فکر سودآوری هم هستند، مطرح باشد. نظر پیشنهادی شخص من در این باره، یک شرکت غیرانتفاعی چند ذی‌نفعی<sup>2</sup> بود که اعضایش، بهره‌برداران ساکن در منطقه، بهره‌برداران تجاری<sup>3</sup> و دولت محلی باشند<sup>4</sup>. هر جا و هرگاه تأمین امکانات عمومی ضروری، جنبه انحصاری داشته باشد، بهتر است استفاده از الگوی تعاونی چند ذی‌نفعی یا تک ذی‌نفعی<sup>5</sup>، مدنظر قرار گیرد. این الگو تنها راه کار ممکن برای یک بخش عمومی کم سرمایه<sup>6</sup> یا بخشی است که در چارچوب بی‌ثباتی، مرکب از شرکت‌های انتفاعی و مقررات دولتی، کار می‌کند.

گزینه تعاونی هنوز هم در مناطق روستایی که مؤثرترین راه مدیریت کردن آب، وجود تشکل‌های غیر متمرکز<sup>7</sup> و اجتماع محور<sup>8</sup> است، طرفداران زیادی دارد. برای نمونه در کشور ساحل عاج، یک برنامه آب رسانی ملی، اقدام به تشکیل گروه‌های آب بر محلی، برای اعمال مدیریت بر 13 هزار و 500 نقطه آب‌رسانی کرده‌است. این اقدام، نرخ هدر رفت آب را از 50 درصد به 11 درصد و هزینه مصرف رانیز به یک سوم میزان قبلی کاهش

---

1. Non-profit distributing company

2. Multi-stakeholder non-profit company

3. Commercial users

4. Birchall, 2002

5. Single stakeholder

6. Under-capitalized

7. Decentralized

8. Community-based

داده است<sup>1</sup>. در آلبانی، یکی از تبعات خصوصی سازی بخش کشاورزی، نبود سازمانی مشخص به عنوان متولی امور تأمین آب و خدمات آبیاری بود. در سال 1994، اجرای پروژه‌ای با حمایت مالی بانک جهانی منجر به شکل‌گیری تشکل‌های آب بران<sup>2</sup> گردید که مالکیت و کنترل آن‌ها در اختیار خود کشاورزان بود. این تشکل‌ها ابتدائاً در سطح روستا سازماندهی و تشکیل می‌شد، اما بعدها با هدف تحت پوشش قرار دادن منابع آب انفرادی، نحوه سازماندهی آن‌ها مورد تجدید نظر قرار گرفت. تعداد این تشکل‌ها که در سال 1997 بالغ بر 187 مورد بود، در سال 2001 به 408 مورد رسید که در قالب 21 فدراسیون، 200 هزار خانوار، یعنی یک سوم کل جمعیت را تحت پوشش قرار می‌داد. به موازات روند خصوصی سازی امکانات آب رسانی از سوی دولت، الگوی تأمین آب به شیوه تعاونی در مناطق روستایی به عنوان راه کاری موفق مورد توجه شرکت‌های انتقاعی قرار گرفته است. در استرالیا، داریی‌های شرکت آبیاری جنوب غرب، در سال 1995 به تعاونی سویمکو<sup>3</sup> (تعاونی مدیریت آبیاری جنوب غربی) که 2 هزار و 300 کشاورز در آن عضویت دارند، منتقل گردید. امور اجرایی و عملیات آن نیز به تعاونی واگذار شد. از آن به بعد، 4 تعاونی همیاری<sup>4</sup> دیگر در همین راستا تشکیل شده است که کارآمدی و توانمندی بالایی از خود نشان داده‌اند و هم اکنون نیز بالغ بر چند میلیون دلار وجوه استهلاکی<sup>5</sup> را اداره می‌کنند. سازمان کاری آن‌ها به شدت مشتری محور<sup>6</sup> و ساختار تعاون گونه آن‌ها، مدیران را به جای توجه به سودهای کوتاه مدت<sup>7</sup>، به سمت آینده‌نگری آینده‌نگری در دراز مدت، سوق داده است.

---

1 . World Bank, 2001b

2 . Water users associations

3 . South-West Irrigation Management Cooperative(SWIMCO)

4 . Mutual

5 . Sinkinag funds

6 . Short-term

7 . Customer- focused

## مورد پژوهی 6: تعاونی‌های کار در فنلاند

بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان، یک دوره رشد مستمر و طولانی را از سال 1945 تا زمان شوک ناشی از افزایش قیمت نفت در دهه 1970، تجربه کردند و در این برهه از زمان بود که برای نخستین بار از دهه 1930 به بعد، با پدیده بی‌کاری انبوه روبه‌رو شدند. سپس، بار دیگر پس از یک دوره شکوفایی که از اوایل دهه 1980 شروع شده بود، در نیمه نخست دهه 1990 گرفتار معضل بی‌کاری شدند که شدت آن از دوره قبل هم بیشتر بود. واکنش‌های سنتی، مانند افزایش هزینه عمومی و تزریق نیروی کار بیشتر به بخش عمومی، دیگر اثربخشی خود را از دست داده بود. عمر مزایای بیمه بی‌کاری<sup>1</sup> به سر آمد و میلیون‌ها نفر برای نخستین بار کلاً به کمک‌های ناشی از محل درآمدهای مالیاتی<sup>2</sup> وابسته شدند. شکاف دهک‌های بالا و پایین درآمدی<sup>3</sup> به شدت افزایش یافت و در برخی کشورها، به ویژه انگلستان که شدیداً از کاهش تولیدات صنعتی در دهه 1980 رنج می‌برد، درآمد طبقات پایین در مقایسه با دیگر طبقات جامعه، دچار افت مطلق و نیز افت نسبی گردید. پدیده محرومیت اجتماعی و اقتصادی، به معضلی جدی در خط مشی‌های عمومی ممالک سرتاسر اروپای غربی تبدیل گردیده بود.

وقتی مشخص شد که راه کارهای قدیمی، کارایی خود را از دست داده است، نوبت به آزمایش راه کارهای تعاونی رسید. مستقیم‌ترین پاسخ در این راستا، تشکیل تعاونی‌های کارگری، با هدف به دست‌گیری امور شرکت‌های در حال فروپاشی، یا بخشی از شرکت‌های هنوز فعال و یا پیدا کردن راه‌های جدیدی برای اشتغال افرادی بود که بر اثر تغییر و تحولات اقتصادی، کار خود را از دست داده بودند. این راه‌حل، اقدامی دشوار به نظر می‌رسید که اگر چه احتمال بقای آن نسبت به راه اندازی کسب و کارهای سنتی بیشتر بود، اما به مقدار زیادی فعالیت‌های ترویج و توسعه از سوی کارشناسان و متخصصان امر نیاز داشت. در برخی کشورها و مشخصاً در انگلستان و سوئد، تعدادی بنگاه توسعه تعاونی، با پشتیبانی دولت محلی تشکیل گردید که هدف آن‌ها بسترسازی برای جلب همکاری کارگران به عنوان راه کاری برای ایجاد اشتغال و حفظ مشاغل بود.

---

<sup>1</sup> . Insurance- based unemployment benefits

<sup>2</sup> . Tax- based income

<sup>3</sup> . Top and bottom income deciles

فنلاند بی‌کاری انبوه را تنها در اوایل دهه 1990 تجربه کرد. تأثیرات ناشی از روند جهانی سازی و حذف محدودیت‌های اقتصادی به همراه بی‌نظمی حاصل از فروپاشی کشور همجوار، یعنی شوروی، بدان معنا بود که خط‌مشی ملی موفق فنلاند در حوزه بازارکار، دیگر از پس شرایط موجود بر نمی‌آید. نرخ بی‌کاری که در اواخر دهه 1980 در حدود فقط 3 درصد بود، به بالای 20 درصد رسید بین 100 تا 200 هزار تن از جمعیت 5 میلیونی کشور، گرفتار بی‌کاری دراز مدت<sup>1</sup> شدند.<sup>2</sup>

دولت رفاه<sup>3</sup> در فنلاند، همانند دیگر کشورهای حوزه اسکاندیناوی، بسیار جامع و فراگیر بود و بخش‌های تعاون و خیریه، نقش بسیار ضعیف و کم‌رنگی داشتند که به چند طرح ویژه برای گروه‌های کم درآمد محدود می‌شد. الگوی غالب اقتصادی در این کشور به گونه‌ای است که این طرح‌ها ابتدا به عنوان مکمل بخش عمومی در نظر گرفته شده و سپس به تدریج در آن تلفیق می‌گردد و به همین دلیل طولی نمی‌کشد که راه کارهای خودیاری، مورد پذیرش واقع می‌شود. پاسخ تعاون برای مقابله با بحران بی‌کاری، در قالب شکل‌گیری موج جدیدی از تعاونی‌های کارگری پدیدار شد؛ به طوری که از سال 1987 به بعد، 400 تعاونی از این نوع، تشکیل گردید که 170 مورد آن‌ها همان بنگاه‌های اقتصادی سستی کارگر- مالک<sup>4</sup> و 230 مورد دیگر، به شکل "تعاونی‌های کار" بود.<sup>5</sup> این تعاونی‌ها ساده‌ترین راه حل برای رفع معضل بی‌کاری‌اند. یعنی تشکلی در قالب تعاونی، برای اعضای، حقیقی و حقوقی خود، شغل موقت پیدا می‌کند یا کار آن‌ها را درست به مانند یک بنگاه کاریابی خصوصی<sup>6</sup> به صورت ساعتی یا روز مزد، اجاره می‌نماید. این تعاونی‌ها معمولاً توسط انجمن‌ها یا تشکل‌های محلی<sup>7</sup> متشکل از افراد بی‌کار تأسیس می‌شوند. این تشکل‌ها از طریق دستگاه‌های سکه‌ای<sup>8</sup> کنار خیابان‌ها یا مکان‌های عمومی که دولت در اختیارشان قرار می‌دهد، تأمین مالی می‌شوند و در واقع، با این کار، انحصار قانونی<sup>9</sup> قماربازی و شرط بندی از طریق این دستگاه‌ها را به آن‌ها واگذار می‌کند. این تشکل‌ها ضمن پیدا کردن کار برای اعضا و افزایش

---

1. Long- term unemployment

2. Pattiniemi, 1999

3. Welfare state

4. Traditional worker- owned enterprise

5. Labour Cooperative

6. Pattiniemi, 2001

7. Local associations

8. Slot machine

9. Legal monopoly



سطح درآمد آنان، به کسب مهارت‌های کاری و حفظ موقعیت اجتماعی، جسمی و روحی و روانی آن‌ها کمک می‌کنند و افزون بر ارائه آموزش و تأمین غذا به قیمت ارزان، شرایط لازم را نیز برای اوقات فراغت و تشکیل گروه‌های بحث بین آنان فراهم می‌آورند و با این اقدام، به نوعی، حمایت متقابل آن‌ها را جلب می‌کنند. کارکرد آن‌ها از این حیث، شبیه باشگاه‌های کار<sup>1</sup> در انگلستان و برخی کشورهای دیگر است؛ اما چون به منظور پیدا کردن کار برای اعضا، تعاونی‌های کار تشکیل می‌دهند، تا حدودی از آن‌ها جلوترند. اگر چه بیشتر کارهایی که تعاونی‌ها برای اعضا پیدا می‌کنند در بخش‌های ساختمان سازی و امور اداری است؛ اما در بخش‌های خدمات رایانه‌ای، حسابداری، نظافت کاری، خدمات اجتماعی<sup>2</sup>، امور تعمیر و نگهداری و امثال این‌ها نیز برای اعضا کاریابی می‌کنند. این تعاونی‌ها که رشد روز افزونی داشته‌اند، در سال 1996 توانستند برای حدود 4 هزار و 500 نفر، فرصت شغلی پیدا کنند و تا سال 2001، برای 3 هزار و 300 نفر، اشتغال تمام وقت<sup>3</sup> و برای 4 هزار و 400 نفر دیگر کار پاره وقت<sup>4</sup> پیدا کرده بودند. یکی از مزایای این تعاونی‌ها توانایی در ارائه خدمات نسبتاً ساده‌ای است است که نیاز به مهارت‌های خاص یا سرمایه گذاری کلان ندارند. مطالعه‌ای در سال 1995 نشان داد که 43 درصد اعضای این تعاونی‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و 10 تعاونی کار نیز توسط اقلیت‌های قومی<sup>5</sup> تشکیل شده است.<sup>6</sup> اعضای این تعاونی‌ها ضمن حفظ مهارت‌ها و موقعیت خود در بازار کار، تماس‌های مستمر خود را با تعاونی تا پیدا کردن شغل دائم، حفظ می‌کنند. آن‌ها از مزایای دیگری مانند بهره‌مندی از حمایت اجتماعی کارفرمایان اخلاقی<sup>7</sup> که سطح دستمزد مصوب<sup>8</sup> اتحادیه تجاری را رعایت می‌کنند، سود می‌برند. مشتریان و متقاضیان کار اعضا اعضا نیز به نوبه خود در صورت نیاز، از وجود نیروی کار آماده به خدمت سود می‌برند؛ بدون این‌که لازم باشد خود را برای پیدا کردن افراد جدید به زحمت بیاورند.

این امر که آیا تعاونی‌های مذکور از نوع مصرف هستند یا کارگری، بحث جالبی است. اعضای تعاونی‌ها از

یک منظر، مصرف کننده یا بهره بردار خدمات هستند؛ اما از زاویه‌ای دیگر، کارگرانی هستند که به صورت

---

1. Job clubs

2. Social services

3. Full-time employment

4. Part-time work

5. Ethnic minorities

6. Op cit, p.135

7. Ethical employers

8. Approved wage level

قراردادی به استخدام تعاونی درآمده‌اند. برخی از این تعاونی‌ها جنبه چند ذی‌نفعی دارند؛ یعنی از مقامات محلی و شعبات اتحادیه تجاری گرفته تا بانک‌های محلی و افراد بی‌کار، در آن‌ها عضویت دارند. از این بابت، بیشتر به شکل‌های محلی شباهت دارند تا تعاونی. برخی بنگاه‌های کاریابی عمومی منطقه‌ای<sup>1</sup> نیز رویکرد مشابهی را اتخاذ کرده‌اند؛ اما از ویژگی‌هایی چون حمایت اجتماعی، همیاری<sup>2</sup> و انعطاف‌پذیری در آموزش<sup>3</sup> که مختص تعاونی است، سود نمی‌برند. با این حال، تعاونی‌ها با مشکلاتی نیز روبه‌رو هستند. در بسیاری موارد، تعاونی‌ها فقط در یک یا دو حوزه فعالیت می‌کنند و این امر بدان معنا است که بعضی اعضا نمی‌توانند از مزایای تعاونی بهره‌مند شوند. افراد توانمند، به اقتضای طبیعت کسب و کار، مایلند شغل دائمی و همیشگی داشته باشند و به همین دلیل، گرایشی به عضویت در تعاونی از خود نشان نمی‌دهند. چه بسا تعاونی‌هایی که به دلیل کنار رفتن رهبران یا مدیران خود، برای همیشه تعطیل شده‌اند. تعاونی‌ها وابستگی شدیدی به کمک 80 درصدی وزارت کار برای راه‌اندازی فعالیت‌های خود دارند که شامل هزینه‌های اداری، تجهیزات و حدود 6 ماه حقالزحمه مسئول سازماندهی امور تعاونی<sup>4</sup> می‌شود. آن‌ها از مؤسسه مطالعات تعاون<sup>5</sup> در هلسینکی، 9 بنگاه توسعه تعاون منطقه‌ای<sup>6</sup>، اتحادیه مرکزی مرکزی تعاون<sup>7</sup> فنلاند، کمک‌هایی دریافت کرده‌اند. بحران موجود در بازار کار، وخیم‌تر شده‌است؛ به طوری که نرخ بی‌کاری در 1999 به حدود 9 درصد رسید. با این حال، حمایت از تعاونی‌های کار، همچنان جایگاه خود را در سیاست‌های عمومی دولت حفظ کرده‌است.

## بحث و تفسیر

این تعاونی‌ها در ایتالیا عملکرد بسیار موفقی به عنوان تعاونی‌های اجتماعی داشته‌اند و در همین راستا هم در حال توسعه و گسترش هستند و به تازگی اقداماتی را جهت تأمین مشاغل حقوق‌بگیری برای معلولان جسمی<sup>8</sup> و ذهنی آغاز کرده‌اند. در واقع، اندیشه تشکیل تعاونی‌های کار، نخستین بار در ایتالیا مطرح گردید. رکود اقتصادی

---

<sup>1</sup> . Regional public labour agency

<sup>2</sup> . Mutual aid

<sup>3</sup> . Flexibility in training

<sup>4</sup> . Cooperative organizer

<sup>5</sup> . Institute for Cooperative Studies

<sup>6</sup> . Regional Cooperative Development Agency

<sup>7</sup> . Cooperative Central Union (Finncoop Pellervo)

<sup>8</sup> . Peple with physical disabilities

کشاورزی<sup>1</sup> در اواخر سده 19 باعث شد که شمار زیادی از مردم، کار خود را از دست بدهند یا اخراج<sup>2</sup> شوند و نتوانند کاری برای خود پیدا کنند. این جنبش، با ارجحیت دادن به قرار دادهای کار عمومی، نضج گرفت؛ به طوری که تعداد تعاونی‌های کار در سال 1906 به 454 واحد رسید؛ در حالی که تعداد دیگر تعاونی‌های کارگری در آن زمان فقط 174 مورد بود.<sup>3</sup> این بخش، هنوز هم قدرت خود را حفظ کرده است؛ به گونه‌ای که در اواخر دهه 1980، حدود 12 هزار تعاونی کارگری، نیم میلیون نفر را مشغول کار کرده بودند. قوی‌ترین شکل این تعاونی‌ها که ریشه در تعاونی‌های کار دارند، در بخش ساختمان‌سازی است.

اما این تفکر را چگونه می‌توان در کشورهای در حال توسعه هم پیاده کرد؟ چنین اقدامی در این کشورها با توجه به بالا بودن شمار خوش نشینان بی‌کار<sup>4</sup> و نیاز به وجود فعالیت‌های عمومی کار طلب<sup>5</sup> (کاربر) برای به کارگیری آنان، اهمیت به مراتب بیشتری دارد. در هندوستان، حدود 37 درصد کل جمعیت فعال شغلی<sup>6</sup> در این طبقه از فعالیت‌های کاری بی برنامه یا فاقد سازماندهی<sup>7</sup> قرار می‌گیرند که بیشتر هم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. سازماندهی این افراد در قالب تعاونی‌های کار، به ویژه در بخش ساختمان سازی و فعالیت‌ها و صنایع جنگلداری<sup>8</sup>، بهترین راه برای ساماندهی آنها است. هم‌اکنون حدود 30 هزار تعاونی قرارداد کار و ساختمان‌سازی<sup>9</sup> در هندوستان وجود دارد که 12/3 درصد اعضای آنها را افراد عشایر و قبایل تشکیل می‌دهند. 92 فدراسیون ناحیه‌ای<sup>10</sup>، 9 فدراسیون ایالتی<sup>11</sup> و یک فدراسیون عالی (مرکزی) ملی<sup>12</sup> نیز در این عرضه فعالیت دارند. شورای رایزنی ملی<sup>13</sup> پیشنهاد کرده است تمام کارهای ساده‌ای<sup>14</sup> که نیاز به مهارت خاص ندارند به آنها اختصاص یابد؛ از هر نوع مالیاتی معاف باشند و در مناقصات، اولویت با 10 درصد امتیاز ترجیحی به آنها داده

---

<sup>1</sup> . Agricultural depression

<sup>2</sup> . Laid off

<sup>3</sup> . Birchall, 1997, p.22-23

<sup>4</sup> . Unemployed landless

<sup>5</sup> . Labor - intensive

<sup>6</sup> . Working population

<sup>7</sup> . Unorganized labour

<sup>8</sup> . Forestry industries

<sup>9</sup> . Labour contract and construction cooperatives

<sup>10</sup> . District- level federation

<sup>11</sup> . State federation

<sup>12</sup> . Apex national federation

<sup>13</sup> . National advisory council

<sup>14</sup> . Unskilled work

شود<sup>1</sup>. از مجموع 228 میلیون عضو تعاونی در هندوستان، 1/6 میلیون نفر عضو تعاونی‌های کار هستند. بدیهی است است که این تعاونی‌ها پتانسیل بسیار بالایی برای اشتغال دارند، اما باید به لحاظ اقتصادی تقویت شوند؛ شرایط برای رقابت آنان با بخش خصوصی، منصفانه‌تر شود و شرایط کار برای کارگران زن، بهبود یابد.

---

<sup>1</sup> . Prasad,2001

## مورد پژوهی 7: شرکت تعاونی صنعتی واکسی‌های اوگاندا

بیشتر مردم نیاز دارند شغل رسمی، منظم و دارای حقوق مکفی داشته‌باشند، کارفرمایان برای مهارت و کارشان ارزش قائل شوند و این اجازه را داشته‌باشند که به طور جمعی از طریق اتحادیه‌های خود، با کارفرمایان، مذاکره و چانه زنی کنند. همان گونه که در برنامه کارشراقتمندانه سازمان جهانی کار خاطر نشان شده‌است، این آرزویی است که بسیاری از مردم در سر می‌پرورانند، اما هرگز به آن دست نمی‌یابند. از بین شهرنشینان کشورهای توسعه یافته، عده‌ای اندک و در کشورهای در حال توسعه، عده‌ای کثیر، وابسته به نوعی کار نامنظم و فاقد پوشش حمایتی<sup>1</sup> هستند که از آن به عنوان اقتصاد غیررسمی<sup>2</sup> (یا "بخش غیررسمی"<sup>3</sup>) یاد می‌شود<sup>4</sup> و دارای دو شکل اساسی است: اشتغال ادواری کم دستمزد<sup>5</sup> نزد کارفرمایان کوچک محلی و نوعی خویش‌فرمایی (خود اشتغالی) که در واقع بهتر است آن را کم اشتغالی پنهان<sup>6</sup> نامید. کارگران شاغل در هر دو مورد، معمولاً فقیرند و موقعیت متزلزلی در بازار دارند. آن‌ها یا در زنجیره طولانی تولید<sup>7</sup> در اقتصاد جهانی، تا آخرین حد ممکن مورد بهره‌کشی واقع می‌شوند، یا ناچارند به بازارهای محلی متکی باشند. با این حال تلاش می‌کنند از نقاط قوتی که در اختیار دارند، یعنی از کار، از مجموعه واحد خانوادگی، از فناوری در دسترس و از مهارت‌هایی که خارج از نظام تحصیلات رسمی<sup>8</sup> کسب کرده‌اند، بهره‌برداری کنند.

ساماندهی این گروه از کارگران برای اتحادیه‌های صنفی، کار دشواری است. آنانی که دارای کارفرما هستند، ممکن است در یک مؤسسه غیررسمی ناشناخته و فاقد ثبات، آن هم به صورت موقت و ادواری یا فصلی، کار کنند. در هندوستان و امریکای لاتین، اتحادیه‌هایی شکل گرفته است که عمده اعضایشان را کارگران زن، به ویژه در بخش اشتغال خانگی<sup>9</sup> (خانه کاری) و خدمات خانگی<sup>10</sup>، تشکیل می‌دهند. افراد خویش‌فرما و خوداشتغال خوداشتغال هم که کارفرمایی ندارند تا با او چانه‌زنی کنند، خود را در هزاران واحد کوچک، مشغول کار کرده‌اند.

---

<sup>1</sup> . Unprotected

<sup>2</sup> . Informal economy

<sup>3</sup> . Informal sector

<sup>4</sup> . Birchall,2001

<sup>5</sup> . Low- wage intermittent employment

<sup>6</sup> . Disguised underemployment

<sup>7</sup> . Long production chain

<sup>8</sup> . Formal schooling system

<sup>9</sup> . Home-working

<sup>10</sup> . Domestic services

در کشورهای توسعه یافته، تعاونی‌های خدمات مشترک، به ویژه در بین رانندگان تاکسی و خرده‌فروشان جزء<sup>1</sup>، عملکرد موفقیت آمیزی داشته‌اند.<sup>2</sup> یکی از نمونه‌های خوب و بارز این نوع تشکل‌های ویژه افراد فقیر، تعاونی واکسی‌های اوگاندا<sup>3</sup> است. در سال 1975، پنج نفر که به شغل واکس زنی در کامپالا، پایتخت اوگاندا، اشتغال داشتند، تصمیم گرفتند شرکت تعاونی اعتبار و پسرانداز واکسی‌های کامپالا<sup>4</sup> را تشکیل دهند. هدف آنان از این اقدام، ایجاد اشتغال و دفاع از منافع خود در برابر مقامات دولتی بود. در آن زمان که حکومت نظامی در اوگاندا بر سرکار بود، تعاونی‌ها به موجب قانونی به ثبت می‌رسیدند که اختیار آن‌ها را کلاً به دولت می‌داد. تعاونی مذکور برای این‌که از آزادی عمل برخوردار باشد، تا سال 1989 به صورت غیررسمی باقی ماند و در این سال بود که اعضا بنا به دلایلی تصمیم گرفتند آن را رسماً به ثبت برسانند. اوضاع سیاسی و اقتصادی برای شکل‌گیری تشکل‌های مدنی، مساعد شده بود. ولی جامعه به نهادهای فاقد رسمیت، به دیده شک و تردید می‌نگریست و عدم ثبت رسمی را بهانه‌ای برای دغل کاری تصور می‌کرد. افزون بر این، شورای شهر کامپالا در آن زمان تصمیم گرفته بود فعالیت تشکل‌های تجاری غیررسمی را محدود کند. به همین دلیل لازم بود هر چه سریع‌تر برای مقابله با این وضعیت، اقدامی صورت گیرد. در سال 1999، نام تعاونی به «شرکت تعاونی صنعتی واکسی‌های اوگاندا»<sup>5</sup> تغییر یافت. تعاونی اینک 370 عضو دارد که به دو دسته تقسیم می‌شوند: 124 عضو تمام وقت<sup>6</sup> (ثابت) و 246 عضو پاره‌وقت<sup>7</sup> (موقت). اعضای موقت، حق عضویت<sup>8</sup> کمتری می‌پردازند و در همه فعالیت‌های تعاونی مشارکت ندارند، اما از نام و عنوان تعاونی، استفاده می‌کنند.<sup>9</sup>

از سابقه اولیه تعاونی، اطلاع چندانی در دست نیست؛ زیرا غیررسمی بودن ماهیت آن بدین معنا است که سابقه‌ای از آن وجود ندارد. اما می‌توان گفت که با توجه به عدم ثبات سیاسی و فقدان حمایت از نهادهای جامعه مدنی در آن زمان، این غیررسمی بودن برای خود، یک مزیت بود، نه نقطه ضعف. جریان رسمی‌سازی<sup>10</sup> (رسمیت

---

<sup>1</sup> . Small Retailers

<sup>2</sup> . Schwetmann, 2001

<sup>3</sup> . Uganda Shoe-Shiners Cooperative

<sup>4</sup> . Kampala Shoe-Shiners Cooperative Savings and Credit Society

<sup>5</sup> . Uganda Shoe-Shiners Industrial Cooperative Society Ltd.

<sup>6</sup> . Full members

<sup>7</sup> . Part-timer

<sup>8</sup> . MemberShip share

<sup>9</sup> . Kazoora, 2002

<sup>10</sup> . Formalization

بخشی) در سال 1994، شکل‌گیری ساختار سازمانی جدیدی را با یک کمیته اجرایی<sup>1</sup> به دنبال داشت که به موجب موجب قانون تعاون مصوب 1991 بر سه کمیته فرعی<sup>2</sup> نظارت داشت که در مقابل مجمع عمومی، پاسخ‌گو بودند. این کمیته با توسل به اجرای اصل «تعاون بین تعاونی‌ها»<sup>3</sup> (همکاری تعاونی‌ها با یکدیگر) از طریق اتحادیه تعاون اوگاندا<sup>4</sup> و اتحادیه پس‌انداز و اعتبارات تعاونی اوگاندا، توانست بستر لازم را برای دسترسی اعضا به برنامه‌های کارآموزی تعاونی<sup>5</sup> فراهم آورد. تعاونی از هیچ کوششی برای گسترش دامنه فعالیت‌های تجاری خود و خدمات‌رسانی به اعضا، فروگذار نکرده است و با تشکیل یک مرکز خدمات پس‌انداز و اعتبار<sup>6</sup> کوشیده است ضمن ضمن بازاریابی و فروش واکس و برس کفش و اجاره جعبه‌های واکس‌زنی، در فعالیت‌های جدیدی مانند حمل و نقل عمومی و خرید و فروش مستغلات<sup>7</sup> نیز سرمایه‌گذاری کند. به قول یکی از صاحب‌نظران امر «بسیاری از این نوع پروژه‌ها صرفاً به دلیل نبود منابع مالی، نتوانسته‌اند توفیقی حاصل کنند»<sup>8</sup>. کسب سود (قابلیت سود دهی)<sup>9</sup> در این تشکله‌ها اگر چه همچنان چالشی بزرگ محسوب می‌شود، اما توانسته است سطح زندگی اعضا را بهبود بخشد و برای شمار زیادی از جوانان، ایجاد اشتغال کند. از سال 1996 به بعد هم، زنان مجاز به عضویت در این تعاونی شدند، اما تعدادشان در حال حاضر بسیار اندک و حدود فقط 5 درصد است.

### بحث و تفسیر

نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که تعاونی‌هایی از این نوع، به کمک دیگران، به ویژه کمک تعاونی‌های پردرآمدتر و نیز مساعدت‌های سازمان غیردولتی و دولت نیاز دارند تا بتوانند با تنوع بخشی به فعالیت‌های خود، مبارزه‌ای جدی را برای مقابله با معضل فقر و حاشیه راندگی اقتصادی اعضا، شروع کنند. تعاونی‌های ویژه اعضای خیلی فقیر، به همین حالت باقی خواهند ماند، مگر این‌که به بازارهای بزرگتر وصل شوند، فرصت‌های لازم برای آموزش، تربیت و کارآموزی اعضا در اختیارشان قرار گیرد و از نوع حمایت‌هایی که لازمه

---

<sup>1</sup> . Executive committee

<sup>2</sup> . Sub-committee

<sup>3</sup> . Cooperation between cooperative

<sup>4</sup> . Uganda cooperative alliance

<sup>5</sup> . Cooperative training programs

<sup>6</sup> . Sarings and credit service

<sup>7</sup> . Real estates

<sup>8</sup> . Kazoora, 2002, p.55

<sup>9</sup> . Profitability

رشد و توسعه تمامی شکل‌های اقتصادی کوچک است، بهره‌مند شوند. نگاهی به سیر توسعه تعاونی، این واقعیت شگفت‌آور را آشکار می‌سازد که تعاونی‌های رسمی<sup>1</sup> از دیرباز، مورد حمایت همه جانبه دولت‌ها و جامعه کمک دهنده بین‌المللی بوده‌اند؛ در حالی که تعاونی‌های غیررسمی از نوع مورد بحث ما، همچنان فراموش شده و بی‌پشتیبان، باقی مانده‌اند.

آیا این تعاونی می‌تواند همان الگوی موردنظر برای ساماندهی در اقتصاد رسمی باشد؟ البته این امر می‌تواند تا حدودی صحت داشته باشد، اما لازم است به توسعه این گونه تعاونی‌ها کمک شود تا بتوانند ظرفیت اشتغال آفرینی خود را تقویت کنند و به محصولاتشان تنوع ببخشند. واکس‌زدن کفش، یکی از پیشه‌ها و فعالیت‌های متعدد کنار خیابانی است که اگر در قالب تعاونی انجام می‌شود، نه تنها می‌تواند موجب تسهیل روند مهارت‌آموزی<sup>2</sup> و بسط فرصت‌های شغلی برای اعضا گردد، بلکه زمینه را برای تربیت آنان از طریق آموزش بزرگسالان<sup>3</sup> فراهم می‌آورد. لازم است نسبت به ایجاد شبکه‌هایی متشکل از این گونه تعاونی‌ها نیز اقدام شود تا بتوانند از این رهگذر، هم صدای خود را به گوش مقامات محلی برسانند و هم توان خود را در کنترل روند عرضه و بازاریابی محصولات و خدماتشان، افزایش دهند. این تعاونی‌ها همچنین به وجود تشکیلی سطح بالاتر مانند اتحادیه صنفی، یعنی به چیزی شبیه «انجمن زنان خویش فرما» (SEWA)<sup>4</sup> در هند نیاز دارند که توانسته است ارزش بالای خود را در به کارگیری کارگران زن از بخش‌های مختلف جامعه هند و نیز شناسایی فرصت‌های لازم برای آنان به منظور افزایش درآمدهایشان از طریق شکل‌های تعاونی، نشان دهد. از این انجمن به عنوان الگو برای تشکیل اتحادیه صنفی در آفریقای جنوبی و کلمبیا و نیز در بسیاری از کشورهای دیگر، استفاده شده است<sup>5</sup>

---

1 . Official Cooperatives

2 . Skills Training

3 . Adult Education

4 . Self-Employed Women's Association

5 . Birch all,2001a



## مورد پژوهی 8: گروه‌های بهره‌بردار جنگل‌داری اجتماعی در ارتفاعات نپال

جوامع محلی، در بسیاری کشورها، اراضی عمومی و مشاع خود را براساس قراردادهایی که عرف و سنت ضامن اجرایشان بود، به شیوه‌ای پایدار اداره می‌کردند. شکل‌گیری دولت‌های نوین و خصوصی‌سازی اراضی در چارچوب الگوی مالکیت فردی<sup>1</sup> به سبک و سیاق اروپاییان، ریشه سنت‌ها را به گونه‌ای تضعیف کرد که اینک بهره‌برداری بی‌رویه<sup>2</sup> (افراطی)، اراضی عمومی را به شدت تهدید می‌کند و هراز چند گاهی منازعاتی بر سر این امر که چه کسی یا کسانی حق بهره‌برداری از آن‌ها را دارند، در می‌گیرد.

حکومت نپال، هنگامی به این مسأله پی‌برد که در سال 1978 قانونی مبنی بر واگذاری بخش زیادی از جنگل‌های عمومی و مناطق مرتفع و شیب‌دار به جوامع محلی را از تصویب گذارند. این اقدام، گام مهمی به شمار می‌آمد. در نپال، بیشتر مردم را کشاورزان کوچک تشکیل می‌دهند و مالکیت زمین<sup>3</sup>، الگویی بسیار نامتوازن دارد؛ به طوری که 60 درصد اقشار پایین جامعه، مالکیت فقط 20 درصد اراضی را در اختیار دارند. بیش از 20 درصد خانوارها، خوش‌نشین‌اند که این امر، فعالیت‌های خارج از مزرعه را بسیار با اهمیت ساخته است.<sup>4</sup> هدف دولت از اقدام مذکور، نیل به مدیریت محلی از طریق تشکل‌های روستایی بود. اما دیری نپایید که نامناسب بودن این اقدام به اثبات رسید و معلوم شد که این تشکل‌ها «به ندرت می‌توانند به عنوان مجامع تصمیم‌ساز و طرف بحث با دولت، عمل کنند»<sup>5</sup> و مشخص گردید که بهتر است کنترل جنگل‌ها به جای کل جوامع محلی، به گروه‌های بهره‌بردار<sup>6</sup> واگذار شود. این گروه‌ها توانستند با موفقیت، قوانینی برای بهره‌برداری از اراضی مشاع، وضع و آن‌ها را با توسل به مجازات‌های اجتماعی<sup>7</sup> و استفاده از جنگلبانان، اعمال کنند. به موجب مفاد قانون 1993 جنگل‌ها در نپال، عملکرد گروه‌های بهره‌بردار مورد تأیید قرار گرفت و بدین ترتیب، اختیارات بیشتری به آن‌ها تفویض گردید. البته مالکیت اراضی همچنان در اختیار دولت است؛ اما مالکیت درختان به خود گروه‌ها تعلق دارد. آن‌ها، شخصاً منابع را مدیریت، قیمت محصولات تولیدی را تعیین و نحوه هزینه کرد مازادها را مشخص می‌کنند. در سال

1. Individual ownership

2. Over - use

3. Land ownership

4. Munkner and shrestha, 1999

5. World Bank, 2001b

6. User groups

7. Social sanctions

1997، شش هزار گروه، 450 هزار هکتار زمین را اداره می‌کردند و این در حالی بود که شش هزار گروه دیگر منتظر ثبت نام بودند.

این گروه‌ها عنوان تعاونی ندارند. پس از جنگ جهانی دوم، حکومت نپال، تمامی اشتباهات ممکن را در تشکیل تعاونی‌هایی که تحت کنترل دولت بودند، مرتکب گردید که از آن جمله می‌توان تعجیل در تنظیم طرح‌های اقتصادی پنج‌ساله، اتکای بیش از حد<sup>1</sup> به یارانه‌ها، توسل به سوء استفاده‌های سیاسی و نظایر آن را نام برد. کشاورزان به زور، عضو تعاونی می‌شدند؛ بخشی از درآمدها را اجباراً پس‌انداز می‌کردند و اداره تعاونی‌ها در اختیار «افراد مرفه، با نفوذ و پرقدرت»<sup>2</sup> بود. بدین ترتیب، تعاونی به نامی تبدیل شد که همه از آن فرار می‌کردند. با بازگشت دموکراسی به کشور در سال 1990 و تصویب قانون جدید تعاون که در آن، اصل استقلال عمل و خودگردانی تعاونی‌ها<sup>3</sup> به رسمیت شناخته شده است، هم اینک تعاونی‌های واقعی در حال شکل‌گیری هستند. ثبت گروه‌های غیررسمی، آغاز شده است و تعاونی‌های کشاورزی موجود، در حال تبدیل وضعیت هستند؛ یعنی یا در حال ورشکستگی‌اند و یا دارند به شکل‌های پایدار تبدیل می‌شوند. تعاونی‌های لبنیات و بخش‌های تجهیزات زراعی، رشد فزاینده‌ای به خود گرفته‌اند؛ اما هنوز لازم است از راه‌کار تعاونی، تصویری جدید در اذهان مردم ساخته شود.

### بحث و تفسیر

گروه‌های خودیار محلی، ارزشمندی خود را در عرصه مدیریت جنگل و منابع جنگلی در کشورهای دیگر نیز به اثبات رسانده‌اند. قبلاً هم نشان دادیم که گروه‌های خودیار عشایری (قبیله‌ای) هند، چه عملکرد مثبتی در مدیریت جنگل‌های ایالت اوریسا از خود بروز داده‌اند. در ایالت گجرات هند نیز اداره کردن جنگل‌ها معضل بزرگی به شمار می‌آمد؛ به طوری که در خلال دهه 1980، سالانه به طور میانگین بالغ بر 18 هزار مورد تخلف در این حوزه به ثبت رسید و 20 مأمور جنگلداری نیز بر اثر درگیری با جوامع محلی، جان خود را از دست دادند.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> . Over-Reliant

<sup>2</sup> . Munkner and Shrestha, 1999, P. 106

<sup>3</sup> . Autonomy of cooperatives

<sup>4</sup> . World Bank, 2001b

انجام یک آزمایش تجربی در امر مدیریت مشترک<sup>1</sup> جنگل، به تشکیل کمیته‌های حفاظت از جنگل<sup>2</sup> و تقسیم منافع حاصله منجر گردید؛ به طوری که 25 درصد بازدهی‌های حاصل از الوارها به گروه‌های محلی تعلق می‌گرفت. در این مورد نیز همانند تجربه اوريسا، خود مردمان محلی با پذیرش مسؤولیت دیده‌بانی جنگل‌ها توانستند میزان بهره‌وری زمین‌ها را افزایش دهند و منابع درآمدی<sup>3</sup> جدیدی برای افراد فقیر تولید کنند در این طرح‌ها، توسعه مشارکتی، پایداری زیست محیطی و تعاونی‌ها، حسابی با هم جفت و جور شده‌اند.

---

<sup>1</sup> . Joint Management

<sup>2</sup> .Forest Protection Committees

<sup>3</sup> . Sources Of income

## مورد پژوهی 9: تعاونی مصرف در روسیه

تعاونی‌های مصرف، از کهن‌ترین انواع تعاونی هستند که ریشه در یکی از خواست‌های ابتدایی و اولیه مردمان کم‌درآمد دارند و آن، یعنی جمع شدن با هم به منظور کاهش هزینه‌های زندگی است. همان‌گونه که در فصل اول عنوان شد، روند شکل‌گیری این تعاونی‌ها، در مراحل ابتدایی انقلاب صنعتی در بریتانیا در اواخر سده هیجدهم آغاز شد. هدف از تشکیل این تعاونی‌ها رفع نیازهای یک طبقه کارگری شهرنشین جدید در زمانی بود که هنوز بخش خرده‌فروشی انتفاعی خصوصی<sup>1</sup> آن‌چنان که باید و شاید پا نگرفته بود. این تعاونی‌ها به سرعت در سرتاسر اروپا رواج یافتند؛ چرا که شرایط مشابه حاکم بر طبقه کارگر در این منطقه از جهان، آنان را وادار می‌ساخت روند توزیع و مصرف مواد غذایی، پوشاک، سوخت و دیگر مایحتاج اساسی زندگی خود را در قالب چارچوبی مشخص، ساماندهی کنند. تعاونی‌های مصرف اگر چه هنوز هم در برخی کشورها (مشخصاً در ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، یونان و سوئد) در حال افزایش سهم خود از بازار هستند، ولی با رقابت بسیار شدیدی از سوی خرده‌فروشان کالاهای متنوع روبه‌رو شده‌اند و این در حالی است که در فرانسه، اتریش، بلژیک و هلند، کلیه بخش‌های تعاونی، از حالت تعاون خارج شده‌اند.<sup>2</sup> تعاونی‌های شبه دولتی<sup>3</sup> (نیمه دولتی) در کشورهای کمونیستی سابق، بخش عظیمی از شبکه توزیع<sup>4</sup> را به خود اختصاص داده بودند. اما در جریان تبدیل وضعیت این کشورها و گذر به جوامع بازاری، بسیاری از این تعاونی‌ها یا خصوصی شده‌اند یا از بین رفته‌اند. در لهستان، بین سال‌های 1987 تا 1991، حجم معاملات خرده‌فروشی به یک سوم میزان قبلی کاهش یافت و تعداد اعضا نیز به نصف رسید.<sup>5</sup> در کشورهای دیگر، مداخلات اتحادیه بین‌المللی تعاون و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط، باعث جلوگیری از انحلال تعاونی‌های محلی و تشکیل سهامداران عضو، به معنای واقعی گردید. تا اواسط دهه 1990، تعاونی‌های مصرف هنوز حدود 20 تا 30 درصد سهم بازار را در بیشتر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در اختیار داشتند.<sup>6</sup> این تعاونی‌ها هنوز هم در مناطق روستایی، جایگاه مستحکم و پر قدرتی دارند.

1. Private for-profit retail sector

2. ILO, 2001, p.39-40

3. Parastatal cooperatives

4. Distribution network

5. Kowalak, 1993

6. Birchall, 1997

در روسیه، در خلال جریان گذار به اقتصاد بازار، تعاونی‌های کلینسکی<sup>1</sup> و استوپینسکی<sup>2</sup>، شمار زیادی از اعضای خود را از دست دادند و با مشکلات مالی شدیدی روبه‌رو گردیدند.<sup>3</sup> با این حال، علی‌رغم افزایش شدت رقابت و تأثیرات بازار سیاه<sup>4</sup>، این دو تعاونی توانسته‌اند بازگشت موفقیت‌آمیزی در راه‌اندازی مجدد فعالیت‌های اقتصادی خود داشته باشند. منطقه کلینسکی، با 4 شهرک و 260 روستا، در شمال مسکو واقع است؛ در حالی که استوپینسکی، در جنوب مسکو قرار دارد و دارای 3 شهرک و 210 دهکده است. صنایع و فعالیت‌های اصلی هر دو منطقه را کشاورزی و تولید مواد غذایی تشکیل می‌دهند. هر دو تعاونی ظاهراً در دوران حاکمیت کمونیست‌ها، به خوبی اداره می‌شدند و در جریان دوران گذار توانستند با اتخاذ یک راهبرد ضدبحران<sup>5</sup>، بقای خود را تضمین کنند.

در تعاونی کلینسکی، افراد جدیدی به عنوان هیأت مدیره انتخاب شده‌اند. در میان آنان تعدادی مدیر جوان نیز دیده می‌شود که دوره‌های آموزش حرفه‌ای تعاونی را طی کرده‌اند و ایده تعاون را با کمال جدیت دنبال می‌کنند. اگر چه قانون تعاونی‌های مصرف در سال 2000 به تصویب رسید، اما قبل از آن، تعاونی‌ها بی‌کار نشسته بودند و با اتخاذ آیین‌نامه‌های جدید براساس ارزش‌ها و اصول بین‌المللی تعاون، کار خود را دنبال می‌کردند. حرکتی برای نام‌نویسی مجدد اعضا با هدف «شکل‌دهی یک عضویت با ثبات و واقعی به صورت آزادانه و اختیاری»<sup>6</sup> آغاز گردید. چهار نوع فروشگاه زنجیره‌ای<sup>7</sup> جدید، شامل زنجیره مواد غذایی ارزان قیمت، زنجیره کالاهای خانگی، فروشگاه‌های بزرگ<sup>8</sup> و فروشگاه‌های مواد غذایی تازه، افتتاح گردید. روند تهیه و تدارک محصولات کشاورزی، کارآمدتر از قبل شد و یک برنامه تولید سرمایه، آغاز شد. در سال 1999، سود ناخالص<sup>9</sup> تعاونی به 11 درصد رسید. بین دوره چهارساله 1995 تا 1999، میزان فروش آن 153 درصد افزایش یافت. در مجموع، 676 شغل جدید با حقوق دریافتی بالاتر از میانگین، تولید شد. به کلیه اعضا، سود سهام سالانه از محل

---

1. Klinski

2. Stupinski

3. Altshul, 2002

4. Black market

5. Anti-crisis strategy

6. Altshul, 2002

7. Store chains

8. Department store

9. Gross profit

خریدها پرداخت می‌شود و به افراد و اعضای قدیمی‌تر و پیش‌کسوت<sup>1</sup>، سودهای سهام دیگری نیز تعلق می‌گیرد. به مدارس و بیمارستان‌های محلی هم سود سهام اجتماعی<sup>2</sup> در قالب هدیه یا کمک‌های خیریه<sup>3</sup> پرداخت می‌شود. تعاونی استوپی‌نسکی هم به همین شکل، بازسازی و احیا شد. اما در آن، بیشتر بر توسعه شبکه خرده‌فروشی تأکید می‌شد و یک مجتمع فروشگاه‌های (مرکز خرید)<sup>4</sup> و چند فروشگاه سیار<sup>5</sup>، نیازهای روستاهای کوچک را تأمین می‌کردند. استوپی‌نسکی به مانند کلینسکی، از سپرده‌های اعضا<sup>6</sup> به عنوان یکی از راه‌های افزایش سرمایه استفاده می‌کرد، اما یک صندوق توسعه<sup>7</sup> هم برای جذب سرمایه‌های قابل توجه، تشکیل داده بود. بر تلفیق مدیریت مدیریت حرفه‌ای شایسته با نظارت دموکراتیک (مردمی) امور نیز تأکید می‌شد. هفت تن از ده مدیر برتر<sup>8</sup> آن، زن هستند. بین سال‌های 1996 تا 2000، نرخ سودآوری آن به 10 درصد رسید. میزان فروش، 173 درصد افزایش یافت و سهم بازار<sup>9</sup> آن نیز به 20 درصد رسید. در مجموع، 130 شغل جدید نیز ایجاد شد.

#### بحث و تفسیر

در سال 1935، استالین فعالیت تعاونی‌ها را در مناطق شهری ممنوع کرد و به همین دلیل، این دو شرکت تعاونی کار خود را از روستا آغاز کردند؛ اما اینک به مناطق شهری که بیشترین جمعیت را در خود جای داده‌اند، بازگشته‌اند. اگر چه آمار و ارقام دقیقی درباره میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر کاهش فقر در دست نیست، اما می‌توان با درصد بالایی از اطمینان عنوان کرد که تأثیری جدی و فزاینده بر روند کاهش هزینه‌های زندگی و انتخاب مصرف‌کنندگان در مناطق تحت پوشش داشته‌اند.

در کشورهای دیگر نیز همین روند بازسازی دنبال می‌شود. برای نمونه، براساس گزارش‌های تحقیقی، در ارمنستان فقط تعدادی تعاونی مصرف باقی مانده است که در واقع، تنها تعاونی‌هایی هستند که توانسته‌اند پس از اعلام انحلال تعاونی‌ها از سوی دولت در اوایل دهه 1990، بقای خود را حفظ کنند. در حال حاضر، 40 شرکت

---

<sup>1</sup> . Longstanding members

<sup>2</sup> . Social dividends

<sup>3</sup> . Donation

<sup>4</sup> . Shopping center

<sup>5</sup> . Mobile shops

<sup>6</sup> . Member deposits

<sup>7</sup> . Development fund

<sup>8</sup> . Top manager

<sup>9</sup> . Market share

تعاونی وابسته به یک اتحادیه مرکزی با حدود بیش از نیم میلیون عضو، در ارمنستان وجود دارد. پروژه‌ای توسط اتحادیه بین‌المللی تعاون به منظور تقویت بنیه اقتصادی<sup>1</sup> پنج تعاونی به اجرا درآمده است. اعضای این تعاونی‌ها تماماً کشاورزان کوچک روستایی<sup>2</sup> هستند که به دلیل تعطیلی تعاونی‌های کشاورزی، قادر به بازاریابی و فروش محصولات خود نیستند. تعاونی‌های مصرف، با ورود به این شکاف موجود در بازار، کشاورزان کوچک را در بازاریابی محصولاتشان یاری می‌دهند و خود نیز وارد عرضه تولید محصولات باغی<sup>3</sup> و کشاورزی شده‌اند. در این بین اقداماتی را نیز برای ایجاد یک زنجیره فراوری جهت تولید کمپوت میوه و سبزی و تولید فرش و چرم، افتتاح چند نانویی و اخیراً هم فروش طلا و جواهر در فروشگاه‌های بزرگ آغاز کرده‌اند. آن‌ها بازارهای کشاورزی را در اختیار دارند و در شرف ایجاد یک شبکه خرده‌فروشی ویژه فقیرترین طبقات جامعه هستند.<sup>4</sup>

این موارد به خوبی نشان می‌دهد که الگوی تعاونی مصرف، هنوز هم تا چه اندازه می‌تواند برای فقرزدایی در کشورهای کمونیستی سابق<sup>5</sup>، مؤثر باشد. اما این الگو تا چه حد می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه هم مفید و مناسب باشد؟ در امریکای لاتین تعاونی‌های قدرتمندی وجود دارد. اواخر دهه 1980، در آرژانتین، شیلی و اوروگوئه جمعاً 685 تعاونی مصرف با حدود 2 میلیون و 300 هزار عضو وجود داشت.<sup>6</sup> در هندوستان، بیش از 25 هزار تعاونی با حدود 700 انبار عمده‌فروشی مرکزی<sup>7</sup>، فعالیت دارند و این در حالی است که در سریلانکا، تقریباً کل جمعیت، تحت پوشش تعاونی قرار دارند. در برخی کشورها تعاونی‌ها تلاش دارند با اتکا به حمایت دولت، موجودیت خود را حفظ کنند. مسأله این است که مدیریت خرده‌فروشی، کار چندان ساده‌ای نیست؛ بلکه به مهارت‌های مدیریتی عدیده‌ای، از دفترداری<sup>8</sup> و بازاریابی گرفته تا کارگزینی و مدیریت کارکنان<sup>9</sup>، نیاز دارد. این کار کار در مناطق روستایی بهتر جواب می‌دهد، چرا که در این مناطق، رقابت چندان از سوی کسبه و تجار بخش خصوصی مشاهده نمی‌شود.

---

1. Economic base

2. Rural small farmers

3. Horticultural production

4. Altshul, 2002, p. 10

5. EX-communist countries

6. ILO, 2000c

7. Central wholesale warehouse

8. Book keeping

9. Personnel management

## مورد پژوهی 10: برنامه آکوپام در ساحل افریقا

فرض کنید می‌توانستیم یک برنامه دراز مدت همکاری فنی<sup>1</sup> ویژه افراد فقیر راه‌اندازی کنیم که در آن توسعه مشارکتی در سطح نسبتاً گسترده‌ای لحاظ شده باشد و از این طریق قادر باشیم بر نتایج حاصل از برنامه، اعمال نظارت نماییم. این روش می‌تواند بهترین راه برای آزمایش کردن این باور باشد که «کلید توسعه اجتماعات محلی در دستان خودشان است»<sup>2</sup> و این‌که توسعه پایدار، حضور و مشارکت فعال خود افراد محلی را در تمامی مراحل اجرای یک برنامه طلب می‌کند.<sup>3</sup> چنین فرصتی برای اجرای یک برنامه در منطقه ساحل افریقا فراهم شده است. بین سال‌های 1978 تا 2000، سازمان جهانی کار، برنامه‌ای را با عنوان اختصاری آکوپام<sup>4</sup> در 6 کشور این منطقه، شامل بورکینافاسو، کیپ ورد<sup>5</sup>، مالی، موریتانی، نیجریه و سنگال به اجرا درآورد. این برنامه که با مساعدت 50 میلیون دلاری نروژ اجرا می‌شد، از مشارکت مستقیم بیش از 85 هزار سکنه مناطق روستایی سود می‌برد که در بالغ بر 2 هزار تشکل مردم نهاد<sup>6</sup> محلی، از جمله تعاونی‌ها و گروه‌های خودیار، عضویت داشتند.

مسأله این بود که در دهه 1970، کشورهای منطقه ساحل افریقا گرفتار خشکسالی طولانی مدت، تحلیل و تقلیل اراضی حاصل‌خیز و مرگ و میر ناشی از سوء تغذیه شده بودند. به نظر می‌رسید که تنها راه مقابله با این وضعیت، مهاجرت به مناطق شهری حوزه جنوب باشد. سازمان جهانی کار در گزارشی، آکوپام را چنین توصیف می‌کند:

«توازن شکننده بین عشایر دامدار کوچنده<sup>7</sup> و کشاورزان اسکان یافته<sup>8</sup>، بر هم خورده بود و کارآمدی آداب آداب و سنن کهن و فوت و فن‌های قدیمی<sup>9</sup> زیر سؤال رفته بود. مسؤولان امر نیز به دلیل نبود منابع و امکانات و بعضاً فقدان عزم و اراده سیاسی، قادر نبودند اقدام مثبت و سازنده‌ای انجام دهند»<sup>10</sup>.

---

<sup>1</sup> . Technical cooperation

<sup>2</sup> . ILO,2000c

<sup>3</sup> . ILO,2000C,p.5

<sup>4</sup> . ACOPAM

<sup>5</sup> . Cape verde

<sup>6</sup> . Grassroots organization

<sup>7</sup> . Nomadic livestock breeders

<sup>8</sup> . Settled farmers

<sup>9</sup> . Old-aged know-hows

<sup>10</sup> . ILO,2000c,p.5



تنها کمکی هم که در این شرایط از دست بنگاه‌های کمک دهنده بین‌المللی بر می‌آمد، تزریق کمک‌های غذایی موقت به منطقه بود. اما هدف برنامه آکوپام، تقویت ظرفیت جوامع روستایی برای مدیریت بهینه منابع طبیعی خود؛ تضمین افزایش روند دسترسی به خدمات اساسی مانند اعتبارات، آموزش، خدمات اولیه بهداشتی؛ بهسازی انبارها و نگهداری و بازاریابی محصولات آنان بود. اصول راهنمای این برنامه آن بود که ضمن جلب مشارکت مردم محلی برای اقداماتی مانند ارزیابی شرایط به صورت جمعی و مشترک، برای انجام فعالیت‌ها و ارزشیابی‌ها به صورت مشارکتی نیز برنامه‌ریزی کند و پس از این که روستاییان توانایی لازم را برای کنترل کامل اوضاع به دست آورند، کمک‌های برنامه به تدریج قطع شود.

فعالیت‌های مورد برنامه نظر از این قرار بود: ایجاد بازارهای خودگردان<sup>1</sup> پنبه (به طوری که هم‌اکنون 80 درصد محصول پنبه منطقه از طریق این بازارها به فروش می‌رسد)؛ احداث بیش از 300 بانک (انبار) غله روستایی<sup>2</sup> به منظور فروش مازادهای تولید به قیمت‌های غیر سودجویانه<sup>3</sup> (از تولید به مصرف) به ساکنان مناطق دچار افت محصول<sup>4</sup>؛ ایجاد طرح‌های پس انداز و اعتبار برای 7 هزار عضو تشکل‌های ویژه زنان؛ با راه‌اندازی طرح‌های آبیاری روستایی برای پوشش بیش از 3 هزار هکتار از اراضی حدود 25 هزار کشاورز و تشکیل کمیته‌های مدیریت منابع روستا<sup>5</sup> برای مقابله با فرسایش و تخریب اراضی<sup>6</sup>. در این برنامه، دو مؤلفه حفاظت از محیط زیست و درآمدزایی، به موازات هم حرکت می‌کنند. برای نمونه، کشت چند ردیف درخت اکالیپتوس در اطراف مناطق زیر کشت محصولات زراعی، ضمن کمک به حفظ رطوبت خاک، موجبات افزایش درآمد کشاورزان را از طریق تولید چوب نیز فراهم می‌آورد. بیشتر از نیم میلیون قطعه درخت از این طریق در سرتاسر منطقه کشت شده است. این برنامه از منظر تولید اشتغال نیز شایان توجه است. تا کنون بیش از 50 هزار فرصت شغلی در قالب فعالیت‌های خویش‌فرمایی ایجاد شده که درآمد حاصل از فروش محصولات جانبی<sup>7</sup> آن‌ها به متخصصانی مانند

---

1. Self-Managed markets

2. Village grain bank

3. Non-Speculative price

4. Poor harvest

5. Village Resource management committee

6. Land degradation

7. Spin-offs

دامپزشکان<sup>1</sup> و نیز صنعتگران و مغازه‌داران، به اقتصادهای محلی تزریق می‌شود. این پروژه‌ها توانسته‌اند از طریق این فعالیت‌های محوری، پای خود را به مجامع و تشکل‌های منطقه‌ای و ملی باز کنند و به آن‌ها نماینده معرفی نمایند. طرح‌های بیمه بهداشت تعاونی<sup>2</sup> این پروژه‌ها، موجب ارائه خدمات بهداشتی و اعمال مدیریت و نظارت بر داروخانه‌های روستایی شده است.

هدف مبنی بر کاهش فقر، در این پروژه‌ها محقق شده است. گزارش ارزیابی‌های صورت گرفته، از ارتقای سطح زندگی، افزایش محصولات کشاورزی، بهبود امنیت غذایی و نیز بهبود مدیریت منابع طبیعی در منطقه حکایت دارد. در متون و ادبیات توسعه، همواره صحبت از این است که باید شرایط و بستر مساعد برای اجرای راهبردهای کاهش فقر مهیا باشد. اما در این پروژه‌ها، علی‌رغم وجود شرایط نامساعد، مانند بارش نامنظم، رشد بالای جمعیت، افزایش بی‌کاری، وخامت خدمات اجتماعی و در پاره‌ای موارد، نبود دموکراسی، هدف کاهش فقر، به خوبی حاصل شده است. رمز این موفقیت‌ها، کمک به زنان در کسب درآمد بیشتر (مثلاً از طریق کشت سبزیجات) و نیز استفاده از آنان برای بهبود شرایط تحصیلی و خدمات بهداشتی فرزندان خود بوده است. آکوپام ضمن تأکید بر «نقش محوری»<sup>3</sup> زنان در جوامع روستایی، ارتقای جایگاه آنان را از طریق توسعه اقتصادی، امری الزامی می‌داند که برگزاری دوره‌های آموزشی، پس‌انداز و اعتبار و ترویج تشکل‌های ویژه زنان، تماماً بخشی از این فرایند به شمار می‌آیند. افزایش آگاهی، نه تنها در بین زنان، بلکه در کل افراد جامعه، اعم از مرد و زن، پیر و جوان، معلولان<sup>4</sup> و دیگر اقشار و گروه‌های محروم و نا برخوردار<sup>5</sup> نیز بخش دیگری از این فرایند را تشکیل می‌دهد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی این موفقیت، کیفیت و استمرار روند آموزش است. مردم برای کسب اعتماد به نفس لازم برای ارزیابی شرایط خود و نهایتاً انجام اقداماتی در راستای بهبود این شرایط، نیاز به دانش و مهارت دارند. این مهم از طریق شیوه «سواد آموزی فعال»<sup>6</sup> محقق می‌شود که در آن مروجان<sup>7</sup> (مددکاران ترویج) فرایند

---

1. Vets

2. Mutual health insurance scheme

3. Pivotal role

4. The disabled

5. Underprivileged

6. Active literacy

7. Extension workers

یادگیری را براساس شرایط زندگی روزمره شرکت کنندگان<sup>1</sup> (فراگیران)، برای آنها تسهیل می‌کنند. پس از یادگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن، نوبت یادگیری مهارت‌های تخصصی‌تری مانند آشنایی با نحوه دفترداری و مدیریت می‌رسد. نوع آموزش‌های فنی نیز بر پایه نیازهای ابراز شده از سوی خود فراگیران، انتخاب می‌شود.

کمک‌های مالی، طی یک دوره 12 ماهه بین 1999 تا 2000 مرحله‌بندی شد. اما دنباله کار را چند شبکه ملی پی گرفتند که دارای ظرفیت و انگیزه لازم برای این کار بودند.<sup>2</sup> فدراسیون‌های ملی و منطقه‌ای، توسط سه تشکل تولید سطح اول<sup>3</sup>، شامل اتحادیه‌های بانک محله، تشکل‌های زنان و شرکت‌های تعاونی همیار<sup>4</sup>، تشکیل گردید. هشت شبکه ملی از متحدان یا شرکای توسعه<sup>5</sup> نیز به منظور ادامه کار آکوپام تشکیل گردیده که در قالب یک شبکه موسوم به «شبکه افریقایی تشکل‌های توسعه محلی»<sup>6</sup> در هم ادغام شده‌اند. در این بین، چند سازمان غیردولتی محلی جدید نیز تشکیل شده است که مهارت‌های مورد نیاز برای سازمان‌دهی امور آموزش و تعاون را در اختیار دارند و اقداماتی را برای عقد قرارداد مستقیم با بنگاه‌های کمک مالی<sup>7</sup> آغاز کرده‌اند. تمامی این‌ها حکایت از شکل‌گیری یک جامعه مدنی نوظهور دارد که اگر چه تشکیل دهنده بنیان یک شراکت طبیعی با دولت به شمار می‌آید، اما در عین حال، دولت‌ها را برای انجام مسئولیت‌ها و تعهداتشان به چالش می‌کشد و برای ارائه طرح‌های ابتکاری مردم نهاد<sup>8</sup>، بسترسازی می‌کنند. آکوپام قبل از این‌که امور را به خود نهادهای محلی واگذار کند، زمینه‌سازی لازم را برای تدوین قوانین جدید تعاون در چند کشور به عمل آورد تا محیط مساعد برای تداوم فعالیت این تشکل‌ها فراهم شود.

## بحث و تفسیر

هنوز زود است در این باره اظهارنظر کنیم که سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های بومی<sup>9</sup> جایگزین آکوپام تا چه اندازه قادر خواهند بود دستاوردهای این برنامه را حفظ کنند و یکپارچگی آن را تداوم بخشند؛ زیرا هنوز هم

---

<sup>1</sup> . Participants

<sup>2</sup> . ILO,2000c,chap.5

<sup>3</sup> . Primary producers organization

<sup>4</sup> . Mutual societies

<sup>5</sup> . Development parttner

<sup>6</sup> . African network of local developement organization

<sup>7</sup> . Aid agency

<sup>8</sup> . Grassroots initiatives

<sup>9</sup> . Indigenous networks

باید با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کنند. اول از همه، مسائل و مشکلات عمومی، از قبیل تأثیرات برنامه‌های اصلاح ساختاری، مناقشات و اختلافات اجتماعی، درگیری‌های قومی، نرخ بالای بی‌سوادی بزرگسالان به ویژه در بین زنان، مهاجرت از روستا به شهر<sup>1</sup> و نتیجتاً، افزایش نرخ بی‌کاری است. دوم، مسائل حقوقی و نهادی، همچون عدم تمایل بانک‌ها به اعطای وام به تشکل‌های محلی، کمبود خدمات حمایتی برای بخش کشاورزی، شفاف نبودن وضعیت حقوقی<sup>2</sup> و قانونی اراضی و لزوم وجود قوانین شفاف برای تعاونی‌ها است. سوم، مسائل و مشکلات مرتبط با جوامع محلی، محافظه کاری و مقاومت در برابر پذیرش تغییر<sup>3</sup> است. هنوز نمی‌توان به روشنی در این باره باره که آیا برنامه نمی‌بایست عرصه را به این زودی خالی می‌کرد و یا این که آیا ممکن است دستاوردهای برنامه از بین برود، قضاوت کرد. اما نکته مسلم آن است که وضعیت آن‌ها کاملاً شکننده است. نیاز به کمک‌های بین‌المللی هنوز هم وجود دارد و نمی‌توان با قاطعیت عنوان کرد که آیا کار، دلسوزانه و منطقی دنبال خواهد شد یا خیر. پاسخ بیشتر این پرسش‌ها بستگی به ظرفیت دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌های روستایی در راستای تقویت تشکل‌های محلی و بسترسازی برای نیل به خوداتکایی دارد.

---

<sup>1</sup> . Rural To Urban Migration

<sup>2</sup> . Legal Status

<sup>3</sup> . Aversion To Change

## مورد پژوهی 11: تعاونی پرستاری در ویسکانسین

یکی از مشکلات روز افزون کشورهای توسعه یافته، مسأله چگونگی نگهداری و مراقبت از افراد سالخورده است. این آگاهی و شناخت نیز روزه‌روز بیشتر می‌شود که بار سنگین نگهداری سالخوردگان عمدتاً بر دوش زنان است؛ چه زنانی که از بستگان نزدیک خود مراقبت می‌کنند و چه زنانی که حرفه و کارشان، این نوع پرستاری است. این کارگران، از دستمزد پایین و شرایط نامطلوب زندگی خود، رنج می‌برند و نرخ جایگزینی<sup>1</sup> آنها نیز بسیار بالا است. اینان طبق استانداردها و معیارهای سازمان ملل، به هیچ وجه نباید فقیر و کم درآمد باشند؛ در حالی که جزو کم درآمدترین و کم دستمزدترین طبقات کارگر در کشورهای توسعه یافته به شمار می‌آیند.

تعاونی پرستاری<sup>2</sup>، یک تعاونی کارگر - مالک<sup>3</sup> است که اعضایش، از سالمندان و معلولان در خانه‌های خود آنان، پرستاری و مراقبت می‌کنند. مأموریت آن، ارائه خدمات مراقبتی با کیفیت در قبال پرداخت دستمزد و مزایای عادلانه به کسانی است که کار مراقبت را انجام می‌دهند. این تعاونی که مقر آن در یکی از بخش‌های مناطق روستایی ویسکانسین به نام «ووشارا»<sup>4</sup> قرار دارد، نخستین تعاونی از نوع خود در منطقه باختر میانه<sup>5</sup> (غرب مرکزی) امریکا به شمار می‌آید. تقاضا برای خدمات این تعاونی بسیار بالا است. بیش از 4 هزار نفر از جمعیت بخش ووشارا را افراد بالای 65 سال تشکیل می‌دهند و این در حالی است که در منطقه تحت پوشش این بخش، بیش از 92 هزار فرد سالمند زندگی می‌کنند که حداقل یک سوم آنها نیاز به خدمات مراقبتی و پرستاری دارند. قبل از تأسیس این تعاونی، سالخوردگان و معلولان کم درآمد، مقرری یا کمک هزینه از اداره محلی خدمات انسانی<sup>6</sup> دریافت می‌کردند. اما پرستاران، حقوق خود را از یک واسطه مالی<sup>7</sup> می‌گرفتند و در واقع، نوعی دستیار خانگی<sup>8</sup> به حساب می‌آمدند که توسط خود ارباب رجوع، استخدام شده است. اداره مذکور، وجوه یا کمک هزینه‌های دولتی را به منظور تشکیل یک تعاونی کارگری، دریافت می‌کرد و با آن برای ارائه خدمات، قرارداد

---

1. Turnover

2. Cooperative care

3. Worker-owned cooperative

4. Waushara county

5. Midwest

6. Local department of human services

7. Fiscal intermediary

8. Domestic help

می‌بست. تعاونی در حال حاضر، دارای 80 عضو است که از 114 فرد سالمند که زندگی مستقلی دارند، پرستاری می‌کنند.<sup>1</sup> حدود 92 درصد درآمد تعاونی از داخل خود بخش و مابقی از طریق پرداخت‌های خصوصی است.

در مراحل اولیه تأسیس تعاونی، مطالعه‌ای از اعضا صورت گرفت تا نظر آنان را درباره دستمزد عادلانه، نوع مزایای موردنظر، ساعات پیشنهادی برای کار، نیازهای آموزشی و امثال این‌ها، جویا شود که پاسخ‌های آنان به عنوان بخشی از مفاد طرح توجیهی منظور گردید. مزایا، شامل افزایش دستمزد، جبران خدمت، پرداخت یک و نیم برابری در ایام تعطیل، ده روز مرخصی با حقوق<sup>2</sup>، هزینه مسافرت و بیمه بهداشت و سلامت بود که بر مورد اخیر، یعنی بیمه، تأکید زیادی صورت گرفته بود؛ چرا که 31 درصد کارکنان، فاقد بیمه بهداشتی بودند. حقوق هر ساعت کار آنان بین 7/5 تا 9/75 دلار تعیین شده است؛ در حالی که میانگین حقوق در سطح ملی برای این نوع کار، معادل 7/58 دلار است. در سال 2001، یک مازاد 48 هزار و 488 دلاری نصیب تعاونی شد که در پیش‌بینی‌ها، این مازاد حدود 30 هزار دلار برآورد شده بود. پس از پرداخت بخشی از وام تجاری و کنار گذاشتن مقداری وجه به عنوان ذخیره، تعاونی توانست به هر عضو به ازای تعداد ساعات کاری، به طور متوسط مبلغ مازادی معادل 440 دلار پرداخت کند.

تعاونی، دوره آموزشی خاصی برای اعضا در سطح کمک پرستار دوره دیده<sup>3</sup> برگزار می‌کند. کلاس‌های این دوره‌ها در خارج از ساعات کاری برگزار می‌شود و تدریس توسط پرستار حرفه‌ای خود تعاونی صورت می‌گیرد. تا کنون 8 کارگر این دوره را طی کرده‌اند. تأیید این دوره به معنای یک افزایش 2/25 دلاری به ازای هر ساعت کار است. نرخ جایگزینی کارکنان تقریباً به صفر رسیده که به معنای تثبیت نیروی کار و استمرار روند خدمات رسانی به ارباب رجوع است. هیأت مدیره تعاونی، از پنج کمک پرستار دوره دیده تشکیل می‌شود که در حال یادگیری مهارت‌های رهبری و مدیریتی نیز هستند. اعضا هنوز به تنهایی و جداگانه کار می‌کنند؛ اما انزوای آن‌ها نسبت به قبل کمتر شده است؛ چون برای شرکت در جلسات آموزشی، گردهمایی‌ها و مناسبت‌های اجتماعی، دور هم جمع می‌شوند. زمانی که از اعضا خواسته شد هر کدام مبلغ 40 دلار حق عضویت پرداخت کنند، بعضی از آن‌ها به قدری دچار مشکل مالی بودند که درخواست کردند این مبلغ را در دو قسط تسویه کنند. مطالعه

<sup>1</sup> . Cooperative care,2003

<sup>2</sup> . Paid vacation

<sup>3</sup> . Certified nursing assistant

جداگانه‌ای درباره میزان رضایت‌مندی اعضا نشان داد که اعضا به دلیل حس مالکیت نسبت به تعاونی و ارتباط با یکدیگر، احساس غرور و مباحثات می‌کنند. بیشتر از دو سوم اعضا در نخستین مجمع سالانه<sup>1</sup> تعاونی، شرکت داشتند.

هزینه قرارداد با بخش، 40 درصد نسبت به گذشته بیشتر شده است؛ اما در مقابل، تعاونی از هزینه‌های بالاسری اداری<sup>2</sup>، مقداری را پس‌انداز و صرف امور آموزش، پشتیبانی و بیمه کارگران می‌کند. بحران اخیر در بودجه دولتی باعث شد نرخ پرداخت حقوق، ساعتی 50 سنت کاهش یابد و در واقع، نوعی نزاع مستقیم بین بودجه‌بندی به نفع ارباب رجوع<sup>3</sup> (متقاضیان) و پرداخت دستمزدهای مناسب، در گرفته است. میزان تولید اشتغال در این حوزه بستگی به توانمندی مقامات محلی در تأمین اعتبار مورد نیاز و پشتیبانی مالی از این کار دارد و بهتر است هر چه زودتر اقدامی در این راستا صورت گیرد؛ زیرا لیست انتظار (فهرست نوبت) متقاضیان بسیار طولانی شده است.

### بحث و تفسیر

این تفکر که کارگران خدمات مراقبت‌های پرستاری باید شرایط کاری خود را از طریق یک تعاونی بهبود بخشند، به خوبی در اذهان آنان جا افتاده است. تعاونی پرستاری، الهام گرفته از انجمن‌های تعاونی مراقبت‌های پرستاری خانگی<sup>4</sup> بود که در سال 1985 در برونکس<sup>5</sup> نیویورک تأسیس گردید. بنیانگذاران این تعاونی جدید به قابلیت الگوبرداری و تکرارپذیری آن ایمان دارند و اعتقاد دارند که نظام موجود قادر است این کار را با پشتیبانی و حمایت متخصصان امور تعاون که بر دفاتر وابسته به اداره توسعه روستایی کشاورزی کار می‌کنند، انجام دهد. این اداره تا کنون چندین جایزه کسب کرده است.

تعاونی‌های پرستاری در دیگر کشورها نیز در حال شکل‌گیری و گسترش‌اند. در انگلستان حدود 40 تعاونی پرستاری فعالیت دارند که عمدتاً در منازل، ارائه خدمات می‌کنند. اما یک تعاونی مصرف بزرگ در میدلند

---

<sup>1</sup> . Annual meeting

<sup>2</sup> . Administrative overheads

<sup>3</sup> . Clients

<sup>4</sup> . Cooperative home care associates

<sup>5</sup> . Bronx

غربی<sup>1</sup> وجود دارد که تعدادی منزل پانسیون<sup>2</sup> را اداره می‌کند. این بخش به سرعت در حال گسترش است و مقامات محلی از تشکیل این گونه تعاونی‌ها به عنوان جایگزینی برای خدمات بخش عمومی در این حوزه، استقبال و پشتیبانی می‌کنند.<sup>3</sup>

در ژاپن، کار مراقبت‌های پرستاری از سالمندان را بخش‌های تعاونی مصرف و کارگری، انجام می‌دهند. بیش از 30 نفر تحت عنوان کمک پرستار<sup>4</sup> برای این منظور تحت آموزش قرار گرفته‌اند و 30 تعاونی کشاورزی هم، قرارداد شراکتی<sup>5</sup> با ادارات محلی مسئول مراقبت‌های اجتماعی، منعقد کرده‌اند. تعاونی‌های پرستاری در کانادا، کانادا، سوئد و ایالات متحده، توجه زیادی به مراقبت روزانه از کودکان دارند. اما جا افتاده‌ترین تعاونی‌ها در این بخش، متعلق به ایتالیا است. حدود 2 هزار تعاونی مراقبت بهداشتی و اجتماعی، بالغ بر 13 درصد کل بودجه تخصیصی برای رفاه اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. این تعاونی‌ها که اکثراً به شکل تعاونی‌های کارگری هستند، حدود 40 هزار نفر را مشغول کار کرده‌اند.<sup>6</sup>

یکی از بزرگترین مشکلات مسئولان بخش عمومی در عقد قرارداد برای مراقبت‌های پرستاری آن است که ساماندهی ارائه دهندگان این گونه خدمات پرستاری، کار چندان ساده‌ای نیست. مراقبت شخصی، به عنوان یک کالای مصرفی، مستلزم وجود اعتماد زیاد بین متقاضی و عرضه کننده<sup>7</sup> است. این نوع خدمات، جنبه بلندمدت دارد، دارد، اما به راحتی به چشم نمی‌آید؛ ضمن این که جایگزینی عرضه کننده این خدمات، هزینه بالایی دارد. استفاده از خدمات این نوع عرضه‌کنندگان از طریق تعاونی، مزایای کاملاً روشنی دارد. آنان بر خلاف عرضه‌کنندگان انتفاعی<sup>8</sup>، ارزش‌های اجتماعی را رعایت می‌کنند، منفعت طلب نیستند و خود را به محلی که زیاد در آن کار می‌کنند، متعهد می‌دانند. آن‌ها برعکس عرضه‌کنندگان بخش عمومی، قادر به جذب و افزایش سرمایه در بازار هستند و رویکرد کارآفرینی دارند. و می‌توانند ذی‌نفعان کلیدی و مهم را، چه در قالب کارگر - مالک و چه به شکل چند ذی‌نفعی، به عنوان عضو جذب کنند.

---

1 . West midland

2 . Residential home

3 . Taylortet, al.2002

4 . Care helper

5 . Partnership agreement

6 . ILO,2000c

7 . Provider

8 . For-profit alternative



بزرگترین مشکل تعاونی‌های پرستاری، وابستگی بسیار شدید آن‌ها به بودجه‌های عمومی یا بیمه‌ای است تا متقاضیان بتوانند از پس تأمین هزینه‌های مورد نیاز برای مراقبت از خود برآیند. با بروز بحران در بودجه‌بندی، تعاونی‌ها هم دچار مشکل می‌شوند. برای نمونه، تعاونی پرستاری اخیراً مجبور شده است نرخ دستمزد ساعتی اعضا را کاهش دهد و از زمانی که نرخ پوشش مراقبت‌های پزشکی برای خدمات پرستاری ویژه، کاهش یافته است، 4 تعاونی از نوع تعاونی نیویورک، ورشکست شده‌اند. در بریتانیا، تعاونی‌های مصرف بیشتر تمایل دارند در بخش مراقبت‌های پانسیون<sup>1</sup> سرمایه‌گذاری کنند؛ اما بسیاری از تشکلهای خصوصی فعال در این حوزه به دلیل نامشخص بودن وضع بودجه و اعتبارات، در حال خروج از این بخش هستند.

### نتیجه‌گیری

این مجموعه مورد پژوهی نشان داد که تعاونی نه تنها قابلیت استفاده به شکل‌ها و قالب‌های مختلف را دارد، بلکه می‌تواند به روند ساماندهی فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه نیز کمک کند. همچنین مشخص شد که تشکل تعاونی به شرط توسل به شیوه توسعه مشارکتی، به راحتی قابلیت الگوبرداری و تکثیرپذیری پیدا می‌کند. مورد پژوهی‌ها همچنین معلوم کرد که در مقایسه با راه‌کار انتفاعی<sup>2</sup>، استفاده از تشکل تعاونی برای کاهش فقر، بهترین گزینه ممکن است. اگر هم هیچ راه‌کاری وجود نداشته باشد، استفاده از یک تشکل تعاونی نسبتاً ضعیف، بهتر از هیچ چیز است.

---

<sup>1</sup> . Care homes

<sup>2</sup> . For-profit

## فصل چهارم: نتیجه‌گیری: توانمندی و قابلیت تعاونی‌ها در کاهش فقر

در این فصل که مبحث پایانی نوشتار حاضر است، رابطه بین توسعه تعاونی و توسعه مشارکتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سپس به ارکان اساسی موفقیت در ترویج تعاونی‌ها اشاره خواهد شد. و در دنباله، پرسش‌های مهمی در خصوص چگونگی اجرای روند توسعه تعاونی در راستای بیشینه‌سازی منافع فقرا و زنان، مطرح خواهد گردید. در خصوص چگونگی ارتقای جایگاه تعاون در عرصه توسعه بین‌الملل و نیز مسیرهای ترویج و پیشرفت تعاونی‌ها نیز پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

### 1-4- توسعه تعاونی و توسعه مشارکتی

چه رابطه‌ای بین تعاونی‌ها و هدف جامع‌تر توسعه مشارکتی پایدار<sup>1</sup> در فرایند کاهش فقر وجود دارد؟ اکنون افزون بر 20 سال از زمانی که ویژگی‌های عمده فرایند توسعه مشارکتی برای نخستین بار، مطرح گردید، می‌گذرد.<sup>2</sup> این عوامل باید از همان ابتدای کار در فرایند برنامه‌ریزی لحاظ شوند. مداخله‌گری در این زمینه باید از سطح دهکده و یا محله شروع شود و امکان انجام اصلاحات و انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی را فراهم آورد. کار باید روی آن دسته از پروژه‌های پایلوت (آزمایشی) تمرکز یابد که امکان تکرار و تکثیر از طریق اقدام پژوهی<sup>3</sup>، را دارند. یکی از نتایج اساسی پروژه‌های پایلوت موفق، توانایی در ترغیب تصمیم‌گیران برای تدوین خط‌مشی‌های مناسبی است که قادرند امکان تکرارپذیری آن‌ها را افزایش دهند. این کار باید مقرون به صرفه<sup>4</sup> و در عین حال، جامع‌نگر<sup>5</sup> باشد؛ زیرا توجه به فقط یک یا بخشی از مجموعه ابعاد فقر، قطعاً در درازمدت، منجر به پایداری نخواهد شد. باید به تمامی افراد و گروه‌های موردنظر، به ویژه زنان که 80 درصد کارها در جوامع روستایی را انجام می‌دهند، توجه شود. از جمله ویژگی‌های عمده این کار می‌توان به رشد طبیعی فعالیت‌ها، مشارکت مردم محلی در فرایندهای تحلیل مسأله<sup>6</sup> و شناسایی فعالیت‌ها، محوریت دادن به زنان و فقرا و نهادسازی<sup>7</sup> در سطح عامه مردم اشاره کرد که تماماً حول محور یک فعالیت مهم اقتصادی صورت می‌گیرند. برای مداخله‌گری باید یک الگو

1 . Participatory sustainable development

2 . Verhagen, 1984

3 . Action research

4 . Cost-effective

5 . Holistic

6 . Problem analysis

7 . Institution building

یا روش تکرارپذیر از طریق نظارت<sup>1</sup> و خود ارزشیابی<sup>2</sup> مستمر، ابداع کرد. این کار باید زیر نظر یک مدیر پروژه، توسط آن دسته از کارگزاران خط مقدم جبهه<sup>3</sup> انجام شود که هم از مهارت‌های عمومی لازم برای توسعه اجتماعی محلی سود می‌برند و هم در صورت لزوم قادرند از خود مهارت‌های تخصصی<sup>4</sup> نشان دهند.

رمز موفقیت، در توسعه منابع انسانی<sup>5</sup> است که از طریق تعلیم و آموزش محلی، آموزش شیوه رهبری و مدیریت و آموزش موضوعی برای رهبران محلی، همراه با حرکت تدریجی از برنامه‌های آموزش عمومی ویژه گروه‌ها به سمت آموزش تخصصی<sup>6</sup> ویژه رهبران، حاصل می‌شود. از بعد مسائل مالی، باید قبل از هرگونه اقدامی جهت اخذ یا اعطای وام، برای پس‌انداز بسترسازی شود. باید از اعطای اعتبارات سهل و ارزان<sup>7</sup> از سوی بنگاه‌های خارجی، جلوگیری شود؛ زیرا این کار موجب تضعیف روحیه صرفه‌جویی و پس‌انداز در گیرندگان وام می‌شود. پروژه‌ها باید دارای بودجه انعطاف‌پذیر باشند و خود را در درازمدت نسبت به مردمانی که با آن‌ها کار می‌کنند، متعهد بدانند.

اما یکی از مشکلات موجود بر سر راه توسعه پایدار، در روند همانندسازی یا تکرار پروژه‌های آزمایشی است. به ندرت می‌توان حرکتی خودجوش و قائم به ذات<sup>8</sup> را تصور کرد که هیچ نیازی به منابع و امکانات خارجی نداشته باشد و در این جا است که تشکل تعاونی می‌تواند به شرط آن‌که مطابق با اصول تعاونی شکل گرفته باشد، ارزش‌ها و مزیت‌های قطعی خود را نشان دهد. این کار، چندان دشوار نیست؛ زیرا اصول تعاون، بیش از 200 سال است که از سوی مردم رعایت می‌شود و این، همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان "توسعه پایدار" یاد می‌شود. اصل نخست یا همان اصل اساسی تعاون آن است که خود مردم مشخص کنند به چه نوع تشکل خودیار نیاز دارند. در اینجا بحث انتخاب بین نوع تشکل پیش می‌آید که دامنه آن از گروه‌های خودیار غیررسمی تا تعاونی‌های رسمی<sup>9</sup> را در برمی‌گیرد. در این اصل، بحث ایجاد تشکل<sup>10</sup> (تشکیل سازمان) هم مطرح

---

1 . Monitoring

2 . Self-evaluation

3 . Front line workers

4 . Specialist skills

5 . Human resource development

6 . General education programmers

7 . Specialized education programs

8 . Replication

9 . Formal cooperative

10 . Organization building

است؛ سازمانی که ممکن است خود مردم مایل باشند از طریق آن نسبت به تشکیل نوعی «پیش تعاونی»<sup>1</sup> یا تعاونی ابتدایی که همان شکل تعاونی، قبل از تشکیل است] اقدام کنند و سپس به آن، جنبه رسمی ببخشند. به انتخاب بین تشکیلات تک منظوره<sup>2</sup> که فقط یک نوع محصول یا خدمات عرضه می‌کند و تشکیلات چند منظوره<sup>3</sup> منظوره<sup>3</sup> که طیف وسیعی از نیازهای محلی را تأمین می‌سازد نیز اشاره شده است. در گذشته، نظریه‌پردازان تعاون<sup>4</sup> تعاون<sup>4</sup> با ارزش‌های هر کدام از این دو مقوله، انتزاعی برخورد می‌کردند؛ اما آن‌ها را باید صرفاً گزینه‌هایی تلقی کرد که باید خود اعضای احتمالی نسبت به انتخاب یکی از آن‌ها اقدام کنند. مهمتر از همه این‌که، تشکیلات ایجاد شده باید با فرهنگ‌های محلی مناطق تحت پوشش، سازگاری و مطابقت داشته باشند. فرهنگ همان چیزی است که بخت<sup>5</sup> از آن به عنوان «برنامه‌ریزی اشتراکی ذهن»<sup>6</sup> یاد می‌کند و تجلی‌گر رفتارهای متفاوتی است که منع اجتماعی<sup>7</sup> ندارند.<sup>8</sup>

این امر به معنای آن است که برداشت ذهنی افراد از شرایط خود، اهمیت حیاتی دارد. در گذشته، تعاونی‌ها هرگاه که بیگانگان قصد داشتند آن‌ها را با هدف «نوین‌سازی»<sup>9</sup> بر مردم تحمیل کنند، توفیقی حاصل نمی‌کردند. حرکت و توسعه تعاونی‌ها در آینده باید براساس استعداد ذاتی و درونی جوامع تحت پوشش برای نیل به تکامل باشد. به بیان ساده‌تر از قول مونکنر «توسعه از ذهن شروع می‌شود» و تشکل تعاونی باید ریشه در فکر و اندیشه اعضا داشته باشد.

اصل دوم، مبتنی بر این است که تشکل‌های تعاونی باید از همان ابتدای کار، واقعاً متعلق به اعضا (عضو-مالک) باشند. از منظر درونی، این امر بدان معنی است که تعاونی باید براساس نیازها و اولویت‌های اعضای شکل بگیرد که آزادانه و بنا به اختیار، به آن ملحق شده‌اند و خود را واقعاً نسبت به آن، متعهد و مقید می‌دانند. یعنی تعاونی‌ها باید به جای تکیه بر کمک‌ها یا یارانه‌های خارجی، به بسیج منابع محلی<sup>10</sup> روی آورند. این منابع، هم

---

<sup>1</sup> . Pre-cooperative

<sup>2</sup> . Single-purpose organization

<sup>3</sup> . Multi-purpose organization

<sup>4</sup> . Cooperative theorists

<sup>5</sup> . Bakhit

<sup>6</sup> . Collective programming of mind

<sup>7</sup> . Socially sanctioned

<sup>8</sup> . Bakhit in bakhit et, a10,1996,p.17

<sup>9</sup> . Modernize

<sup>10</sup> . Mobilize local Resources

دسترسی به منابع طبیعی نظیر زمین، آب و انرژی را شامل می‌شود و هم منابع انسانی، مانند «کارکرد عاطفه و محبت»<sup>1</sup> را که موجب می‌شود مردم، اعضای خانواده و بستگان خود در جامعه بزرگتر را در داشته‌های خود، سهمیم سهمیم و شریک بدانند.<sup>2</sup> اصلی‌ترین کارکردهای<sup>3</sup> تعاونی را می‌توان تدارک محمل و محفلی برای بحث، بسیج منابع منابع محلی، ایجاد قدرت چانه‌زنی و قدرت مطالبه‌خواهی<sup>4</sup>، گسترش دامنه انتخاب فعالیت‌های درآمدزا و افزایش میزان کنترل جامعه محلی بر عوامل تولید دانست. توسعه پایدار تعاونی به معنای ورود گزینشی به اقتصاد کلان‌تر و ایجاد حفاظ دفاعی برای مقابله با فقر در سطح خانوار، گروه و دهکده است.

## 2-4- اهمیت توسعه منابع انسانی

برای نیل به موفقیت، تعاونی باید اصول مذکور را با یک سلسله ارکان اساسی دیگر، تلفیق و تکمیل کند. سازمان‌های کوچک، نیاز به نظام‌های مدیریتی خاصی متناسب با شرایط خود دارند. شیوه رهبری باید در بین اعضا ترویج شود. تعاونی‌ها به رهبرانی نیاز دارند که بتوانند هم تشکل را با موفقیت اداره کنند و هم به اولویت‌های تعیین شده از سوی اعضا، وفادار باشند. وقتی سازمان به مرحله‌ای از توسعه رسید که نیازمند مدیریت حرفه‌ای<sup>5</sup> شد، لازم است از وجود مدیرانی «ارزش محور»<sup>6</sup> استفاده کند که قادر باشند امور تشکیلات را به نمایندگی از سوی سوی اعضا به خوبی پیش ببرند.<sup>7</sup> تعاونی‌ها حتی‌المقدور باید با کمک واقعی اعضا از منابع و امکانات موجود خود استفاده کنند. این کار سبب ایجاد تعهد در اعضا می‌شود. اصول تعاون، دسترسی برابر به خدمات و سودهای حاصله را تضمین می‌کند. البته برابری در این معنا، نسبی و متناسب با میزان استفاده عضو از خدمات تعاونی است و به مفهوم برابری مطلق<sup>8</sup> نیست. اصل آموزش اعضا، فاصله قدرت بین اعضا و رهبران را که غالباً به واسطه حاکمیت فرهنگ محلی، مانع مشارکت می‌شود، از بین می‌برد.

در بحث تعاون نیز همانند مقوله توسعه پایدار، بزرگترین کمکی که حامیان تعاون می‌توانند انجام دهند، در

بعد منابع انسانی است. «توسعه پایدار به قدری مبتنی بر مردم است که مهمترین ابزار تحقق آن، سرمایه‌گذاری در

---

1. Economy of affection

2. Munkner, Chap.2 of Bakhit et al.,1996

3. Functions

4. Claim-Making Power

5. Professional Management

6. Value-Based

7. Davis,2000

8. Absolute Equality

عرصه منابع انسانی است»<sup>1</sup>. در تعاون، نیاز بی‌حد و حصری به آموزش و تعلیم وجود دارد که باید در قالب برنامه‌های درازمدت، متناسب با نیازها و شرایط خاص، ارائه شود. برنامه آکوپام که به عنوان یکی از مورد پژوهی‌ها در فصل سوم پیرامون آن بحث شد، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان به چنین مهمی دست یافت.

### 3-4- پرسش‌های ساده، پاسخ‌های دشوار

پرسش‌های متعدد مهمتری برای طرح در این حوزه وجود دارد که اکثراً به یک نسبت در مورد مناطق روستایی و شهری کاربرد دارند. آیا برای مداخله‌گری در اقتصادهای غیررسمی شهری، باید برنامه‌های ویژه‌ای به کار گرفته شود؟ مونکنر و والتر معتقدند که سه مجموعه اقدام باید به طور همزمان در این راستا انجام شود: اقداماتی برای بهبود عملکرد بنگاه‌های اقتصادی غیررسمی<sup>2</sup>؛ اقداماتی برای تأثیرگذاری بر مجموعه شرایط ساختاری و اقداماتی برای تقویت نهادهای ترویجی<sup>3</sup> از طریق آموزش آیا برای فقرا باید برنامه‌های ویژه‌ای اجرا شود؟ در این باره، نظریه‌های مخالف و موافق متعددی وجود دارد؟ چنانچه فقرای موردنظر، دچار محرومیت و حاشیه راندگی<sup>4</sup> شدیدباشند، لازم است از برنامه‌های ویژه‌ای نظیر آنچه که تحت عنوان مورد پژوهی ایندیسکو (INDISCO) درباره‌اش بحث شد، استفاده شود. موافقان تعاونی‌های ویژه فقرا معتقدند که چنین تشکلهایی، هم موجب تقویت همبستگی و اعتماد به نفس میان فقرا و رفع نیازهای ویژه آنان می‌شود و هم مانع سلطه گروه‌های قدرتمندتر بر آنان می‌گردد. با این حال، موافقان توسعه عمومی<sup>5</sup> بر این باورند که جدا نبودن گروه‌های آسیب‌پذیر<sup>6</sup> آسیب‌پذیر<sup>6</sup> از بقیه، موجب بهره‌مندی آنان از خدمات مورد حمایت گروه‌های مرفه‌تر و نیز از صرفه‌جویی‌های مقیاس<sup>7</sup> (صرفه‌های ناشی از مقیاس) می‌شود.<sup>8</sup> برنامه‌های عمومی برای تقویت تعاونی‌ها اگر در راستای منافع فقرا فقرا باشند، می‌توانند تأثیر بسیار مثبتی داشته باشند. با انجام یک ارزشیابی می‌توان صحت یا سقم این ادعا را مشخص کرد.

1. Munkner and Walter in Bakhit et al,1996,p.97

2. Informal enterprises

3. Promotional institutions

4. Marginalized

5. General development

6. Vulnerable groups

7. Economies of scale

8. Parnell,2001

آیا شیوه ترویج تعاونی‌ها باید در مراحل مختلف توسعه فرق داشته باشد؟ باید دانست که نوع دروندادهای مناسب در این خصوص، بستگی به آن دارد که آیا افراد مورد نظر، گروهی فقیر هستند که می‌خواهند یک تعاونی برای رفع نیازهای خود تشکیل دهند، یا یک تعاونی دارند که هنوز به مرحله تثبیت نرسیده و سعی دارد مستقل از دولت و حکومت عمل کند و یا تعاونی موفق دارند که می‌خواهند آن را در راستای رفع تعداد بیشتری از نیازهای خود و یا رفع نیازهای اعضای جدید، بسط و گسترش دهند. در کلیه این موارد، توسعه منابع انسانی، اصل است، اما می‌توان انتظار داشت که نوع منابع مورد نیاز، از درون خود تعاونی شکل بگیرد.

توسعه تعاونی چگونه می‌تواند موجب ارتقای جایگاه زنان شود؟ قبلاً تصور می‌شد که اصول تعاون، خود به خود موجب برابری جایگاه زنان با مردان می‌شود. در کشورهای توسعه یافته، این مهم تنها زمانی حاصل شد که زنان، تشکلهای جداگانه‌ای در قالب صنوف ویژه خود تشکیل دادند. از این رو، توسعه تعاونی باید مستقیماً متوجه زنان باشد؛ آگاهی زنان را نسبت به تعاونی به عنوان تشکل یا بنگاه اقتصادی، افزایش دهد و تعاونی‌های مذکور سالار<sup>1</sup> کنونی را وادار به اتخاذ قانونی کند که به موجب آن هرگاه پای فعالیت خانوار در میان باشد، بیش از یک فرد هر خانوار، حق عضویت داشته باشد.<sup>2</sup>

چه محدودیت‌هایی بر سر راه فرایند توسعه تعاونی وجود دارد؟ لازم نیست همیشه از تعاونی یا دیگر تشکلهای خودیار عضو محور استفاده شود. در پاره‌ای موارد و شرایط خاص، راه‌کارها و گزینه‌های دیگر، ممکن است مناسب‌تر باشد. برای نمونه، توسعه مشارکتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک تشکل مردمی عمومی‌تر شود که به جای اعضا، کلیه شهروندان را تحت پوشش قرار دهد که از آن جمله می‌توان شوراهای محله<sup>3</sup> در شهرک‌های شهرک‌های فقیرنشین و نیز شوراهای یا کمیته‌های ده<sup>4</sup> در مناطق روستایی و امثال این‌ها را نام برد که به جای کارکردهای اقتصادی<sup>5</sup>، دارای نماینده هستند و در واقع، مسؤولیت نمایندگی مردم را بر عهده دارند. گاهی، راه‌کارهای انفرادی‌تر، مثلاً در مورد توسعه کسب و کار برای خرده‌کارفرمایان<sup>6</sup>، بهتر جواب می‌دهد (هر چند که

---

1. Male-dominated

2. Nippierd,2001

3. Neighborhood councils

4. Village committee

5. Economic functions

6. Micro-entrepreneurs

این کار، مستلزم نوعی تعاون و همکاری بین مؤسسات اقتصادی است). حتی برخی مدعی‌اند که در پاره‌ای موارد، شرکت انتفاعی می‌تواند گزینه مناسب‌تر باشد. البته در مورد ساگوپاک مشاهده شد که تعاونی‌ها حتی در عرصه آبرسانی هم که حرف اول را شرکت‌های چند ملیتی<sup>1</sup> می‌زنند، می‌توانند نقش بسیار مؤثری داشته باشند. در پاره‌ای موارد، حتی پس از اقدامات ترویجی و تبلیغی هم شرایط لازم برای تشکیل تعاونی مهیا نمی‌شود. باید خود اعضای احتمالی، ضمن نشان دادن خواست و اشتیاق به همکاری و بروز اعتماد نسبی به رهبران، التزام و تعهد خود را به مقداری سرمایه‌گذاری مالی<sup>2</sup> نیز اعلام و ابراز کنند<sup>3</sup>. وقتی تمامی این شرایط مهیا گردید، تعاونی‌ها قادر خواهند بود حتی در بدترین شرایط ممکن، نظیر شرایط پس از جنگ یا بلایای طبیعی، نیز موجبات کاهش فقر را فراهم آورند.<sup>4</sup> مثلاً پس از وقوع زلزله ویرانگر اخیر در کوبه ژاپن، شرکت تعاونی کوبه<sup>5</sup>، علی‌رغم تخریب ساختمان ستاد مرکزی خود، توانست بلافاصله پس از وقوع سانحه، به شیوه‌ای بسیار مؤثر نسبت به تأمین نیازهای غذایی زلزله‌زدگان اقدام نماید.

#### 4-4- چه کارهایی از دست بنگاه‌های بین‌المللی برای تقویت نقش تعاونی بر می‌آید؟

در فصل دوم خاطرنشان گردید که سازمان ملل همچنان از نقش تعاونی‌ها در فرایند کاهش فقر، حمایت می‌کند و این در حالی است راه کار تعاونی، در راهبردهای کاهش فقر بانک جهانی، جایگاه چندان مستحکمی ندارد. برعکس، وقتی نوبت به اقدامات عملی از سوی بنگاه‌های وابسته به سازمان ملل می‌رسد، بر پتانسیل تعاونی‌ها، البته تنها به عنوان راه‌کاری در کنار دیگر تشکلهای مشارکت مردمی، تأکید زیادی صورت می‌گیرد. اما چگونه می‌توان پتانسیل این تعاونی‌ها را ارتقا داد و به اثبات رساند؟ اقدامات شعبه تعاون سازمان جهانی کار در این راستا اهمیت شایانی دارد؛ زیرا تعاونی‌ها همواره یکی از ارکان اصلی راهبرد این سازمان در خصوص کار شرافتمندانه بوده‌اند. پیرامون برنامه‌های آکوپام و ایندیسکو در فصل سوم بحث شد. در این جا لازم است به برنامه «کوآپ رفورم»<sup>6</sup> (اصلاحات تعاونی) نیز اشاره‌ای صورت گیرد که ضمن کمک به سیاست‌گذاران در فراهم ساختن

1. Multi-national

2. Financial investment

3. Parnell, 2000

4. Parnell, 2001

5. Kobe cooperative society

6. COOPREFORM



ساختن جو مساعد برای توسعه تعاونی و نیز کمک به دولت‌ها در اصلاح قوانین تعاون، توانست ظرفیت تشکل‌های تعاونی ملی را برای عرضه خدمات پشتیبانی فنی<sup>1</sup> به اعضای خود نیز تقویت کند. برنامه «کوآپنت»<sup>2</sup> نیز با تأکید بر مهمترین درونداهای توسعه<sup>3</sup>، یعنی همان توسعه منابع انسانی، می‌کوشد کیفیت مدیریت و رهبری را در بخش تعاون ارتقا دهد. اگر چه این برنامه‌ها عملاً خاتمه یافته تلقی می‌شوند، اما تدابیر و تفکراتی که موجب راه‌اندازی و پیشبرد آن‌ها شده، همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین باید ضمن تداوم روند الگوبرداری مجدد<sup>4</sup> مجدد<sup>4</sup> و مکرر از آن‌ها، در دراز مدت به گونه‌ای مورد پشتیبانی مالی قرار گیرند که روند تکرار و تکثیر آن‌ها به عنوان راه‌کارهای کارآمد تعاونی برای مقابله با پدیده‌های فقر و بی‌کاری، کماکان ادامه داشته باشد.

در عین حال، لازم است برای تقویت روند توسعه تعاونی، از وجود نیروهای کارشناس و متخصص امر در عرصه توسعه بین‌الملل نیز استفاده شود. باید صاحب‌نظران و کارشناسان توسعه تعاون، در فعالیت‌های پروژه هزاره<sup>5</sup> جدید نیز حضور فعال داشته باشند، این پروژه، شبکه‌ای متشکل از صاحب‌نظران و اندیشمندان است که با کارشناسان و متخصصان امر در تشکیلات سازمان ملل، در خصوص اهداف هزاره سوم، همکاری و رایزنی می‌کنند. امید می‌رود اندیشه‌های مربوط به نقش تعاونی‌ها و دیگر تشکل‌های خودیار مشابه آن، در جریان این «نواندیشی»<sup>6</sup> لحاظ شود.<sup>7</sup> نقش‌های تعاونی باید در «کمیسیون جهانی سازمان بین‌المللی کار درباره بعد اجتماعی جهانی شدن»<sup>8</sup> نیز مورد توجه قرار گیرد. هدف این کمیسیون مستقل آن است که بحث درباره این موضوع که «آیا جهانی شدن اقتصاد می‌تواند به نفع فقرا باشد» را از رودر رویی<sup>9</sup> و جدل، به مذاکره و گفت‌وگو<sup>10</sup> تبدیل کند.<sup>11</sup>

متخصصان تعاون که در سازمان جهانی کار، اتحادیه بین‌المللی تعاون و سازمان جهانی خواربار کشاورزی

(فائو) و دیگر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیت دارند باید به منظور کمک به جامعه بین‌الملل برای نیل به

---

<sup>1</sup> . Technical support services

<sup>2</sup> . COOPNET

<sup>3</sup> . Development inputs

<sup>4</sup> . Remodel

<sup>5</sup> . Millennium project

<sup>6</sup> . Fresh thinking

<sup>7</sup> . United nations, 2002c

<sup>8</sup> . ILO's World Commission On the Social Dimension of Globalization

<sup>9</sup> . Confrontation

<sup>10</sup> . Dialogue

<sup>11</sup> . ILO, 2002f

وحدت سیاسی بیشتر در این عرصه، با هم متفق و متحد شوند. به ویژه، دفاتر منطقه‌ای<sup>1</sup> اتحادیه بین‌المللی تعاون باید حضور پررنگ‌تری در فرایند تدوین راهبردهای کاهش فقر داشته باشند. در هر سند راهبردی کاهش فقر باید پیشنهادهایی چه در راستای لزوم استفاده از گزینه تعاون برای تشکیل و توسعه سازمان‌های جدید ویژه افراد فقیر و چه در خصوص اصلاح و تقویت تشکلهای تعاونی موجود، لحاظ شده باشد. بانک جهانی باید توسل به راه کارهای تعاونی را در ایجاد امکانات و تأسیسات آب رسانی، آبیاری، برق و مخابرات، به موازات الگوی شرکت انتفاعی، مورد توجه قرار دهد. سازمان جهانی بهداشت<sup>2</sup> هم باید به گزینه تعاون در حوزه خدمات بهداشت و سلامت، توجه بیشتری اعمال کند و سازمان جهانی خوار بارو کشاورزی (فائو) هم باید الگوی آزمون شده تعاون کشاورزان را جدی بگیرد و ... .

سازمان‌هایی نظیر فدراسیون بین‌المللی بیمه متقابل و تعاونی (ICMIF) و سازمان بین‌المللی تعاونی‌های تولید صنعتی، فنی و خدمات (CIOPA) که به نوعی نمایندگی تعاونی‌ها را برعهده دارند و نیز اتحادیه بین‌المللی تعاون به عنوان سازمان پوشش دهنده و حمایت کننده<sup>3</sup> کلیه تعاونی‌ها، مسئولیت معرفی و حفظ موقعیت و جایگاه جایگاه تعاونی‌ها را در سطح بین‌المللی بر عهده دارند. مسئولیت مشابهی نیز بردوش فدراسیون‌های تعاونی رده ملی<sup>4</sup> قرارداد و آن، تأثیرگذاری بر دولت‌ها، به ویژه ادارات دولتی مسؤول امور توسعه بین‌المللی است که نیروهایشان معمولاً شناخت چندانی از راه کار تعاونی ندارند.<sup>5</sup>

## 5-4- کلام آخر

اگر تعاونی وجود نداشت، می‌بایست ابداع می‌شد. ممکن است از تعاونی‌ها با عناوین و نام‌های مختلفی مانند گروه‌های خودیار مردمی، تشکلهای کشاورز - مالک و امثال این‌ها یاد شود، ولی اساساً به عنوان تشکلهای اقتصادی عضو - محور، عناصر شاکله یا واحدهای ساختمانی تشکیل دهنده توسعه پایدار به شمار می‌آیند و در واقع، بیشتر جنبه شالوده و بنیان کار را دارند تا واحدهای ساختاری؛ زیرا تک‌تک آجرهای به کار رفته در دیوار این ساختمان، شامل ظرفیت‌سازی، ارتقای تحصیلات و بهداشت، فرصت‌های درآمدزایی، روابط با نهادها و خدمات

<sup>1</sup> . Regional offices

<sup>2</sup> . World Health Organization (WHO)

<sup>3</sup> . Umbrella organizations

<sup>4</sup> . National- level cooperative federations

<sup>5</sup> . Parnell,2000

عمومی موجود، حمایت سیاسی و...، همگی به وجود نوعی تشکیلات ویژه محرومان و فقرا دارند بستگی که بتوانند پایه‌های خود را بر روی آن استوار سازند.

پس چرا به تعاونی‌ها با این همه اهمیت، اشارات چندان روشنی در متون و ادبیات مربوط به کاهش فقر نشده است؟ شاید از دید کارشناسان توسعه دور مانده‌اند و یا شاید نسبت به کاربرد آزادانه واژه «تعاونی» به دلیل سوء استفاده‌هایی که در گذشته از آن به عمل آمده است، با احتیاط برخورد می‌شود.<sup>1</sup> اما ممکن است دلایل روشنی در پس کاربرد اصلاحات متفاوت برای یک سازمان یا تشکیلات واحد وجود داشته باشد. مسأله آن است که این کار می‌تواند مانع آنان در ترسیم چهره‌ای روشن از میراث غنی تاریخ و تفکر تعاونی شود و آنان را از شناخت رابطه بسیار نزدیک بین توسعه محلی و تعاونی‌ها باز دارد. وقتی زمان ترویج تشکل‌های مردم‌مدار<sup>2</sup> فرا رسد، ممکن است گرفتار تهدیدی از نوع «اختراع مجدد چرخ»<sup>3</sup> شوند و یا شاید هم زمان دسترسی به اهداف توسعه هزاره را به تأخیر اندازند. وقتی چیزی وجود دارد، نیازی به باز ابداع<sup>4</sup> آن نیست و تعاونی‌ها هم اکنون وجود دارند و در عرصه‌های مختلف، به شکل‌های مختلف و در مناطق مختلف، فعالانه در تأمین کار شرافتمندانه و شایسته برای مردم و نیز در فرایند کاهش فقر، مشغول ایفای نقش هستند.

---

<sup>1</sup> . Imbsen,2001

<sup>2</sup> . People-centred

<sup>3</sup> . Reinventing the whell

<sup>4</sup> . Reinvent